



سال پنجم - پنجشنبه ۱۲ آبان ماه ۱۳۶۲ - شماره ۱۰۰ ربان (خارج از کشور معادل یک دلار)

شماره ۱۷۶

\* حماسه های مجاهد خلق

لحظه های انقلاب

در صفحه ۹

\* سروده های مقاومت

در صفحه ۱۸

۱۸ آبان (۳ صفر) سالروز  
ولادت امام محمد باقر (ع)  
رابعه پیروان راستین آن حضرت  
تبریک می گوئیم

## سرمقاله

هفت شبانه روز مقاومت  
هفت شب و روز حماسه

گزارش زیر را برادر مجاهد ابراهیم ذاکری مسئول سازمان مجاهدین خلق ایران در کردستان در اختیار ما قرار داده است. از آنجا که این گزارش اضافه بر تشریح وقایع و انعکاس مقاومت های حماسی پیشمرگان قهرمان مجاهد خلق و پیشمرگان دلاور حزب دمکرات کردستان ایران و نیروهای مقاومت مردمی (هیز برگیری) حاوی بسیاری تحلیل ها و نقطه نظرات نیز بود، سرمقاله ای این شماره را به آن اختصاص دادیم.

برای انتشار این گزارش صرفنظر از انتخاب تیترو ملاحظاتی انشائی مختصر (برای گویاتر شدن هرچه بیشتر مطلب) اشارات کلی خبری و استنادات تحلیلی برادر مجاهد مسعود عدل فرماندهی عملیات مجاهدین در کردستان را با پاورقی های برادر مجاهد ابراهیم ذاکری تکمیل نمودیم.

برادر... مسئول "مجاهد"!

اکنون چند روز است که من کردستان را ترک کرده و به اتفاق آقای دکتر قاسملو در جلسات کمیسیون خودمختاری و همچنین جلسه ماهیانه شورای ملی مقاومت شرکت می کنم. همچنان که مطلع هستید طی این مدت رژیم ضدبشری خمینی حملات وسیع و گسترده ای را به کردستان آغاز نموده که ضمن دادن تلفات سنگین، با مقاومت قهرمانانه ای نیز روبرو گردیده است. از دلاوری ها و مقاومت چندین شبانه روزی بخشی از پیشمرگه های قهرمان مجاهد خلق (مستقر در کردستان) فرمانده مسعود عدل گزارشی برابیم ارسال کرده است. این گزارش را برادر مسعود (رجوی) نیز درگیرودار اداره ای جلسات شورا را بنوبه اشتغالات ویژه خودش مطالعه نموده و به من توصیه نمود که نسخه ای از آنرا برای شما نیز ارسال دارم تا با انتشار آن کلیه هواداران و نیروها و همچنین عموم مردم ایران، در جریان مقاومت های حماسی که امروز در سراسر ایران و همچنین منطقه کردستان بر علیه رژیم ددمنش خمینی در جریان است، قرار گیرند. به منظور رعایت مسائل امنیتی و جلوگیری از اذیت و آزار روستائیان توسط مزدوران رژیم و یا کشتار افرادی که با تمام امکانات و توانائی خود بیدریغ از پیشمرگه های مجاهد خلق حمایت کرده اند، در گزارش فرماندهی عملیات مجاهدین در کردستان، اسامی این افراد و یا برخی روستاهای مربوطه را حذف کرده ام. همچنین برخی از اسامی را که در گزارش فوق الذکر بصورت مستعار ذکر شده بود، برای وضوح بیشتر مطلب، به اسامی اصلی تغییر داده ام. ضمناً برای استفاده ی بیشتر خوانندگان مجاهد از گزارش، نقشه ی منطقه ی درگیری را نیز به ضمیمه ارسال می دارم.

با تشکر - ابراهیم ذاکری

از: مسعود عدل

به: ابراهیم ذاکری

تاریخ: ۲/۳ آبان ماه ۶۲

با سلام و درودهای انقلابی و توحیدی!

هم اکنون که ساعت ۲/۵ بعد از ظهر است پس از چندین شبانه روز سراسر جنگ و درگیری، فرصتی دست داد تا بتوانم گزارش مفصل تری برایت بنویسم، بخصوص که فکر می کنم بقیه در صفحه ۲

## مسئول شورای ملی مقاومت در رأس هیئت نمایندگی شورا

درکنگره حزب سوسیالیست فرانسه شرکت کرد

دیدارهای هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت

بانمایندگان کشورها، احزاب و جنبشهای مختلف جهان



برادر مجاهد مسعود رجوی و آقای گلود شسون وزیر خارجه فرانسه

وزیر خارجه فرانسه ضمن تاکید بر شناسائی و محترم شمردن انقلاب مردم ایران از طریق برادر مجاهد مسعود رجوی پیامی برای ملت ایران فرستاد

در صفحه ۳

## در حاشیه سرمقاله

\* تنها با یک ارزیابی واقع بینانه از تهاجم اخیر است که قادر خواهیم بود با اتکاء به نقاط قوت استراتژیک و قابل محاسبه ی مقاومت کردستان، به برنامه ریزی مبارزاتی بر روی نقاط ضعف دشمن پرداخته و بر پایه های حاکمیت لرزان و درهم کوبیده شده ی او ضربه وارد سازیم.

در صفحه ۲۱

## فتاوی جدید خمینی

جواز اسیرکشی، غارت و

جنایت برای مزدوران ارتجاع

در جنگ

در صفحه ۷

## صفحات ویژه خارج از کشور

چشم بندی...!

ماجرای مضحك و درعین حال آموزنده

هواشدن "۱۴ مرداد"

• نمایشنامه "بازگشت مشروطیت" از نشریه آهنگر

• مقاله "ناگهان تابستان گذشته!" از هفته نامه اصغر آقا

(در صفحات ۱۰ تا ۱۵)

## اعتبارات پی در پی

جهت تامین

مخارج روزمره

جنگ افروزی های

خمینی

در صفحه ۸

## هفت شبانه روز مقاومت، هفت شب و روز حماسه

بقیه از صفحه اول

چند ساعتی فضای آرامتری در پیش رو داشته باشیم. در ضمن چون پیک هم عازم بود، فرصت را مغتنم می‌شمارم.

ابتدا لازم است مختصری راجع به وضعیت کلی آرایش دفاعی مان در منطقه "آلان" و همچنین تغییراتی که پس از رفتن شما صورت گرفت، گزارش بدهم.

### ۱- جبهه سردشت

همانطور که می‌دانید پس از تهاجم رژیم به منطقه "آلان" و "بیوران" از سمت سردشت در اواخر خردادماه گذشته (۱)، جاده سردشت تا بالای "هومل" و سایر مسیرهای احتمالی نفوذ دشمن را بطور گسترده مین‌گذاری کرده و با گذاردن تله‌های انفجاری تحرکات دشمن را در این جبهه به حداقل رساندیم. بنحوی که اگر رژیم می‌خواست برای حمله به منطقه "آلان" از این جاده استفاده کند، مسلما با تلفات بسیار سنگین مواجه می‌شد. اطراف روستای "دوله‌گرم" با توجه به موقعیت ویژه جغرافیاییش به عنوان مقر فرماندهی عملیاتی پیشمرگه‌های مجاهد خلق در جبهه سردشت انتخاب شد، که در این مدت مستمرا با عملیات روی پایگاههای دشمن و کمین‌گذاری در مسیرهای تردد و نفوذ دشمن، منطقه را برای مزدوران دشمن ناامن کرده بودیم.

### ۲- جبهه بانه

پس از تصرف ارتفاعات "گاگر" (۲) توسط رژیم در اواخر اردیبهشت‌ماه گذشته، برای جلوگیری از پیشروی دشمن، پل نزدیک "کیورود" (۳) را که بر روی رودخانه "زاب" زده شده، منفجر ساختیم و بدین‌وسیله امکان استراتژیکی دسترسی و تحرک مکانیزه دشمن را از "بانه" به سمت "آلان" قطع نمودیم. در آرایش جدید دفاعی، اطراف روستای "گرویس" به عنوان مقر فرماندهی پیشمرگه‌های مجاهد خلق در جبهه بانه انتخاب شد.

با توجه به تخریب پل "کیورود"، رژیم برای

### پاورقی:

۱- در تهاجمی که رژیم از تاریخ ۲۷ تا ۳۰ خرداد ماه گذشته از سردشت به سمت "بیوران" و "قلعشر" داشت، در اثر مقاومت پیشمرگان در این منطقه بیش از ۶۰۰ نفر از مزدوران دشمن به‌هلاکت رسیدند که تعداد زیادی از آنان در اثر انفجار مین‌های ضدخودروی ویژه که توسط پیشمرگه‌های مجاهد خلق ساخته و کار گذاشته شده بود، به‌هلاکت رسیدند و ۲۷ دستگاه خودروی آنان بطور کامل منهدم گردید.

۲- در جریان تصرف "گاگر" توسط رژیم که در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ماه گذشته صورت گرفت، ۲۰۰ نفر از مزدوران دشمن کشته و ۸ خودروی آنان منهدم گردید.

۳- با توجه به اهمیت استراتژیک راهها در کردستان، که همیشه در تهاجمات رژیم به عنوان محور اصلی مورد استفاده قرار می‌گیرند، قطع راهها و مسدود ساختن آنها در دفاع از منطقه اهمیت ویژه‌ای دارد که انفجار پل "کیورود" نیز با توجه به موقعیت استراتژیک آن، نقش مهمی در جلوگیری از ایامی تهاجمات رژیم در آن مرحله داشت. این پل در مسیر تنها جاده‌ای قرار دارد

پیشروی از سمت بانه بایستی از رودخانه "زاب" عبور کند. به همین جهت ما در قسمت شرق رودخانه (منطقه آلوت) مسیرهای نفوذ و تردد دشمن را مین‌گذاری و تله‌گذاری کردیم. ضمنا بچه‌ها نیز مانند منطقه سردشت، مستمرا با تهاجم به پایگاهها و عملیات کمین‌گذاری (۴) در مسیر مزدوران، تحرکات رژیم را در این منطقه به حداقل رسانده بودند.

مقدمات تهاجم اخیر

از نیمه دوم مهرماه، پایگاههای دیده‌بانی ما در جبهه‌های بانه و سردشت تحرکات و نقل و انتقالات غیرعادی پایگاههای دشمن را گزارش کردند. بلافاصله دستور تقویت دیده‌بانی (۵) را دادیم و ضمن فعال کردن سایر گانال‌های اطلاعاتی قرار شد برادرانمان ۲۴ ساعته به "صامت" گوش داده و سریع تر گزارشات آنها برایم بفرستند که در این رابطه به اخبار و اطلاعات زیر رسیدیم:

— یکی از پرسنل ارتش بنام ... اهل ... که از پادگان سردشت فرار کرده و به منطقه آمده بود، اظهار داشت که: "اخیرا ۴۰۰۰ مزدور که تعدادی از آنها جاش‌های بانه، میروان و قیاده‌ی موقت بوده‌اند به سردشت منتقل شده‌اند. در پادگان سردشت ۶۰ کلاه‌سبز حضور دارند که متخصص تانک‌های کوهستانی می‌باشند. از این نوع تانک ۴۰ دستگاه به سردشت آورده شده است."

— در جبهه سردشت ۲ گردان از تیپ سراب مستقر شده‌اند.

— اخیرا ۲ گردان از تیپ مخصوص پیرانشهر را به منطقه سردشت آورده‌اند که درمداخل سردشت به سمت "بیوران" مستقر گردیده‌اند. وضع این گردان از نظر روحیه خراب است و از آنها تحت عنوان نیروی احتیاط استفاده می‌شود.

— در جبهه سردشت پایگاههای "جمال کوسه"، "گوله‌گرگی"، "غوزه" و "قلعشر" به‌لحاظ مهمات و نفرات تا ۱۰۰٪ تقویت شده‌اند. موارد مشابهی نیز از

کماز "بانه" به "بیژوه" می‌رود و با انفجار آن که طی سه مرحله انجام شد، امکان تحرک و آوردن نیرو از بانه به "آلان" از رژیم سلب شد. این مساله بقدری اهمیت داشت که در جریان تخریب پل مزبور توسط واحد ویژه تخریب پیشمرگه‌های مجاهد خلق، دشمن به شدت سراسیمه شده بود؛ بطوری که دستپاچی مزدوران رژیم به روشنی در "صامت" منعکس بود.

۴- در تاریخ ۱۵ مردادماه جاری مزدوران رژیم طی یک تهاجم غافلگیرانه قصد داشتند از سمت "آلوت" به "گرویس" حمله کنند که در کمین پیشمرگه‌های مجاهد خلق می‌افتند، در این عملیات که با همکاری نیروهای مقاومت مردمی صورت گرفت، دشمن پس از بجا گذاشتن حداقل ۲۰ کشته، بطور مفتضحانه‌ای مجبور به عقب‌نشینی می‌شود. پیشمرگان در عقب‌نشینی مزدوران آنها را تا زیر پایگاهشان (گرده‌رش) تعقیب می‌کنند.

۵- سیستم دیده‌بانی پیشمرگه‌های مجاهد خلق که بخشی از سیستم دفاعی منطقه "آلان" را تشکیل می‌داد با استقرار در ارتفاعات نزدیک پایگاههای رژیم و با استفاده از استتار کامل، کوچک‌ترین تحرکات و نقل و انتقالات دشمن را زیر نظر گرفته و با استفاده از

جبهه بانه گزارش شده است.

اطلاعات فوق همگی بیانگر آماده شدن رژیم برای یک تهاجم سنگین به منطقه بود که در این رابطه سازمان مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان در منطقه "آلان" آماده باش درجه‌ی ۱ اعلام نمود و حزب دمکرات نیز در همین رابطه روز یکشنبه ۲۴ مهرماه به نیروهایش در این منطقه آماده باش داد که توسط رادیوی حزب اعلام گردید.

پس از اعلام آماده باش براساس طرح دفاعی ویژه‌ای که از قبل برنامه‌ریزی کرده بودیم، لازم بود نیروهای خط مقدم جبهه تقویت شوند و به همین منظور باتفاق کاک جعفر (۶) آرایش دفاعی جدید را براساس آخرین تحولات جبهه‌ها ارزیابی و اقدامات فوری را مشخص کردیم. در همین رابطه با همکاری پیشمرگان حزب و نیروهای مقاومت مردمی که بسرعت از جانب حزب بسیج شده بودند، کمین‌های شبانه در نقاط نفوذی دشمن در حد قابل قبولی تقویت گردید.

بالاخره رژیم در تاریخ دوشنبه ۲۵/مهرماه ۶۲ تهاجمش را از ۲ جبهه بانه و سردشت بطور همزمان آغاز کرد و حالا که هفت شبانه روز از آغاز تهاجم رژیم می‌گذرد، در هیچ‌کدام از جبهه‌ها غافلگیر نشده‌ایم (۷) و این تنها یکی از ثمرات بسیار ارزنده‌ی حضور فعال و موثر ما در جبهه‌ها بوده است.

الان بچه‌ها ۷ شبانه‌روز مقاومت قهرمانانه، ۷ شبانه‌روز حماسه، ۷ شبانه‌روز شجاعت و شهامت را پشت سر گذاشته‌اند و من حالا با ضمیمه کردن اخبار و اطلاعات و مواردی که روزانه در دفترچاهم یادداشت کرده‌ام و یا سوالات جدیدی که در این فاصله به ذهنم خطور کرده و ثبت کرده‌ام و آنچه با مرور آنها به خاطر می‌آورم، این گزارش را برایت می‌فرستم.

متأسفانه ما فیلمبرداری در صحنه نداشتیم تا بتواند شمه‌ای از آنچه را که گذشت تصویر کند، ولی مطمئنا هیچ چیز از بین نخواهد رفت. مطلب برای گفتن زیاد و وقت برای نوشتن آن کم است. در ضمن گارهایی هم که جلوی رویم دارم، آنقدر فشرده و انبوهند که به نوشتن خلاصه‌ی گزارش اکتفا می‌کنم تا شاید در آینده، نشریه یا صدای "مجاهد" بتوانند گوشه‌ای از حماسه‌هایی را که بچه‌ها آفریده‌اند بازگو بقیه در صفحه ۴

دوربین‌های قوی دیده‌بانی و ارتباط بی‌سیم با پایگاههای فرماندهی جبهه، بطور مستمر و به سرعت آخرین اطلاعات را به فرماندهی پیشمرگه‌های مجاهد خلق می‌رساند و به این ترتیب احتمال غافلگیری به حداقل رسیده بود.

۶- کاک جعفر نام مستعار برادر مجاهد جلال منتظمی فرماندهی ستاد پیشمرگه‌های مجاهد خلق می‌باشد ۷- در اغلب تهاجمات رژیم به منطقه، استفاده از تاکتیک غافلگیری، تاکنون ضربات زیادی به نیروهای مقاومت منطقه زده است. آمادگی و هشیاری پیشمرگه‌های مجاهد خلق بر اساس رهنمود ایدئولوژیکی علی (ع) "ان اخ الحرب الارق و من نام لم ینم عنه" - به درستی که برادر جنگجو هشیار است و اگر جنگجو بخواب غفلت فرو برد دشمن از او غافل نخواهد شد - در نبردهای اخیر "آلان" بسیار چشمگیر بود. بطوری که قویا می‌توان گفت در هیچ‌کدام از جبهه‌های نبرد، نیروهای مقاومت غافلگیر نگردیده و در هر کجا که عنصر مجاهد خلق حضور داشت دشمن نمی‌توانست حتی یک گام به پیش بگذارد، مگر آن که آتش مسلسل‌های پیشمرگه‌های مجاهد خلق بر پیکر پلیدش می‌بارید.

مرگ برخمینی، شعار محوری مرحله کنونی

مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی



# مسئول شورای ملی مقاومت در رأس هیئت نمایندگی شورا در کنگره حزب سوسیالیست فرانسه شرکت کرد

به دعوت حزب سوسیالیست فرانسه هیئتی از جانب شورای ملی مقاومت ایران در کنگره‌ی سراسری این حزب که در روزهای ۲۸ تا ۳۰ اکتبر (۶ تا ۸ آبان) در "بورگ-آن-برس" BOURG-EN-BRESSE فرانسه

نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین، حزب سوسیالیست شیلی، حزب سوسیالیست یونان و دبیرکل انترناسیونال سوسیالیست دیدار و گفتگو نموده‌اند. همچنین بعد از ظهر شنبه ۲۹ اکتبر، مسئول شورای ملی مقاومت با آقای کلود شسون وزیر

نقطه‌نظرهای خود راجع به "انقلاب ایران"، ضرورت "صلح" بین ایران و عراق و شمای از اقدامات فرانسه را در رابطه با پیشنهاد اخیر صلح به شورای امنیت ملل متحد و قطعنامه‌ی مربوط به آن و ضرورت

رسمیت شناخته و پیوسته آن را محترم شمرده‌ایم و اکنون می‌خواهیم از طریق شما پیامی را به اطلاع ملت ایران برسانیم؛ ما خواستار صلح در منطقه هستیم و می‌خواهیم جنگ بین ایران و عراق هر چه زودتر خاتمه یافته و

همچنین خواستار ایمنی کشتی‌های تجاری خود در آب‌های این منطقه هستیم. متقابلاً مسئول شورای ملی مقاومت به اختصار در باره‌ی نقطه‌نظرها و مواضع شورا پیرامون وجوه مختلف جنگ



هیئت رئیسه‌ی کنگره - در عکس پیرموروا نخست‌وزیر فرانسه، لئونل ژوسپین دبیرکل حزب سوسیالیست و تعداد دیگری از رهبران حزب و وزرای دولت دیده می‌شوند.



از چپ به راست: آقای کلود شسون، برادر مجاهد مسعود رجوی و یکی از مقامات وزارت خارجه فرانسه

ایران و عراق، هدف‌های آزادیخواهانه و استقلال‌طلبانه‌ی انقلاب ایران که هنوز ادامه دارد و جنبش فزاینده برای صلح عادلانه در داخل کشور، نکاتی را بیان داشت.

وی همچنین تنفر عمومی مردم ایران از جنگ‌طلبی خمینی و نارضایتی عمیق مردم غیرنظامی ساکن مناطق جنگ‌زده از مصائب و صدمات ناشی از جنگ را یادآور شد، و افزود: ما و مردممان برای صلح عادلانه و استقرار دموکراسی در ایران مبارزه می‌کنیم.

ضمناً طرح صلح شورای ملی مقاومت که چارچوب یک صلح عادلانه را مشخص می‌کند قبلاً از طرف شورای ملی مقاومت منتشر شده و برای وزارت امور خارجه‌ی فرانسه نیز ارسال گردیده است.

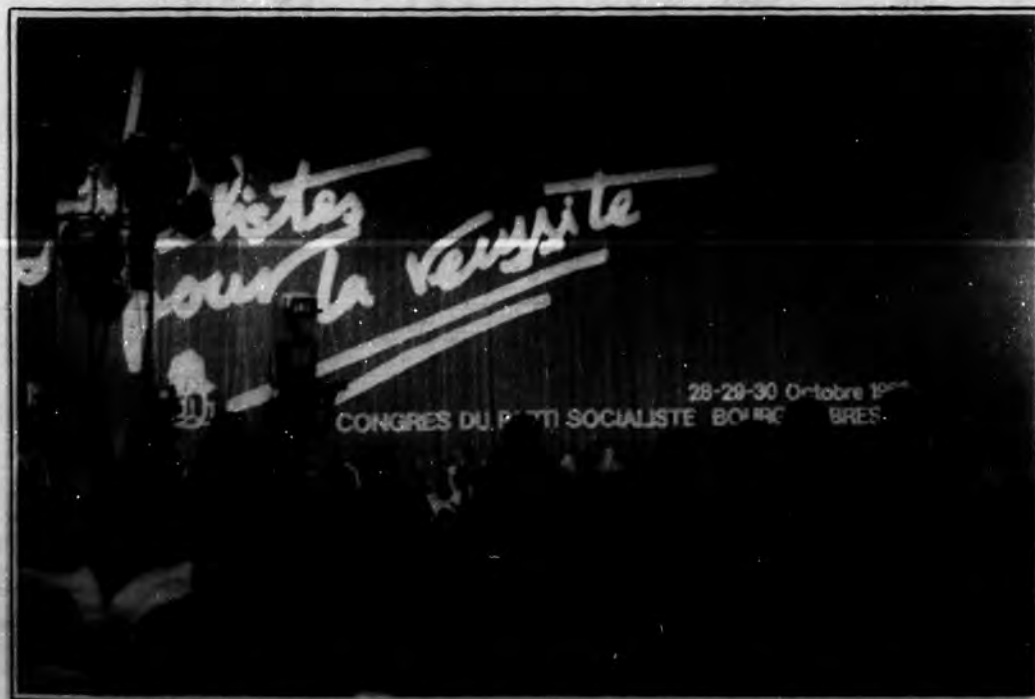
بین هر دو کشور همجوار صلح برقرار شود. ما ایمنی مردم و مرزها و همچنین تاسیسات هر دو کشور همجوار (ایران و عراق) و برخورداری هر دوی آن‌ها از صلح دائمی را آرزو می‌کنیم و فکر می‌کنیم صلح در جهت مصالح مردم ایران از اولویت مهمی برخوردار است. ما

ایمنی خطوط کشتیرانی در خلیج فارس بیان داشت.

## پیام وزیر خارجه فرانسه

### به مردم ایران

آقای شسون ضمن بیانات خود تأکید نمود که: ما از آغاز، انقلاب ایران را به



صحنه‌ای از قسمت هیئت رئیسه‌ی کنگره

برگزار شد. شرکت کرد. \* برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت که، شخصاً مسئولیت این هیئت را به عهده داشت با برخی از مقامات دولت و مسئولین حزب سوسیالیست و گروهی از نمایندگان مجلس و شخصیت‌های مختلف فرانسه دیدار نمود. براساس دعوت جداگانه‌ی حزب سوسیالیست از حزب دمکرات کردستان ایران، آقای دکتر عبدالرحمن قاسملو دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران نیز در این کنگره شرکت کرده بود.

خبرنگار "مجاهد" که همراه با مسئول شورای ملی مقاومت به "بورگ-آن-برس" رفته بود گزارش می‌دهد که تا این ساعت (یکشنبه قبل از ظهر - ۸ آبان) هیئت نمایندگی و مسئول شورای ملی مقاومت با گروهی از نمایندگان کشورها و جنبش‌های آزادیبخش و احزاب مختلف منجمله

پاورقی:  
\* بنا به ملاحظات امنیتی و به درخواست اعضای هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت اسامی آنان در اینجا ذکر نشده است.

## هفت شبانه روز مقاومت، هفت شب و روز حماسه

بقیه از صفحه ۲

کنند. به هر حال گزارشم را شروع می‌کنم و قبلا از اینکه مطالب را بصورت پراکنده و محوربندی نشده می‌فرستم معذرت می‌خواهم. تنها سعی می‌کنم وقایع را تا حدود قابل قبولی برحسب تاریخ تنظیم نمایم.

\* \* \*

دوشنبه ۲۵ مهر

۱ - امروز ۲۵ "زیل" حامل پاسداران و جاش‌ها و بسیجی‌های ضدخلقی برای تهاجم از بانه به پایگاه "گرده‌رش" نیرو منتقل می‌گردند که در کمین ویژه پیشمرگه‌های مجاهد خلق که در جاده "مین‌بالو" (۱) کار گذاشته بودند، می‌افتند و خودروی فرماندهی مزدوران بطور کامل منهدم و کلیه سرنشینان آن منجمله فرماندهی مزدور آنان به هلاکت می‌رسند.

۲ - دیده‌بانی جبهه سردشت نقل و انتقال روی پایگاه‌های این منطقه، بویژه پایگاه "جمال‌کوسه" را گزارش دادند.

گلوله‌باران ۷۰ توپ و خمپاره در یکساعت، از "بیژوه" گزارش شد. نوک پیکان تهاجمی رژیم که متشکل از ۲۰۰ مزدور بود، گله‌وار به سمت ارتفاعات "گرگس" پیشروی نمودند. ساعت ۱۰ صبح نیروهای دشمن به ارتفاعات "گرگس" رسیدند. تعداد پیشمرگه‌های مجاهد خلق ... و تعداد پیشمرگان حزب ... بود (۳) و توانستند تهاجم دشمن را کاملا دفع نموده و ضربه‌ی سنگینی بر وی وارد آورند، بنحوی که انسجام نظامی مزدوران دشمن بطور کامل بهم ریخت و با دادن ۳۰ گشته در ارتفاعات "گرگس" پا به فرار گذاشتند. نیروهای مقاومت آنها را دنبال نموده و تلفات بیشتری از دشمن گرفتند. در مجموع دشمن، با تحمل ۱۵۰ گشته، سلاح و مهمات فراوانی از خود بجای گذاشت که توسط مردم و پیشمرگان حزب و پیشمرگه‌های ما به غنیمت گرفته شد. ۴ قبضه کلاشینکوف (دسته کوتاه)، سه قبضه "ژ-۳" و مقداری فشنگ "قناسه" بدست پیشمرگان ما افتاد. در جریان این نبرد یکی از



چند واحد از پیشمرگه‌های مجاهد خلق حین اجرای مراسم صبحگاه

۳ - در حوالی نیمه‌شب، رژیم از دو سو و در سه محور تهاجم خود را به منطقه "آلان" آغاز نمود. الف - از سمت بانه - حدود ۱۲۰۰ مزدور رژیم از منطقه "آلوت"، جهت تصرف روستای "گرویس" و ارتفاعات "گرگس" حمله کردند.

ب - از سمت سردشت - رژیم همزمان از پایگاه "جمال‌کوسه" به روستای "شلماش" (روستای پائین "هومل") و ارتفاعات "لانگی" و "پانگی" و روستای "درمان‌آباد" حمله کرد. در این تهاجم رژیم از انواع سلاح‌های سنگین نظیر توپ، خمپاره و کاتیوشا استفاده کرده و قصد تصرف "هومل" را دارد. قبلا روی "صامت" منعکس شده بود که رژیم در پایگاه "جمال‌کوسه" کاتیوشا مستقر کرده است.

سه‌شنبه ۲۶ مهر

۱ - صبح زود "گرویس" به تصرف مزدوران دشمن که از سمت بانه آمده بودند، درآمد. پیشمرگان مجاهد خلق به همراه سایر نیروهای مقاومت برای دفاع، موقتا "گرویس" را تخلیه کرده و در ارتفاعات "گرگس" (۲) موضع گرفتند.

همزمان با این تهاجم، دشمن روستای "بیژوه" را با توپ و خمپاره می‌کوبید، بطوری که در یک مقطع،

پیشمرگان مجاهد خلق بنام مستعار "کاک طالب" به شهادت رسید که مشخصات بیشتر و زندگینامه‌ی وی بعدا فرستاده خواهد شد.

۲ - در عقب‌نشینی دشمن موارد متعددی از فرار سربازان وجود داشته که ۲ نفرشان نزد ما هستند که تصمیم داریم آزادشان کنیم. فرار مزدوران رژیم آنقدر شتاب زده بود که نقشه‌ی عملیاتی‌شان را هم جا گذاشتند که بعدا برایتان می‌فرستم. ضمنا این نکته را بایستی اشاره کنم که پس از به هلاکت رسیدن فرماندهی مزدوران در اثر انفجار "مین‌بالو" و شکست مفتضحانه‌ی پاورقی:

۱ - "مین‌بالو" یکی از ابتکارات و دستاوردهای واحد ویژه تخریب پیشمرگه‌های مجاهد خلق است که برای عملیات کمین‌های ویژه طراحی و ساخته شده‌است. این مین که تکنیک پیچیده‌ای دارد، عملکرد آن به شکل مین‌های تلویزیونی است که از ۵ تا ۱۵ کیلوگرم (تی.ان.تی) را در خود جای می‌دهد. این نوع مین از اوائل تابستان ۶۲ در عملیات پیشمرگه‌های مجاهد خلق در منطقه بکار گرفته شده و قدرت و کارآئی خود را در عمل به اثبات رسانده‌است. مین مزبور به یاد یکی از پیشمرگه‌های شهید مجاهد خلق

که دشمن در ارتفاعات "گرگس" دریافت کرد، روحیه‌شان بشدت متزلزل گردیده و این مساله بوضوح در "صامت" منعکس شده‌است. بنحوی که وقتی فرماندهی مزدور آنان از پای بی‌سیم پس از فرار مزدوران داد میزد که: "برادر، شما برید جلو، با الله‌اکبر کارشان را تمام کنید، مقرهاشان را بگیرید" پاسخ می‌شنید که: "نمی‌شود اینکار را کرد." فرماندهی مزدور باز می‌گفت: "الله‌اکبر بگوئید بروید، کارشان را تمام کنید ...". دعوا می‌کرد و پاسخ می‌شنید که: "چطور برویم، اینها همه سنگ گرفتند ... ایستاده‌اند و ما را می‌زنند ...". نوارهای مکالمات مزبور همه ضبط شده‌اند که برایتان خواهم فرستاد.

۳ - امروز عصر یکی از مین‌هایی که گاشته بودیم در جاده‌ی "گیو رود" منفجر شد و یک "زیل" دشمن منهدم گردید و کلیه سرنشینان آن به هلاکت رسیدند.

۴ - تهاجم رژیم از سمت سردشت خیلی گسترده بود. از "جمال‌کوسه" به "شلماش" حمله کرد و پس از درگیری آنجا را تصرف نمود.

۵ - نیروهای دشمن همزمان از سمت سردشت به ارتفاعات "هاینامال"، "لانگی" و "پانگی" تهاجم نمودند. تهاجم از ساعت ۴ بامداد آغاز گردید. پیشمرگان حزب در "هاینامال" و پیشمرگان گومله در "لانگی" و پیشمرگان ما نیز در ارتفاعات "پانگی" مستقر بودند. پس از نیم ساعت که از تهاجم رژیم گذشت، پیشمرگان گومله از ارتفاعات "لانگی" عقب‌نشینی کردند و بزودی این ارتفاعات توسط دشمن تصرف گردید. در تمام طول شب پیشمرگان ما در روی ارتفاعات "پانگی" مستقر بودند و نیروهای دشمن را که در تیررس قرار داشتند از پا درمی‌آوردند. حدود ساعت ۳ بعد از ظهر، ارتفاعات "هاینامال" نیز به تصرف رژیم در می‌آید و هلی‌کوپتر دشمن در آنجا نیرو و مهمات پیاده می‌کند. رژیم با تمام قوا از "هاینامال" و "لانگی" با خمپاره، نقاط استقرار پیشمرگان ما را می‌کوبید و بالاخره با دادن تلفات سنگین، در ساعت ۴ بعد از ظهر توانست ارتفاعات "پانگی" را تصرف کند.

۶ - در روستای "درمان‌آباد" و "دوله‌گرم" نیز درگیری وجود داشت. پیشمرگان مجاهد خلق با "آر.پی.جی" ۳ خودروی "زیل" دشمن را منهدم کردند. در مجموع امروز تلفات دشمن از سمت سردشت، ۲۵۰ نفر گزارش شده‌است.

۷ - جاده‌ی سردشت به "هومل" که تا "درمان‌آباد" مین‌گذاری شده بود. توسط پیشمرگان ما بطور کامل مسدود گردید تا خودروهای دشمن نتوانند به سمت "هومل" بروند.

۸ - امروز اطلاعات زیر را یک منبع "موثق" در اختیارم قرار داد:

الف - تهاجم به منطقه "آلان" مستقیما تحت فرماندهی ایزدی جانشین فرماندهی قرارگاه حمزه قرار دارد.

ب - طرح اشغال این منطقه شامل ۲ مرحله است. مرحله‌ی اول شامل تصرف ارتفاعات "هومل" "هاینامال" و "گرگس" است که بایستی دیشب به

محمد بالو (کاک نورالدین) "مین‌بالو" نام‌گذاری گردیده‌است.

۲ - این ارتفاعات مشرف به روستای "گرویس" می‌باشد.

۳ - به علت رعایت ضوابط نظامی از ذکر تعداد خودداری نموده، فقط متذکر می‌شویم که در عملیات مقاومت در ارتفاعات "گرگس" که منجر به شکست تهاجم رژیم از سمت بانه گردید، نیروهای حزب دمکرات و نیروهای مجاهد خلق حضور داشتند و درگیر بودند.



## هفت شبانه روز مقاومت، هفت شب و روز حماسه

تمام می‌رسید که تا اینجا طرح آنها اگر چه موفقیت چندانی نداشته، لیکن فرماندهی مزدور آنان ۸۵٪ موفقیت گزارش کرده است. مرحله‌ی دوم که شامل تصرف ارتفاعات "زردکی" و اشغال کلیه روستاها می‌شود، می‌بایستی امشب به پایان برسد!!

ج - طرح مزبور بلحاظ نیروی تهاجمی تکمیل است، اما رژیم به لحاظ نیروهای استقراری دچار کمبود شدید می‌باشد و لااقل یک گردان برای این منطقه کمبود نیرو دارد.

نقشهای که امروز از مزدوران دشمن در حین فرارشان از "گرویس" بجا مانده بود، اطلاعات بالا را کاملا تأیید می‌نماید.

۹ - پس از تذاکراتی که در مورد سیستم ارتباطی داده شد، اقدامات مزبور پیگیری گردید. بنحوی که اکنون ما با ۱۷ واحد عملیاتی مجاهد خلق در ارتباط دائمی با بی‌سیم بوده و با گدبندی ویژه، کوچکترین تحولات جبهه‌ها بسرعت گزارش می‌شود. رهنمودها و دستورات فرماندهی نیز از این طریق بدون وقفه به اطلاع فرماندهان واحدهای عملیاتی می‌رسد. این نحوه‌ی ارتباط فرماندهی با نیروهای در جبهه، با این کمیت و کیفیت تاکنون در جبهه‌ی مقاومت کردستان بی‌سابقه است.

چهارشنبه ۲۷ مهر:

۱ - رژیم در سمت سردشت امروز نیروهای تازه‌نفس وارد صحنه کرده و قصد دارد هر طور شده "هومل" را تصرف کند. به این منظور قصد دارد که به حملات گله‌ای به بالای "هومل" دست بزند. سه فروند هلی‌کوپتر برای پشتیبانی از نیروهای رژیم در بالای "هومل" به پرواز درآمدند و شروع به تیراندازی به ما نمودند که متقابلا پاسخ داده شد و بسرعت فرار کردند. در ضمن رژیم پیوسته بالای "هومل" را با گاتیوشا و خمپاره می‌کوبد. فرماندهی عملیاتی نیروهای رژیم که در رابطه با "هومل" عمل می‌کنند با پایگاه "جمال کوسه" می‌باشد. کومله مواضعش را در بالای "هومل" ترک کرد و عقب‌نشینی نمود و پس از مدت کمی رژیم توانست در مواضع آنها مستقر شود. پیشمرگان ما مرتباً به مواضع دشمن در بالای "هومل" حمله می‌کنند تا مانع استقرار کامل آنها شوند. تهاجم پیشمرگان ما به مواضع رژیم با "آر. پی. جی" و مسلسل، آنها را به شدت در لاگ دفاعی فرو برده است و این در حالی است که نیروهای ما پیوسته زیر بارش خمپاره و گاتیوشای رژیم قرار دارند.

۲ - ساعت ۲ بعد از ظهر هواپیماهای عراقی بمب روی "هومل" انداختند که بناچار پیشمرگان ما مدتی مجبور به پناه گرفتن در سنگر می‌شوند.

۳ - امروز پیشمرگان ما و حزب جهت جلوگیری از پیشروی دشمن از سمت سردشت، چند عملیات مشترک تهاجمی داشتند که به برخی از آنها اشاره می‌کنم:

الف - حوالی ساعت یک بعد از ظهر به پایگاه "سوره‌چوم" در نزدیکی ارتفاعات "هاینامال" از سمت سردشت حمله کردیم. بیش از ۲۰ نفر از مزدوران دشمن به هلاکت رسیدند که جسد ۹ تن از آنها در دست پیشمرگه‌های ماست. در این عملیات ۲ قبضه "آر. پی. جی" و یک قبضه "قناسه" و مقادیری مهمات از دشمن مصادره کردیم. پیشمرگان حزب نیز بنوبه‌ی خود مقادیر زیادی سلاح و مهمات به غنیمت گرفتند.

ب - بین "زردکی" و "هومل" نیز طی یک عملیات تهاجمی مشترک با حزب، نیروهای دشمن به محاصره‌ی نیروهای مقاومت درآمدند. تعدادی از آنان کشته و مقادیری از سلاح و تجهیزاتشان مصادره گردید.

ج - راه تدارکاتی بین پایگاه "قلع‌ش" و

"سوره‌چوم" توسط کمین مشترک پیشمرگان مجاهد خلق و حزب دمکرات بسته شد.

۴ - از سمت بانه دشمن تحرکی نداشت. ظاهراً ضربه‌ی دیروز برایشان خیلی گران تمام شده است.

۵ - امروز مکالمات رژیم که توسط "صامت" دریافت شده بود، بیانگر اختلافات شدید در فرماندهی رژیم است. یکی خط حمله و پیشروی را می‌داد و دیگری بر اثر کثرت تلفات، خط عقب‌نشینی را. چرا که تاکنون در "منطقه" با چنین مقاومتی روبرو نشده بودند.

۶ - سرمای شدید و بادهای تند بالای ارتفاعات "هومل" و "زردکی" کار مقاومت را دشوار کرده است. پیشمرگان ما با تحرک و تحمل بیشتر همچنان صبورانه مقاومت می‌کنند؛ بخصوص در زیر آتش مستمر خمپاره و گاتیوشای دشمن.

پنج‌شنبه ۲۸ مهر:

۱ - عملیات پیشمرگان ما مرتباً در بالای "هومل" ادامه دارد و به محلی که دشمن برای استقرار در نظر گرفته حمله می‌کنند. نیروهای دشمن در بالای "هومل" با اینکه تعدادشان حدود ۴۰۰ نفر است "آچمز" شده‌اند.

۲ - در حوالی ساعت ۱۰ صبح، رژیم در ارتفاعات بین "زردکی" و "هومل" (مشرق به "سپه‌میزه") با هلی‌کوپتر نیرو پیاده کرده. تعداد نفرات رژیم در این ارتفاعات ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر برآورد شده است. در ضمن رژیم مرتباً ارتفاعات "زردکی" را با خمپاره می‌کوبد. در اثر اصابت خمپاره، یکی از پیشمرگان ما در ارتفاعات بین "زردکی" و "هومل" زخمی گردید. ظاهراً رژیم می‌خواهد با توجه به وضع نیروهایش در "هومل" از این طریق نیروی کمکی به آنجا منتقل نماید.

۳ - ساعت ۲ بعد از ظهر رادیو رژیم اعلام نمود ارتفاعات "هومل" و "هاینامال" را تصرف کرده‌است. احتمالاً فرماندهی مزدور قرارگاه حمزه مطابق طرحی که قرار بود پیاده شود، اعلامیه داده است!! در حالی که من در تمام روز بوسیله‌ی بی‌سیم با واحدهای مستقر در "هومل" در ارتباط بودم. مطمئناً فرماندهی مزبور مجبور خواهد شد فاصله‌ی اخبار سراپا دروغ خود با واقعیت را با گشته‌های باز هم بیشتر پر کند.

۴ - در تهاجم امروز رژیم به پایگاه "سوره‌چوم" مجدداً توانست آنها را تصرف کند و عملاً با تصرف این پایگاه توسط رژیم، امکان ادامه‌ی مسدود نگهداشتن جاده‌ی "سردشت - هومل" برای ما بسیار مشکل است.

۵ - رژیم امروز توانست علیرغم مقاومت حماسی پیشمرگان ما و حزب "درمان‌آباد" را تصرف کند. در این درگیری یکی از پیشمرگان مجاهد خلق به شهادت رسید و پیگر بی‌جان او بدست مزدوران رژیم افتاد.

۶ - طی یکی دو روز گذشته، بیش از ده عملیات تهاجمی مشترک با حزب در منطقه‌ی سردشت داشتیم که متأسفانه فرصت گزارش ریز آنها را ندارم.

۷ - یک منبع اطلاعاتی گزارش داد که رژیم گر چه تهاجم خود را به این منطقه‌ی خاص شدت بخشیده است ولی نسبت به کل منطقه نگرانی شدیدی دارد. منبع مذکور یادآور شد که مناطق ده‌گانه‌ی سپاه ضدخلقی پاسداران بر اثر فشار مقاومت سراسری نتوانستند به تعهدات خود مبنی بر اعزام مزدور به منطقه عمل کنند و هر کدام از مناطق فوق از ۳۰۰ الی ۱۰۰۰ نفر از سهمیه‌ی تعیین‌شده‌ی خود، کمتر نیرو اعزام داشته‌اند.

جمعه ۲۹ مهر:

۱ - رژیم از ساعت ۹ صبح برای تصرف "قله‌سنگی" "هومل" (۱) حمله نمود که با مقاومت

قهرمانانه‌ی پیشمرگان حزب و پیشمرگه‌های مجاهد خلق مواجه گردید و مجبور به عقب‌نشینی شد. در تهاجم مجدد نیز مقاومت پیشمرگان مانع از دستیابی رژیم به این قله شد. بالاخره در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر، مزدوران رژیم با دور زدن قله و تهاجم گله‌وارشان توانستند آنها را تصرف کنند. در این درگیری‌ها ۳ نفر از پیشمرگه‌های ما زخمی شدند. البته نیروهای مقاومت در ارتفاعات یال "هومل" و قله‌ی زیر "قله‌سنگی" مستقر می‌باشند و دشمن را به رگبار می‌بندند.

بزرگترین مشکل ما در دفاع از "هومل" نداشتن سلاح نیمه‌سنگین و سنگین است و در حالیکه دشمن مسترماً از گاتیوشا و توپ و خمپاره استفاده می‌کند، چگونه می‌توان تنها با سلاح سبک جلوی پیشروی‌های دشمن را گرفت؛ بخصوص که دشمن علاوه بر استفاده‌ی گسترده از توپ و خمپاره و گاتیوشا، دادن تلفات سنگین را نیز پذیرفته است. امیدوارم این نقیصه‌ی اساسی را دقیقاً به اطلاع فرماندهی عالی برسانید، تا هر طور شده تصمیمی برای حل آن گرفته شود.

۲ - ساعت ۲۰ و ۲ دقیقه بعد از ظهر "صدای مجاهد" پیام فرماندهی عالی‌مان مسعود را خطاب به مردم قهرمان و پیشمرگان دلیر کردستان مبنی بر ضرورت مقاومت قهرمانانه در مقابل تهاجمات مزدوران پخش نمود.

این پیام که به زبان کرده‌ای نیز پخش شد، اراده‌ی رزمنده‌ی کلیه‌ی پیشمرگان را فزونی چشم‌گیری بخشید. و همچون خون گرمی در شرایط سخت و دشواره، در کالبد پیشمرگانی که دست در دست یکدیگر در برابر تهاجم وحشیانه‌ی رژیم دلاورانه مقاومت می‌کردند، جان تازه‌ای دمید. یاری و همکاری مردم با ما پس از شنیدن این پیام، ابعاد جدیدی بخود گرفته بود و شور و شوق فراوانی را در آنان برانگیخته بود.

۳ - با اصابت یک گلوله‌ی خمپاره به نزدیکی محل تجمع پیشمرگان ما در فاصله‌ی ارتفاعات "هومل" و "زردکی" ۳ نفر از آنان زخمی شدند که یکی از آنان بنام "مهدی هدی، نمونه‌خواه" به شهادت رسید. (۲)

۴ - امروز خبر تکمیلی عملیات پیروز پیشمرگان مجاهد خلق را که طی آن ۴۰ تن از مزدوران دشمن را به هلاکت رسانده بودند، دریافت کردم. در این تهاجم ۲ قبضه تیربار، یک قبضه "آر. پی. جی" و ۲ قبضه گلاشنگوف بدست پیشمرگان ما افتاده بود.

۵ - واحدهای پیشمرگه‌های مستقر در "هومل" هر روز به لحاظ مهمات و تدارکات، تأمین می‌شوند. رساندن تدارکات در جبهه‌های مختلف به بیش از ۵۰۰ نفر در زیر خمپاره و گاتیوشای دشمن، تاکنون بی‌وقفه ادامه داشته است. سیستم مزبور که در جریان حملات اخیر رژیم به منطقه‌ی "آلان" مسئولیت‌های خود را بخوبی انجام داده است، یکی دیگر از دستاوردهای گنونی نظامی را تشکیل می‌دهد که طبعاً جای بررسی ویژه‌ی خود را دارد.

۶ - تجربه‌ی ارزنده‌ی دیگری که به لحاظ نظامی در اثنای نبردهای گنونی به اثبات رسیده است، مسئله‌ی

پاوزه‌ی:

۱ - "قله سنگی" مرتفع‌ترین قله بر روی پسال "هومل" است که صخره‌ایست و بر تمام ارتفاعات اطرافش مسلط می‌باشد.

۲ - یکی دیگر از این پیشمرگان مجاهد که زخمی شده بود، علیرغم تلاش شبانه‌روزی امداد پزشکی مجاهدین به شهادت می‌رسد. در جریان تهاجمات اخیر گادر درمانی امداد پزشکی مجاهدین در منطقه، نقش چشمگیری در درمان و نجات زخمی‌ها به عهده داشت. بطوری که همواره دوبرشک با کوله‌پشتی اورژانس و ککبک‌های اولیه با حضور در صفوف مقدم جبهه به مداوا و درمان زخمی‌ها می‌پرداختند و ترتیب انتقال بیمارانی را که نیاز به عمل جراحی داشتند، می‌دادند. بر اساس گزارشاتی که مسئولین مربوطه داده‌اند، در جریان تهاجم اخیر رژیم، برادر مجاهد دکتر عباس شاکری طی یک روز تنها ۷ عمل جراحی داشته است.



## هفت شبانه روز مقاومت، هفت شب و روز حماسه

"بیژوه" رژیم به پیشروی‌اش ادامه داد و زیر آتش سنگین حمایت کاتیوشا، توانست بر ارتفاعات مشرف به روستای "دیناران" و "بناوه" مسلط شود.

در این جا نیز مقاومت پیشمرگان که حاضر نبودند بدون گرفتن تلفات سنگین از دشمن ضدبشری، حتی در زیر بارش سنگین کاتیوشا اجازه‌ی پیشروی به مزدوران بدهند، برگ زرین دیگری بر اوراق مقاومت حماسی این چند روز افزود. درگیری از ساعت ۵ صبح آغاز شد و تا ۲ بعد از ظهر ادامه داشت. پیشمرگان با موضع گرفتن در تپه‌های مقابل به مقاومت خود ادامه می‌دهند. این مقاومت در حالی بود که مزدوران رژیم حتی تا فاصله‌ی ۵۰ متری به آنان نزدیک شده بودند و پیشمرگان ما حاضر به ترک مواضعشان نبودند. صبح امروز رژیم برای تقویت نیروهای تهاجمی‌اش و درهم شکستن مقاومت، با هلی‌کوپتر در ارتفاعات "دیناران" کلاه‌سبز پیاده کرد. ای کاش سلاح سنگین در اختیار میداشتیم.

در اینجا یک واقعیت شگفت‌انگیزی را که البته دور از انتظار نبود، بایستی یادآور شوم و آن اینست که در نبردهای کنونی در تمامی جبهه‌های مقاومت، هیچ واحد یا فرماندهی بدون دریافت دستور عقب‌نشینی یک گام به عقب برنداشت و این خود بیانگر ارزش بالای انضباط تشکیلاتی نیروهایمان می‌باشد. واقعیتی که خود را در عمل به اثبات رسانده است.

بالاخره در ساعت ۲ بعد از ظهر با توجه به بارش سنگین گلوله‌های کاتیوشا به مواضع ما، پیشمرگان ناچار به ترک مواضعشان شدند تا در ارتفاعات بعدی باز هم در کمین دشمن بنشینند و پیشروی‌های بعدی دشمن را هر چه دشوارتر کنند.

واحد‌های مستقر در "دیناران" گزارش دادند که اگر شلیک خمپاره شدید نبود مجبور به عقب‌نشینی نمی‌شدند. و گفته‌اند علاوه بر بکارگیری تمام سلاح‌هایشان تا آخرین گلوله از "دوشکا" نمی‌که پیشمرگان حزب در گرما گرم تهاجم رژیم ضرورتاً به آنها سپرده بودند، استفاده کرده و چون امکان انتقال "دوشکا" نبود بالاخره آن را به آتش می‌کشند تا بدست مزدوران رژیم نیفتد. به برادر مسعود بگو آیا میشود یک روز ما هم در اینجا کاتیوشا داشته باشیم؟ دوشکا به اندازه‌ی کافی چطور؟ اگر سلاح و تجهیزات ما کافی باشد دشمن خدا و خلق را ریشه‌کن می‌کنیم.

۸- در آشنای درگیری و مقاومت، امروز متوجه شدم که با ادامه‌ی درگیری، فشنگ‌های پیشمرگان روبه‌تمام است و فشنگ‌های ذخیره نیز تمام شده‌بود. بناچار سریعاً فشنگ‌سلاح‌های نیروهای پشت جبهه را به حداقل ضروری تقلیل دادم و ما را در آنرا به پیشمرگان خطوط مقدم جبهه رساندیم.

۹- در این چند روز خبری از تحرکات رژیم در جریان حملات اخیر از سمت بانه نداشتیم. علت اصلی آن ضرباتی بود که در اثر از دست دادن فرمانده و همچنین مقاومت جانانه‌ی روزاول درگیری، دشمن دریافت کرده بود که در این مدت نتوانسته بود برای تهاجم مجدد، نیروهایش را جمع و جور کند. امروز مطلع شدم که رژیم تپه‌های پشت "گرویس" تا رودخانه‌ی مرزی "زاب" را علاوه بر ارتفاعات مشرف به روستای "بیژوه" تصرف کرده‌است. پیشمرگان ما در حوالی روستای "گرویس" تنها مانده و در محاصره‌ی رژیم قرار گرفته‌اند. تنها در کادر ورود به منطقه‌ی حائل (محرّمه) بین ایران و عراق، شکستن محاصره امکان پذیر است. که در این صورت بین لشکر-های جنگی طرفین واقع می‌شویم.

۱۰- امروز صبح واحدهای ما در منطقه‌ی سقر از طریق بی‌سیم خبر دادند که در ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه‌ی صبح یک هواپیما کوه‌های اطراف "پاینجان" را بمباران کرده و سه بمب شیمیایی پرتاب نموده‌است. اهالی روستا در اثر انفجار این بمب‌ها دچار گاز گرفتگی شده‌اند و عده‌ای از روستائیان جهت امداد به مقر ما مراجعه کرده‌اند. برادران ما که برای امداد پزشکی به روستا می‌روند نیز دچار گاز گرفتگی و عوارض ناشی از آن شده‌اند که حال یکی از آنها وخیم است. تعداد مصدومین حادثه تا این ساعت ۱۸ نفر گزارش شده و یکی از روستائیان بنام محمد صالح زاده نیز در اثر بقیه در صفحه‌ی ۱۹

و ارتفاعات مربوطه مرتباً گلوله باران می‌شود.

۶- رژیم از ساعت ۸ دیشب از "هومل" به سمت "بیژوه" سرازیر شد که با مقاومت جانانه‌ی پیشمرگان ما که در ۴ نقطه کمین گذاشته بودند، ناچار به عقب‌نشینی گردید. در ساعات آخر شب (دیشب) روستای "بیژوه" از مردم و نیروها بکلی خالی شد. پیشمرگان در ساعت ۱۲ نیمه‌شب با هجوم گله‌وار مزدوران از سمت "هومل" مواجه شدند. نیروهای دشمن با تحمل تلفات سنگین در این تهاجم عقب نشستند. ۹۰٪ نیروهای مستقر در کمین این مسیر را، پیشمرگان ما تشکیل می‌دادند. در ساعت ۳ بعد از نیمه‌شب در حالی که مزدوران رژیم ارتفاعات

فرماندهی است. فرماندهان ما در صحنه‌های عملیات تنها با یک سیستم یکدست و منسجم خودمان سرو کار ندارند و تاکنون تضاد بین ضرورت برنامه‌ریزی مشخص و دقیق دفاعی را با کیفیت نیروهای مقاومت موجود در صحنه با همه‌ی اختلاف سطحشان بویژه در رابطه با مسأله‌ی اساسی استمرار آتش در لحظات حساس، به بهترین نحو حل نموده‌اند. و این خود بیانگر توان بالای سیاسی آنهاست که توانستند فرماندهی عملیاتی در جبهه‌ها را با بکارگیری ماگرم پتانسیل نیروهای مقاومت در سطوح متفاوت تحقق بخشند.



چند واحد از پیشمرگه‌های مجاهد خلق حین مانور نظامی

یکشنبه اول آبان ماه:

دیروز درگیر و در تهاجمات رژیم نتوانستم حتی خلاصه گزارش هم تهیه کنم.

۱- دیروز رژیم با ۵۰۰ نفر برای تصرف قلعه‌ی پائین "قله‌سنگی" در "هومل" حمله کرد و در اثر مقاومت پیشمرگان ابتدا مجبور به عقب‌نشینی شد ولی در ادامه‌ی درگیری بدلیل کمبود مهمات پیشمرگان، رژیم توانست با دادن ۱۵۰ کشته بالاخره این قسمت از "هومل" را نیز تصرف کند.

۲- در ساعت ۷ صبح شبیه نیز پیشمرگان ما در بالای ارتفاعات بین "زردگی" و "هومل" (در اطراف قهوه‌خانه) با نیروهای مهاجم رژیم درگیر شدند. در این درگیری ۲۰۰ نفر از نیروهای رژیم کشته شدند و بالاخره رژیم توانست با تهاجم گله‌وار این ارتفاعات را نیز تصرف کند.

۳- دشمن بالاخره "هومل" را تصرف کرد و سرعت مشغول ساختن جان‌پناه و سنگر برای نیروهای استقراری‌اش می‌باشد. بولدوزرها مرتب بر بالای "هومل" کار می‌کنند و خودروهای نفربر، نیرو به بالای "هومل" منتقل می‌کنند.

۴- دیروز تهاجم رژیم به "دولگان" با مقاومت پیشمرگان مجاهد خلق و حزب با شکست مواجه شد و دشمن با دادن تلفات مجبور به عقب‌نشینی گردید.

۵- بارش گلوله‌های کاتیوشا و خمپاره بر روی روستاها و مواضع استقراری ما ابعاد بسیار سنگین‌تری بخود گرفته است. "بیژوه"، "بناوه"، "دیناران"

"برده‌سور" را در مقابل "بیژوه" تصرف کرده بودند، پیشمرگان ما اقدام به عقب‌نشینی می‌کنند که در ارتفاعات مسیر در کمین مزدوران رژیم می‌افتند. صحنه‌های مقاومت حماسی پیشمرگانمان را از این به بعد نمی‌توانم روی کاغذ بیاورم، چرا که مقاومت پرشکوه و حماسه‌آفرینی‌های پیشمرگان مجاهد خلق از این لحظه به بعد، در من جوانی امیدهای تازه‌ای را در ایمان به پیروزی و امید به درهم کوبیدن بنیان پوشالی این دجال خون‌آشام دمید. راستی آیا این حماسه‌ها چنانکه گذشته، ثبت خواهد شد؟

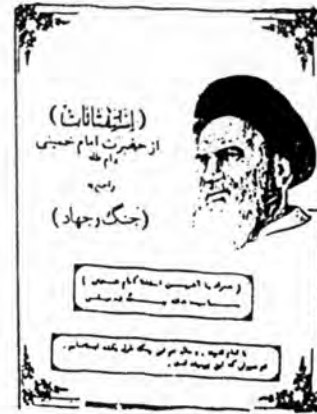
پیشمرگان ما پس از درگیری با دشمن، بسرعت خود را به ارتفاعات بالای رودخانه می‌رسانند و خود را از محاصره خارج می‌کنند و آنجا با غلت زدن، خودشان را به رودخانه می‌اندازند که با توجه به شدت جریان آب در آن قسمت از رودخانه، برای عبور شبانه از آب سه‌نفر، سه‌نفر دست‌یکدیگر را می‌گیرند و خود را به آن طرف رودخانه می‌رسانند. طرف مقابل رودخانه همانطور که می‌دانی صخره‌هایی با شیب بسیار تند است که پیشمرگان قهرمان، با لباس‌های خیس، ۴ ساعت در زیر بارش بی‌وقفه‌ی توپ و خمپاره خود را از صخره‌ها بالا می‌کشند و بالاخره در ساعت ۵ و ۳۰ دقیقه‌ی بعد از ظهر پس از ۲۰ ساعت نبرد مستمر، سرشار از ایمان و عزم انقلابی به یارانشان ملحق می‌شوند.

۷- پس از اشغال ارتفاعات مشرف بر روستای



# فتاوی جدید خمینی

## جواز اسیرگشی، غارت و جنایت برای مزدوران ارتجاع در جنگ



کلیشه‌ی روی جلد جزوه‌ی آخرین فتاوی خمینی در زمینه‌ی جنگ و جنگ افروزی

تداوم جنگ و جنگ افروزی بوده است. این فتاوی از

یک جزوه‌ی ۱۲ صفحه‌ای که کلیشه‌ی آن را در این صفحه ملاحظه می‌کنید، از سوی "دفتر تبلیغات اسلامی" زیر نظر "جامعه‌ی روحانیت مبارز غرب تهران" منتشر شده که عنوان آن عبارتست از: "استفتائات از حضرت امام خمینی دام‌ظله راجع به جنگ و جهاد!"

بد نیست بدانیم که در حال حاضر "استفتاء" رکنی از سیستم نظری موسوم به "ولایت فقیه" محسوب می‌شود که بالاتر از هر ضابطه و قانونی قادر است تحت هر شرایطی منویات پلید خمینی و شرکایش را توسط ارگان‌ها و مزدوران مربوطه سمت داده و به مرحله‌ی عمل درآورد.

تا قبل از به حکومت رسیدن خمینی نیز این وسیله‌ی باصطلاح شرعی، مراجع دین‌فروش و "نان به نرخ روز" خور - بویژه قبل از انقلاب - را قادر می‌ساخت تا در هر مقطع به سوالات و در اصل به تاکتیک‌ها و شگردهای استثمارگران، در زمینه سودجویی‌ها و رباخواری‌های کلان، پاسخ مثبت داده و کلاههای شرعی! مناسب را در اختیار آنان بگذارد. اما اکنون حربی فتوا، وسیله‌ایست در دست مرتجعین به قدرت خزیده و بویژه سرکرده‌ی تمامی آنها یعنی خمینی دجال، تا از طریق آن، مجوز هرگونه جنگ افروزی و جنایت و غارت را جهت مزدوران خود صادر کرده و آنها را با جواز باصطلاح شرعی، به جان و مال و ناموس مردم مسلط نمایند. جلالت خون گرفتن از انقلابیون محکوم به اعدام، تمام‌کش کردن نیم کشته‌ها، تجاوز به دختران در آستانه‌ی تیرباران و ... در زمره‌ی این قبیل فتاوی محسوب می‌شوند.

اما پس از شروع جنگ بیشترین کاربرد فتاوی خمینی، در زمینه‌ی تشدید و

برسیم، فتاوی جنایتکارانه‌ی خمینی در رابطه با بسیج جنگی خمینی می‌باشد که برخی از آنها - بویژه در رابطه با بسیج اجباری نیرو و اعزام کودکان و دانش‌آموزان به جبهه - در نشریه‌ی اتحادیه‌ی دانشجویان مسلمان خارج از کشور، شماره‌ی ۶۲ چاپ گردیده است. اما همچنان که در کلیشه‌ی روی جلد کتاب ملاحظه می‌کنید تعدادی از فتاوی جدید خمینی "به مناسبت هفته‌ی جنگ تحمیلی!" نیز منتشر شده که ما به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

س - اگر زخمی‌های دشمن را نشویده پشت جبهه رساند و گذاشتن آنها را به همانجا ممکن است موجب شود دشمن آنان را پس گیرد، می‌شود کشت و همچنین اسیری را که دشمن می - نبردی که تا آخرین تشنگ و امکانات جنگی خوبی علیه لشکر اسلام جنگیده است و ایماناً بعضی از برادران را به شهادت رسانده و پس از تمامی امکانات دستش را بعنوان تسلیم بلند می‌کند آیا بجز اظهار تسلیم اسیر محسوب می‌شود یا اینکه قبل از دستگیری اسیر نیست و می‌توان

س - آیا غنائم جنگی که به رزمندگان اجازه تملك آن داده می‌شود از قبیل لباسها و ساعت و عینک و غیر ذلک خمس دارد یا نه؟ پرداخت آن

اینهم جدیدترین ترغیب خمینی در زمینه‌ی جایزه و تشویق برای اراذل و اوباش پاسدار و کمیته‌چی و بسیجی جیره‌خوارش در جبهه‌ها و کارت دعوتی "شیرین" برای آنها تا تحت عنوان "غنائم جنگی" یا سفلیگی تمام، وسائل گشته‌های جنگ را به غارت ببرند.

همچنان که ملاحظه می‌کنید، حتی برخلاف عادی‌ترین قوانین عرف بین‌الملل، منجمله مفاد (کنوانسیون ژنو در رابطه با اسرا و زندانیان)، خمینی خون‌آشام دستور کشتن اسرا و زخمی‌های جنگ را صادر می‌کند. فتاوی جنایتکارانه‌ی فوق،

یکسو حضور ته‌مانده‌ی ابقشار وابسته و به اصطلاح "مقلد" خمینی را در جبهه‌های جنگ "واجب" می‌کند و از سوی دیگر مجوزی است در دست مزدوران رژیم تا با تکیه بر آن، به زور سرنیزه برای جبهه‌ها نیرو بسیج نمایند. در جزوه‌ای که از آن نام

## به یاد دانش آموزان شهید در ۱۳ آبان ۵۷

جدیدی از رشد و تکامل انقلابی خود دست یافت و به حق شایسته‌ی لقب "نسل آگاهی و ایمان"، "نسل فدا و مقاومت" گردید. بدین سان نسلی که دفاعیات و زندگینامه‌های پیشنازانی همچون گل سرخ انقلاب ایران مهدی رضایی، اولین جرقه‌های آگاهی و آتش مبارزه و مقاومت را در روح پاک و پرتلاطم او ایجاد کرد، با شرکت فعال در مبارزه بر علیه رژیم دیکتاتوری شاه و خلق حماسه‌هایی چون ۱۳ آبان، مسئولیت‌های جدید خود را نیز در کسوت میلشای مجاهد خلق در دوران نبرد تاریخی و پرشکوه مجاهدین بر علیه رژیم ضدبشری خمینی جلاد عهده‌دار گردید و با مقاومتی قهرمانانه و فداکاری و ایثاری آگاهانه و بی حد و حصر که در حماسه‌ی تاریخی ۵ مهر به نقطه اوج خود رسید، با کاروانی از ستارگان ظلمت‌سوز، پیام‌آور صبح رهایی و طلوع خورشید آزادی و برابری در این میهن خونبار گردید.

ظهور روز ۱۳ آبان، دانشگاه تهران شاهد صحنه‌ی پرشوری از مقاومت وقهرمانی دانش‌آموزان انقلابی میهنان و نیز شاهد صحنه‌ی دیگری از جنایت و سفاکی مزدوران جنایتکار رژیم شاه خائن بود. آن روز صدها و هزاران نوجوان دانش‌آموز به دانشگاه رفته بودند تا همراه با همزمان دانشجویان بیدار "پدر طالقانی"، که تازه از زندان آزاد شده بود، بشتابند. مزدوران شاه به روی این نوجوانان آگاه و از جان گذشته آتش گشوده و دهها تن از آنان را به خاک و خون کشیدند. همان شب نمایش تلویزیونی صحنه‌هایی از تظاهرات پرشور دانش‌آموزان در دانشگاه تهران و مقاومت و ایستادگی آنان در برابر مزدوران شاه، هم‌سایه ایران را منقلب ساخت و آتش خشم و نفرت خلق را شعله‌ورتر نمود. آن روز خلق ما نسل نوینی را به چشم دید. نسلی که علاوه بر شرکت فعال در قیام ضدسلطنتی، در برابر حاکمیت ننگین خمینی و ولایت سفیانی او نیز سر تسلیم فرود نیاورد. نسلی که در پرتو ایدئولوژی توحیدی و مواضع انقلابی مجاهدین، هر روز به مدارج

یادشده‌ی ۱۳ آبان و تمامی دانش‌آموزان بخون خفته گرامی باد

طی آن اسرا با داستانی از پشت بسته بوسیله‌ی رگبار مزدوران خمینی، به قتل رسیده بودند. برآستی مزدوران آدمکش خمینی، با فتواهائی از این دست، با انقلابیون اسیر در شکنجه‌گاهها و سیاه‌چال‌های خمینی - امثال زندان اوین - چه رفتاری دارند؟!

کزارا مزدوران و نظامیان خمینی را از دردسر اسرا و زخمی‌های عراقی در جبهه‌ها، خلاص کرده است. ما در شماره‌ی ۱۳۱ "مجاهد" همراه با تصاویری گویا نمونه‌هایی از عملکرد این قبیل فتاوی، با انقلابیون و اسرا را منعکس نموده‌ایم که

س - کسانی که قدرت و توان شرکت مستقیم در جنگ و دفاع از اسلام و مسلمین را ندارند چه وظیفه‌ای

خمینی با فتاوی فوق تکلیف کلیه‌ی کسانی را که تحت عنوان معلول و زخمی جنگ، در خانه‌ها و یا بر روی تخت بیمارستان‌ها افتاده‌اند، روشن نموده و آنها را موظف به گارد پشت جبهه نموده است.

س - آیا فرستادن زکات را برای کمک به جبهه اجازه می‌فرماید؟ س - برای فرستادن جبهه از زکات مانع ندارد. س - کسی نفر کرده که مبلغی در موردی نظیر اطعام و غیره صرف

اینهم دستور "شرعی" جهت همگونه اخاذی برای جبهه‌ها!



### اعتبارات پی در پی

## جهت تأمین مخارج روزمره جنگ افروزی های خمینی

مرحله دوم عملیات باصلاح والفجر ۴، همانند دیگر تهاجمات شماره دار موسوم به والفجر و سایر حملات رژیم خمینی، سرمایه های مادی و انسانی مملکت را در کام مرگبار خود فرو می کشد. خبرگزاری ها تعداد تلفات رژیم در عملیات اخیر را بسیار سنگین گزارش کرده اند. از سوی دیگر رژیم ضدبشری خمینی، تهاجم بر علیه مقاومت کردستان را نیز در راستای عملیات موسوم به "الفجر" خود، قرار داده است. تهاجم گلهوار مزدوران خمینی مرکب از: لشکر ۲۱ حمزه، گردان ۱۲ از خمین، تیپ ۲ سقر، لشکر "نجف اشرف"، گردان "قمر بنی هاشم"، گردان ۲۱ امداد، به اضافه تعدادی نیرو از تهران، اصفهان، یزد، گرمسار،

تلفات بحدی است که رژیم در اغلب شهرها، شیوهی سنتی نصب "حجله" برای کشته شده های جنگ را، بدلیل بازتاب منفی کثرت حجله ها در اذهان عمومی، ممنوع اعلام کرده است. علاوه بر آن، رژیم به سیاق سه ساله ی جنگ افروزی خود، کماکان در رابطه با تلفات سنگین نیروهایش، ردیلا نه سکوت اختیار کرده است. از سوی دیگر جنگ خانمانسوز و مملکت بریادده خمینی، مستمرا سرمایه های ملی مملکت را می بلعد. آمار و ارقام دروغین رژیم در رابطه با بودجه ی جنگ، که همه ساله در بودجه ی عمومی، ارائه می شود، به هیچ وجه تکافوی هزینه های سرسام آور جنگ افروزی های خمینی را نمی دهد و به

وزارت سپاه جهت انجام هزینه های ناشی از جنگ" (اطلاعات ۱۰/شهریور/۶۲) - ۲۳ شهریور "اختصاص ۴۷ میلیارد ریال برای تقویت بنیه ی دفاعی ارتش". (رادویو رژیم ۶۲/۶/۲۳) - ۱۷ مهر "مبلغ پنجاه میلیارد ریال اعتبار جهت تقویت بنیه ی دفاعی". (اطلاعات ۱۸/مهر/۶۲) - ۲۷ مهر "اختصاص مبلغ ۳۰ میلیارد ریال جهت تقویت بنیه ی دفاعی سپاه". (اطلاعات ۶۲/۷/۲۸)

ارقام مذکور در مجموع بالغ بر ۱۸۰ میلیارد ریال می گردد. اندکی تامل در تاریخ تصویب اعتبارات فوق، این واقعیت وحشتناک را آشکار می کند که رژیم خمینی، تقریبا هر دو هفته یکبار، بودجه ی جدیدی جهت تأمین هزینه های جنگ، تخصیص می دهد. مضافا بر اینکه بخش عظیمی از بودجه ی برخی ارگان ها و وزارتخانه ی رژیم - بویژه در زمینه های عمرانی - نیز از طرق مختلف، سرزجبهه هادرمی آورد. همچنین اخاذی های مستمر رژیم جهت جنگ نیز جای خاص خود را داشته و ابیادی خمینی کماکان با شیوه و شگردهای ابداعی و جدید، مردم را سرکیشه می کنند.

با این تفصیلات، خمینی به قیمت نابودی سرمایه های انسانی و مادی مملکت، و داغدار کردن دهها و صدها هزار خانواده و افزودن بر حجم میلیون ها هموطن جنگ زده و آواره، و به قیمت انهدام اقتصاد مملکت و راکد گذاشتن فعالیت های عمرانی و رفاهی در سطح کشور، همچنان بر ادامه ی این جنگ، دیوانه وار پافشاری می کند. چرا که وحشت و هراس روزافزون از رشد و گسترش مقاومت خلق در راستای قیام رهائی بخش عمومی و چشم انداز سقوط مذلّت بار ارتجاع، برای رژیم ضد خلقی خمینی راه و چاره ای جز فعال نگاه داشتن آتش جنگ و در سایه ی آن تشدید سرکوب و اختناق داخلی باقی نگذاشته است!

\*\*\*

۹ شهریور "اختصاص مبلغ ۳۰ میلیارد ریال اعتبار به وزارت دفاع ملی جهت انجام هزینه های ناشی از جنگ".  
 ۹ شهریور "اختصاص ۳۰ میلیارد ریال اعتبار به وزارت سپاه جهت انجام هزینه های ناشی از جنگ".  
 ۲۳ شهریور "اختصاص ۴۷ میلیارد ریال برای تقویت بنیه ی دفاعی ارتش".  
 ۱۷ مهر "مبلغ پنجاه میلیارد ریال اعتبار جهت تقویت بنیه ی دفاعی".  
 ۲۷ مهر "اختصاص مبلغ ۳۰ میلیارد ریال جهت تقویت بنیه ی دفاعی سپاه".

شیراز، خمین و ... بویژه با توجه به صعب العبور بودن مناطق مرزی، میزان تلفات نیروهای رژیم را بسیار بالا برده است. در همین رابطه، ابیادی سرکوبگر خمینی در شهرها و روستاهای کشور، بزور سرنیزه و با تکیه بر فتوای ضدبشری خمینی، در تلاش برای بسیج نیرو هستند. در شهرها، صف سینماها، رستوران ها، مدارس علوم دینی و حتی خیابان ها نیز جهت یافتن سربازان جدید و یا دستگیر کردن فراریان جبهه، مورد بازرسی قرار می گیرند. ابعاد تلفات جنگ، خانواده ها را وا می دارد تا به هر قیمتی شده فرزندان خود را از قربانی شدن در پای هوس های کشورگشایانه ی عفریت جماران، نجات دهند. میزان

همین دلیل سردمداران رژیم، مستمرا برای حل مخارج "روز به روز" جنگ، بودجه و اعتبار تأمین می کنند. فی المثل، علاوه بر سهم جنگ در بودجه ی سالیانه، که مستمرا در موعد مقرر به حساب ارگان های ذیربط در مسئله ی جنگ، واریز می شود، دولت ارتجاع از ماه شهریور به اینطرف ۵ فقره بودجه و اعتبار اضطراری نیز به منظور تأمین هزینه های جنگ، به شرح زیر تصویب نموده است:

- ۹ شهریور "اختصاص مبلغ ۳۰ میلیارد ریال اعتبار به وزارت دفاع ملی جهت انجام هزینه های ناشی از جنگ" (اطلاعات ۱۰/شهریور/۶۲)  
 - ۹ شهریور "اختصاص ۳۰ میلیارد ریال اعتبار به

### نمونه مستندی در مورد یکی از تازه ترین خریدهای رژیم خمینی در رابطه با جنگ

سندی را که ذیلا ملاحظه می کنید، یک قلم "جزئی" از تازه ترین سری خریدهای رژیم خمینی در رابطه با نیازهای جنگی اش از امپریالیست ها را نشان می دهد که از طریق "دفتر خرید لندن" کارسازی شده است. قابل توجه است که تاریخ این سند ۶۲/۷/۱۶ (یعنی کمتر از یکماه قبل) می باشد.

#### کلیشه سند

جمهوری اسلامی ایران  
 نیروی زمینی ارتش  
 (تلفن)

بهره شماره: ۱۷-۱۱-۱۳-۱۲-۲۰۲-۶۲-۶۲-۶۲/۲۲

موضوع: خرید قطعات و تجهیزات را با دل و جان می پذیرند. امام خمینی

برابر نامه پیروی بالا در سال جاری بابت خرید قطعات دستگاههای ارتباطی و الکترونیکی مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به شعبه مخابرات دایره قطعات واگذار گردید. است که از مبلغ مذکور تا کنون در یک حساب ۲۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال بابت خرید قطعات معطل معامراتی از طریق دفتر خرید لندن هزینه گردید. است نظر اینکه فقط یک فقره از لیست نیازمندی مربوط به قطعات بی سیم وی آرسی ۱۲ میلین معادل ۶۰۰ میلیون ریال هزینه خواهد نمود. لذا ضمن اعاده سه فقره لیست نیازمندی قطعات اخیر مربوط به بی سیم وی آرسی ۱۲ و موشک تاو و رادار بوله خواهد نمود است. حضور فرموده با در نظر گرفتن اعتبار واگذار شده و صرفت امکان نسبت به تمدید لیست قطعات بی سیم وی آرسی ۱۲ و سایر قطعات به قدر ۲۵٪ اقدام فرمایند به جهت است که در صورت عدم تمدید این لیست بابت خرید قطعات معادل اعتبار واگذار شده خواهد بود. مازای که اعتباری مجدد جهت خرید قطعات مخابراتی با این حد بابت واگذار گردد.

مد تهیه و خرید - سرهنگ سیاح

گردد کان  
 ۱- مد اقدام عمده بازگشت شماره پیروی بالا جهت مرگ عمده اقدام لازم  
 ۲- دایره حسابداری بابت سه برگ فرم ۱۵۰ بانضمام سه برگ لیست قطعات در صورت فراموشی نسبت به تمدید گرفتن مبلغ ۱۷۸۱۲۵۱۰۰۰ ریال منظور خرید قطعات مخابراتی در سال جاری جاری اقدام لازم معمول فرمایند.

#### متن تایپ شده سند

جمهوری اسلامی ایران  
 نیروی زمینی ارتش

از: مد تهیه و خرید دایره قطعات شماره: ۱/۲۲/۲۰۲۳/۱-۱/۴۲-۱/۴ ق  
 به: مد اقدام عمده خ  
 تاریخ: ۶۲/۷/۱۶  
 موضوع: ..... (تلفن) ..... پیوست: .....  
 پیروی شماره ۱۷-۱۱-۱۳-۱۲-۲۰۲-۶۲-۶۲-۶۲/۲۲-خ

ملت ما در حال جنگ هستند و شهادت را با دل و جان می پذیرند. "امام خمینی"

برابر نامه ی پیروی بالا در سال جاری بابت خرید قطعات دستگاههای ارتباطی و الکترونیکی مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به شعبه مخابرات دایره قطعات واگذار گردیده است که از مبلغ مذکور تاکنون نزدیک به مبلغ ۲۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال بابت خرید قطعات مختلف مخابراتی از طریق دفتر خرید لندن هزینه گردیده است نظر به اینکه فقط یک فقره از لیست نیازمندی مربوط به قطعات بی سیم وی آرسی ۱۲ میلین معادل ۶۰۰ میلیون ریال هزینه خواهد نمود لذا ضمن اعاده سه فقره لیست نیازمندی قطعات اخیر مربوط به بی سیم وی آرسی ۱۲ و موشک تاو و رادار بوله خواهد نمود است دستور فرمائید با در نظر گرفتن اعتبار واگذاری در صورت امکان نسبت به تعدیل قطعات بی سیم وی آرسی ۱۲ و سایر قطعات به مقدار ۲۵٪ اقدام فرمایند بدیهی است که در صورت عدم تعدیل این مدیریت قادر به خرید قطعاتی معادل اعتبار واگذاری خواهد بود مگر اینکه اعتباری مجدد جهت خرید قطعات مخابراتی به این مدیریت واگذار گردد.

مد تهیه و خرید - سرهنگ سیاح

گیرندگان  
 ۱- مد اقدام اقلام عمده بازگشت به شماره ی پیروی بالا جهت هرگونه اقدام لازم  
 ۲- دایره ی حسابداری پیوست سه برگ فرم ۱۵۰ - بانضمام سه برگ لیست قطعات دستور فرمائید نسبت به تعدیل گرفتن مبلغ ۱۷۸۱۲۵۱۰۰۰ ریال به منظور خرید قطعات مخابراتی در سال جاری اقدام لازم معمول فرمایند.

# برای تحقق صلح و آزادی همه سلاحها را بجانب رژیم ضدبشری خمینی نشانه رویم!



# حماسه‌های مجاهد خلق لحظه‌های انقلاب

## در مزاری گمنام

مکان - مشهد  
خیابان وکیل آباد  
یکی از پایگاه‌های انقلاب  
زمان - پائیز ۶۰

"مادر" (۱) حسنه و عرق ریزان آخرین تکیه وسائل جمع‌آوری شده را از جا بلند کرد و از پله‌های زیرزمین پائین رفت. "عصمت" (۲) که قبل از او چمدانی را به داخل زیرزمین برده بود، در حال بالا آمدن از پله‌ها بود. موقعی که "مادر" از زیرزمین خارج شد، عصمت حاضر و آماده و در حالیکه ساک نسبتاً سنگینی را در دست گرفته بود، در زیر باران شدیدی که از نیمه‌شب به بعد یکسره می‌بارید ایستاده و منتظر بود. "مادر" را که دید، لبخندی زد و با ناثر به در و دیوار پایگاه، نگاهی کرد و گفت:

"حیف شد مادر... پایگاه خوبی بود. خیلی از بچه‌های مجروح و تیرخورده در اینجا معالجه شدند و دوباره به صحنه‌ی نبرد بازگشتند... "رضا"، "مجید"، "سعید"... ولی حالا مجبوریم اینجا را تخلیه کنیم و برویم."

مادر سری تکان داد و جواب داد:

"چاره‌ای نیست... برای حفظ خود و ادامه‌ی نبرد با خمینی، بایست مدام گوله‌بار به دوش باشیم... دیگه کم‌کم عادت کرده‌ایم. اول‌ها مشکل بود ولی حالا..."

چند دقیقه‌ی بعد، هر دو از خانه خارج شدند و پیاده بطرف میدان شهدا راه افتادند. هوا رو به تاریکی بود و "مادر" نگرانی و دغدغه‌ی خاصی در دل خود حس می‌کرد و سعی می‌کرد هر چه زودتر با گرفتن تاکسی، خود را از محل دور کند. خصوصاً با وجود "عصمت" که در سطح شهر، چهره‌ی شناخته شده‌ای بود، این نگرانی خود را بیشتر نشان می‌داد. سرانجام در میدان شهدا موفق به گرفتن تاکسی خالی شد و هر دو سوار شدند. راننده‌ی تاکسی نگاهی به آنها کرد و پرسید:

- کجا برم؟

- برو هتل "مهمان‌پذیر". در بستی برو هر چی گریه‌اش شد بهت میدم. عروسم ناخوشه بایستی زودتر برسه و استراحت کنه.

و در پی این حرف‌ها، راننده پایش را روی گاز فشرد و حرکت کرد. مادر به "عصمت" نگاهی انداخت. او بلیط‌های مسافرت فردا را از کیف خود بیرون آورده بود و آن‌ها را نگاه می‌کرد. وقتی متوجه نگاه‌های "مادر" شد گفت:

"هیچ دلم نمی‌خواست این شهر را ترک کنم. موقعی که "جلیل" گفت بایستی به علت شناخته‌شدگی به تهران منتقل شوید، واقعا ناراحت شدم. از این شهر چقدر یاد و خاطره در ذهنم بجا مانده..."

و بعد به فکر فرو رفت و ماههای سخت و سنگین گذشته را در پایگاه‌های مقاومت به یاد آورد و لحظاتی را که گاه با دست خالی و در کنار "زرین" (۲) به یاری تیرخورده‌ها و مجروحین شتافته بود جلوی چشمانش مجسم کرد. مجروحینی که گاه چندین گلوله در تن خود داشتند و تعدادی از آنها در برابر چشمان ملتهب او و "زرین" و "مادر" به شهادت رسیده بودند و گمنام در گوشه‌های به خاک سپرده شده بودند...

عصمت به راننده‌ی تاکسی که آرام مشغول رانندگی بود گفت:

"اگر ممکنه سریعتر... ممکنه اتوبوس حرکت بکنه!"

راننده نگاهی به او کرد و گفت:

"می‌بینی خواهر که چه وضعیه. معلوم نیست خیابون گاراژدارها چه خبره که همین‌طور ماشین‌ها گیپ تا گیپ وایسادن. حالا بریم جلوتر ببینیم چی میشه!"

۲۰ متر مانده به چهارراه صدای شلیک به گوششان رسید و نزدیک‌تر که شدند، صدای تیراندازی شدیدتر و بلندتر شنیده شد و لحظاتی بعد انفجاری شدید خیابان را لرزاند:

راننده‌ی تاکسی ترمز کرد و گفت:

"بهرتره همین‌جا بایستیم."

"اینجوری که تا ماشین را متوقف کنند، متوجه سلاح می‌شوند."

رضا خندید و جواب داد:

"با اوضاع فعلی شهر، گار به متوقف شدن نمی‌کشه. باید درگیر شد و از تور در رفت. راستی شماها با خودتان چی دارید؟"

- سلاح‌ها را موقع حرکت تحویل دادیم. فقط با خودمان قرص داریم.

دقایقی بعد در خیابان... به طرف یکی از پایگاه‌ها می‌رفتند تا شب را در آنجا بمانند و فردا صبح پس از نقل مکان به پایگاهی دیگر در خیابان "وکیل‌آباد" ترتیب مسافرت خود را بدهند.

\*\*\*

هنوز از مغازه بیرون نیامده بود که صدای رگبار مسلسل را شنید و دلش فروریخت. ساعت ده و نیم بود و نیم‌ساعت قبل از آن، سه تن از برادران برای تهیه‌ی بلیط و انجام مأموریت‌های دیگر از خانه خارج شده بودند. شتابان خود را به انتهای کوچه رسانید و اطراف را نگرید. درگیری در فاصله‌ی ۲۰۰ متری ادامه داشت و مردم با شتاب به این سو و آن سو می‌دویدند. صدای رگبارها شدیدتر شد. منطقه کم‌کم در حال محاصره شدن بود. از زنی که با شتاب می‌دوید پرسید:

- چه خبر شده خانم؟

زن با عجله جواب داد:

- "نمی‌دونم... گلوله داره از زمین و آسمون می‌باره. مثل اینکه درگیری بین مجاهدین و پاسدارهاست."

مادر همچنان مات و مبهوت سر خیابان ایستاده بود و اطراف را می‌نگریست. ۲۰ دقیقه‌ی بعد، صدای چند انفجار شدید بگوش رسید و اندکی پس از آن تیراندازی قطع شد و آمبولانس‌ها آژیرکشان سر رسیدند. "مادر" داخل جمعیتی که همه‌همگنان می‌آمدند شد و به حرف‌هایشان گوش داد.

- سه تا مجاهد بودند... چند تا پاسدار را کشتند... پاورقی:

۱ - مادر مجاهد عصمت کوشالی، مادر مجاهد شهید علاءالدین کوشالی که قبلاً نیز یکی از خاطرات او را در "مجاهد" درج کردیم.

۲ - مجاهد شهید عصمت مزینانی، همسر مجاهد شهید علاءالدین کوشالی

۳ - مجاهد شهید دکتر زرین پرتوی پزشک انقلابی مجاهد و یکی از مسئولین امداد سازمان در مشهد.

۴، ۵، ۶ و ۷ نام چهار

- یکی‌شان توانست با ماشین فرار کند... ولی مثل اینکه تیر خورده بود... دوتا‌شان هم خودشان را با نارنجک منفجر کردند."

زنی ناگهان تلخ گریست. "چه جوان‌هایی بودند... خدایا تا کی بایستی خون اینها بر زمین بریزد تا کی؟ دیدی دومی چکار کرد؟ روی شکم خوابید و نارنجکش را منفجر کرد. تا مبادا کسی صدمه ببیند... فکر کنم دو نفر دیگر از پاسدارها هم بمیرند آنطوری که من دیدم گارشان ساخته‌است." مادر دیگر گوش نکرد. با شتاب خود را به خانه رسانید تا جریان را به بچه‌ها بگوید و برای تخلیه‌ی خانه فکری بکنند.

\*\*\*

وارد اتاق که شد یکمربیه دلش فرو ریخت... "احمد" با رنگ و روئی پریده روی تخت دراز کشیده بود و به شدت از شکم و بازویش خون می‌ریخت. "عصمت" با باند مشغول پر کردن حفره‌ی شکمش بود و چند لحظه‌ی بعد پس از آنکه حفره را از باند پر کرد و بست، مشغول پانسمان کتف و بازویش شد. گلوله‌ها کتف او را خرد کرده و استخوان بازویش را شکسته بودند، ولی مسالهی اصلی پارگی روده‌های او بود.

مادر پرسید:

- وضعیتش چگونه؟... امیدی هست؟

عصمت نگاهی دردآلود به مادر کرد و جواب داد:

- احتیاج به وسائل داریم و دکتر... الان هم که همیشه بیرون رفت منطقه محاصره شده. و سرش را به زیر انداخت.

\*\*\*

شب فرا رسید و از تن "احمد" همچنان خون می‌ریخت و در زیر لحاف و پتوئی که روی او انداخته بودند بخود می‌پیچید. سه بچه‌ی کوچکی که در پایگاه بودند، ساعتی قبل شام خورده و بی‌خبر از وقایعی بقیه در صفحه‌ی ۲۳

تن از مسئولین کمیته‌ها و شکنجه‌گران جنایتکار رژیم در مشهد: مهدی‌الهی دانشجوی سابق الهیات - مرتضی توکل دانشجوی سابق علوم - جمال آریائی دانشجوی سابق علوم حسین شیخ‌زین‌الدین دانشجوی سابق ادبیات

هر چهار مزدور فوق‌اعضای انجمن‌های ضداسلامی دانشگاه مشهد بودند که در فاز نظامی به عنوان عوامل مستقیم سرکوب و شکنجه به کار گرفته شدند.



# چشم بندی...!

## ماجرای مضحك و درعین حال آموزندهٔ هواشدن "۱۴ مرداد"

راستش از وقتی که جنایات خمینی مرزهای صدمشری را پشت سر گذاشته و شخص او نیز بعنوان منفورترین چهره‌ی جهان شناخته شده است، گویا به غیرت! صدامقلاب مغلوب (خارجه‌نشین) بدجوری برخورد کرده و لذا حاملان و وارثان حکومت سرایانگین خود را زیر علامت سوال کشیده که: چرا فی‌المثل، رژیم خمینی در بکارگیری ابزارهایی مانند خفقان و سرکوب و شکنجه که از ساواک و سایر ارگان‌های شاه به ارث برده است، "اصل" ظاهری را رعایت نمی‌کند و خیلی واضح و روشن، به کشتاری که راه انداخته اعتراف می‌کند و حتی کلمات و جملات نامناسبی نیز بکار می‌برد؟

مگر کلمه "تمشیت" که ساواک در باره‌ی شکنجه بکار می‌برد، چه اشکالی داشت که حالا اسمش را "تعزیر" گذاشته‌اند؟

مگر "ندامتگاه" اوین از ما به ارث نرسیده؟ خوب، همان شیوه‌ای که ما بکار می‌بردیم این‌ها هم بکار ببرند. ما خودمان در راه حفظ "سیاست مستقل ملی" و بخاطر پیشبرد "دمکراسی شاهنشاهی" دهها "خرابکار" را در همان اوین به "سزای اعمالشان" رساندیم. کافیت بیاد بیاورید که چطور در عرض چند دقیقه، تپه‌های اوین، از خون ۹ فدائی و مجاهد رنگین شد. اصلا ما خودمان بنیانگذار این کارها بودیم. چه کسی اولین بار "آپولو" ، "کابل" ، "باطوم برقی" ، "اجاق برقی" و ... را به خدمت گرفت. همه‌ی این بازی‌ها را ما از سر گذرانده‌ایم و هنوز هم که دست بردار نیستیم مگر خودمان ننوشتیم که:

... بگذار مثنی خردباخته مدام نق بزنند که چون در اجتماع توطئه‌گران گاروانسرا سنگی چوبی به دستشان خورده، یا چون فلان مامور "ساواک" به گوش فلان آدمکش سیلی زده، یا چون شاه فرمان عزل مصدق آشوبگر را به دستش داده در ایران انقلاب شده است! ... (ایران آزاد - شماره ۱۶۱) ۱۹/ شهریور ۶۲

اما خوب ... باید ظاهر قضایا را درست کرد و شکل "دنیا پسندانه‌ی" به آنها داد مثلا در باره‌ی ۹ نفر

اعدامی مذکور ، ماه دنیا اعلام کردیم که: " ۹ خرابکار حیس فرار از زندان ، با ماموران درگیر شده و کشته شدند". در دوران ماهم موقع " تمشیت " (ریسر شکنجه) ، تعداد زیادی خرابکار مسافانه! کشته شدند ولی ما هر کدام را به شکل " دنیا پسندانه‌ی " : گزارش کردیم. فی‌المثل برای فاطمه امینی نوشیم: " از ارتفاعات دربند سقوط کرده" ، برای خلیل طباطبائی، بهروز دهقانی، حسین کرمانشاهی و ... برای هر کدام از آنها نیز دلیلی درست کردیم. ولی این " آقای خمینی " صاف صاف ادعا می‌کند که: " چند تن را قصاص کردیم " . آخر به چه دلیل باید اسم " خرابکار " را ، منافق و محارب و باغی و باغی گذاشت ... خیر! حتما " باید " جبهه‌ی نجات "ی تشکیل داد و " وارث حقیقی " ! را به میدان آورد و خصوصا از وجود " درگیری‌های بی‌ثمر " ! نیز باید نهایت استفاده را کرد.

اما در واقع امر ، از آنجائی که حصرات بخوبی می‌دانند که در پنجاه سال گذشته چه مصیبتی بر سر این مردم شاه‌دیده و ستم‌کشیده آورده‌اند و از زمانی که فریادهای خشم‌آلود این مردم آنها را به خارجه پرت نمود، هنوز پنج‌سال نگذشته است و از آنجائی که حضرات خود بخوبی می‌دانند که جنایات و اعمال ضد بشری خمینی نه تنها عامل تیرته‌ی " شاه " کارهای ضد خلقی این حضرات در گذشته نبوده، بلکه عامل مشدده‌ی لعن و نفرین نسبت به بانیان اصلی آزادی‌کشی و اجنبی پرستی نیز می‌باشد، و از آنجائی که اکنون به سادگی روزگاران گذشته، دیگر نمی‌توان " عاقد " قرارداد جدیدی شد، بنابراین این آقایان نیز جانب حزم و احتیاط را رها نکردند و با شعیده بازی و چشم‌بندی خواستند ماجرائی را بوجود آورند ... بهرحال، پس از ماهها دوندگی و کاباره‌بازی، روز ۲۸/ تیرماه ۶۲ " بیان‌نامه‌ی " تفاهم و توافق " بین دو تن از نخست‌وزیران رژیم شاه مدفون به امضاء رسید ...

زنده‌ها با ایران و مردم ایران  
ایران هرگز نخواهد مرد  
بیت ختم بر سر  
۱۳۶۲

آهانگر  
AHANGAR No. 33 (48), September 9, 1963  
بازگشت مشروطیت  
در صفحه‌ی ۱۵

هفته‌نامه  
اصغر آقا  
شنبه ۹ مهر ماه ۱۳۶۲  
سال پنجم - شماره ۱۲۳  
ناگهان تابستان گذشته!  
در صفحه‌ی ۱۴

ایران تایمز  
پست ایران  
ایران آزاد  
نهیضت  
ایران تایمز  
NEHZAT  
ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران  
با همکاری شورای نویسندگان



# چشم بندی ...!

## ماجرای مضحك و درعین حال آموزنده هواشدن "۱۴ مرداد"

مهمترین نکته‌ای که در این "بیان‌نامه" می‌توان مشاهده کرد و در واقع نشانه‌ی بیدار شدن! آقایان از خواب هشتاد ساله است، همانا "مشروطه‌خواه"! شدن این آقایان می‌باشد. یعنی نظامی را که ملت ایران می‌خواست نزدیک به ۸۰ سال پیش در ایران برقرار سازد، حالا این حضرات دست پرورده و

همکاسه‌ی حکومت ننگین و مغفور پهلوی، که در مدت نزدیک به ۶۰ سال با حمایت امپریالیست‌ها و با استبداد کبیر و طویل خود روی محمدعلی شاه و استبداد صغیرش برعلیه مشروطه و آزادی خواهان را سفید کردند، ناگهان "خواستار" برقراری مشروطه در آینده شده‌اند! فاصله‌ی زمانی و میزان عقب‌ماندگی حضرات و مهمتر از این میزان وقاحت و پروستی ایشان را ملاحظه

می‌کنید؟! در ضمن این حضرات برای اینکه هرگونه شکی در باره‌ی تعلق خاطرشان به استبداد صغیر و کبیر قاجار و پهلوی را از اذهان بزدایند و برای اینکه "وفاداری!" خود را به "قانون اساسی" اثبات بکنند و نیز برای اینکه نشان بدهند بالاخره پس از گذشت ۸۰ سال از مشروطه خواهی ملت ایران، این آقایان نیز واقعا "مشروطه‌خواه!" از آب در خواهند آمد،

کرد" تا با سربلندی در برابر محافل آزادیخواه دنیا ایستاد... بهرحال روز موعود فرا می‌رسد و به دنبال اعلام "وفاداری!" به قانون اساسی ایران، در روز ۱۴/ مردادماه ۶۲ گویا به موجب گزارش "تمام مراکز خبری دنیا" \* "میلیون‌ها" تن از مردم ایران بنابه درخواست رهبران اپوزیسیون به خیابان‌ها می‌ریزند...

و اما اصل ماجرا. واقعیت اینست که نه در باصلاح پیام آقای امینی و نه آقای پهلوی (که هر دو بدون تاریخ‌اند) هیچ اشاره‌ای به "راهپیمایی" (اعم از آرام و یا ناآرام) نشده است (مراجعه شود به کلیه‌ی نشریات مردادماه ضدانقلاب مغلوب خارجه‌نشین) و تا روز ۱۴ مرداد ماه در هیچیک از نشریات مذکور اساسا مطلبی بنام "درخواست راهپیمایی" به هیچ شکلی وجود ندارد. با این حال در روز ۱۴ مرداد (و درست در همانروز) رادیوهای برون مرزی سلطنت - طلبان، خبر! "راهپیمایی" را منتشر می‌کنند که: "امروز میلیون‌ها نفر از مردم تهران و میلیون‌ها نفر از مردم شهرستان - های ایران در یک تظاهرات بیسابقه به خیابان‌ها ریختند". در خارجه نیز برای اینکه این خبر! کاملا "موثق!" جلوه داده شود، از قول خبرگزاری فرانسه گفته شد که "هزاران نفر در تهران به مناسبت سالروز مشروطیت دست به تظاهرات آرام زدند" (که البته در متن خبر! صحبتی از تعداد نفرات نیست).

عصر روز ۱۴ مردادماه بعضی از رادیوهای خارجی، منجمله صدای آمریکا نیز خبر! "تظاهرات آرام" در تهران را پخش کردند...

و به این ترتیب در روز روشن و در مقابل میلیون‌ها چشم آگاه و بیدار، بازیگران صحنه‌های شعبده بازی و "چشم‌بندی"، همراه با مزد - بگیران خود، "شاه" کاری از وقاحت رابه‌نمایش گذاشتند و آنچنان در ایفای نقش از خود بی‌خبر شدند که حتی امر به خودشان نیز مشتبه شد و کلیه‌ی نشریات ضد انقلاب خارجه‌نشین آنچنان در "دود" و دم" آن غلت خوردند که نه یکی دوبار، بلکه بارها از یادآوری آن در سرمقاله‌ها و گزارشات و تحلیل‌ها عنان اختیار بدست "هذیان" سپردند. به گوشه‌هایی از نوشته‌های مختلف در این رابطه توجه کنید:

شروع به تقدیس سالروز انقلاب مشروطیت ایران می‌نمایند و بهمین مناسبت آقای دکتر علی امینی بدلیل "سن‌وسال‌بالا" و آقای رضاپهلوی (معلوم نیست به چه دلیل) پیامی خطاب به "هم‌میهنان" و "هموطنان عزیز" صادر کردند. تنها چیزی که از این باصلاح پیام‌ها دستگیر می‌شود اینست که: "بیان‌نامه‌ی" "تفاهم و توافق" امینی و یختیار، به "توصیه‌ی" رضا پهلوی صورت گرفته است.

وقتی بازی به این نقطه می‌رسد گویا آقایان به‌این نتیجه می‌رسند که "بی‌مایه فطیر است!" و باید کاری کرد و "چشم‌وگوش جهان را متوجهی ایران

سال سیزدهم، شماره ۶۱۲، جمعه بیست و یکم مرداد ۱۳۶۲



### خبرگزاری فرانسه: هزاران نفر در تهران بمناسبت سالروز مشروطیت دست به «تظاهرات آرام» زدند

● تظاهرات به دعوت مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از کشور صورت گرفت و بر اثر آن ترافیک در محلات اعیان نشین شهر به ۳۰ ساعت متراکم درآمد. - خبرگزاری فرانسه

مامورین انتظامی و از جمله واحدهای پاسداران و ماموران کیمبه‌های محلات به مناطق شمالی پایتخت فرستاده شدند تا اوضاع را بررسی کنند و در همان حال مامورین مسلح کاره‌دایت اتومبیل‌ها را در تقاطع خیابان‌ها بمسده گرفتند.

#### انعکاس در رادیوهای مخفی

رادیوی «صدای آزاد ایران» که توسط نهفت مقاومت ملی ایران به رهبری دکتر بختیار اداره می‌شود در گفتاری که روز جمعه ۵ آگوست پخش کرد پس از اشاره به تظاهرات تهران گفت: «از این پس حکومت ملایان ناچار است این مقاومت ملت ایران را که با دست خالی این تظاهرات را بر پا کردند بحساب بیاورد.» این رادیوسپس گفت: «تو پها و مسلسل‌ها در دست مزدوران حکومت است. بنابراین ما باید مراقب باشیم. امانیاید برترسیم.» این رادیو در پایان خطاب به مردم ایران گفت: «روزی که شما ضربه نهایی را وارد کنید دور نیست. مردم ایران امروز نشان دادند که برای قیام نهایی آماده‌اند.»

یک ایستگاه رادیویی مخفی دیگر نام رادیو ایران که از نقطه نامعلومی در خلیج فارس به زبان فارسی برنامه پخش می‌کند نیز بمناسبت تظاهرات تهران در روز ۵ آگوست گفت: «امروز میلیون‌ها نفر از مردم تهران و میلیون‌ها نفر از مردم شهرستان‌های ایران در یک تظاهرات بیسابقه به خیابان‌ها ریختند. گرچه گزارش‌های خبری نشان می‌دهد که میلیون‌ها نفر مردم ایران در این تظاهرات شرکت داشتند اما تلکس‌های سانسور شده دولتی اشاره می‌کند که گویا تظاهرات فقط در شمال شهر تهران برگزار شده است.» این رادیو در قسمت دیگری از گفتار خود گفت: «درونک مامورین انتظامی رژیم برای جلوگیری از تراکم ترافیک شروع به تیراندازی کردند.»

خبرگزاری فرانسه همچنین اعلام داشت: زنان که علی‌رغم مقررات رژیم با جواهرات زینتی و آرایش صورت، به خیابان آمده بودند، چادر بسر داشتند و هنگام ورود بروشدن با هم نگاه‌های آشنا مبادله می‌کردند. اما کمتر کسی

حرات می‌کرد که چیز بیشتری درباره تظاهرات بگوید.

از آغاز سال ۱۹۸۱ این نخستین تظاهرات طرفدار شاه در ایران است.

دعوت به تظاهرات از سوی دورادیوی سلطنت طلب و «رادیوی بختیار» که توسط شاپور بختیار آخرین نخست‌وزیر شاه متوفی تأسیس شده و اکنون بحال تبعید در پارسیس بسر می‌برد، بعمل آمده بود. ظاهراً برخی از این برنامه‌های رادیویی از عراق پخش می‌شود.

این خبرگزاری همچنین اضافه کرد عناصر طرفدار شاه یا بقول انقلابیون ایران، «طاغوتی‌ها» همچنان بوسیله رژیم مورد ناسزاگویی قرار می‌گیرند.

در تظاهرات روز جمعه ظاهراً فقط ثروتمندان شرکت داشتند و مناطق فقیرنشین تهران دست نخورده باقی‌ماند. بیشتر کسانی که مورد سؤال قرار گرفتند گفتند که خبری از دعوت برای تظاهرات ندارند. در همان حال که انبوه اتومبیل‌ها بطرف شمال شهر در حرکت بود، به گفته رادیو صدای جمهوری اسلامی مراسم نماز جمعه «مطابق معمول با حضور گسترده مردم» به امامت حجت الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهوری در دانشگاه تهران برپا شد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه در حوالی ظهر

واشنگتن - سرویس خبری ایران تایمز: خبرگزاری فرانسه روز جمعه ۵ آگوست از تهران گزارش داد که در این روز چند هزار نفر از ایرانیان بمناسبت سالگرد انقلاب مشروطیت، در شمال تهران دست به «تظاهرات آرام» زدند. از سوی دیگر این خبرگزاری در گزارش خود نوشت: «امروز بمناسبت سالروز مشروطیت و قانون اساسی سلطنت مشروطه، تظاهرات آرامی در تهران برگزار شد که بر اثر آن ترافیک در محلات اعیان نشین شمال شهر بحالت متراکم درآمد.»

بر اساس گزارش این خبرگزاری گروهی از مخالفان رژیم ایران در خارج از کشور از طریق فرستنده‌های رادیویی موج کوتاه خود از مردم ایران دعوت کرده بودند که در روز جمعه برابر با سالروز مشروطیت به خیابان‌ها بروند. در پاسخ به این دعوت، چند هزار نفر از ساکنان پایتخت به خیابان‌ها رفتند و حرکت دستجمعی آنها باعث شد، صبح روز جمعه ۵ آگوست با صبح روزهای

جمعه دیگر تهران خیلی متفاوت باشد. خبرگزاری فرانسه در دنباله گزارش خود مینویسد: در ساعت ۱۱ صبح خانواده‌ها، بصورت عادی، سوار اتومبیل‌های خود شدند و بطرف قسمت شمالی شهر حرکت درآوردند. «روز جمعه در ایران روز استراحت است ولی بند آمدن ترافیک نشان می‌دهد که مسئله‌ای پیش آمده است.»

یک راننده به خبرنگار خبرگزاری فرانسه گفت: «این یک تظاهرات است.»

پاورقی:

\* از پیام امینی (جبهه نجات)



# چشم بندی...!

## ایران و جهان

مرداد - شهریور ۱۳۶۲  
ازدوشنبه ۳۱ تا دوشنبه ۱۴  
سال سوم - شماره ۱۵۶ و ۱۵۵

### ۱۴ مرداد: سرآغاز قیام ملی

وگزارشی از تهران

شاین ناهی

هزسی کودوریاد از اصل جوت  
ناز خود روزگار وصل جوت

بر حسب اطلاعات موثقی از منابع مختلف، روز جمعه ۱۴ مرداد بیش از یک میلیون از ایرانیان پرشیا مت در تهران و هزاران هزار در شهرهای دیگر ایران به دعوت رهبران سیاسی مشروطه خواه باخ مشیت دادند. گزارش این تظاهرات آرام و اولین راه پیمایی اعتراض مردم طی چهار سال گذشته در دنیا له این یادداشت خواهد آمد.

عظمت این تظاهرات وحشی وقوع آن برای بسیاری از ناظران سیاسی موجب تعجب شده است زیرا اکثر کسی انتظار داشت در شرایطی همتای اختناق و حثیانه ای که رژیم غاصب بر ملت ایران تحمیل کرده است کسی هنوز جرئت ابراز مخالفت آنهم به صورت علنی و راه پیمایی داشته باشد.

## پست ایران

POST IRAN ۶۲/۵/۲۲

شماره ۱۶۱ شنبه ۶۲/۵/۲۲

زمزمه ها متولد می شود...

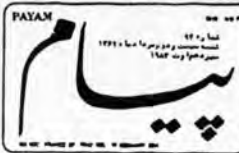
"سید" همه اصحاب را خواسته بود و دستور قلع و قمع را صادر میکرد. اما مگر میشود زمزمه ها را خاموش کرد مگر میشود چشمه را کور کرد؟ هنوز چند روزی از جمله عساکر "سید" به مردم افسریه نگذشته بود که "لسیک" مردم ایران در روز ۱۴- مرداد، "سید" را واقعا بلرزده انداخت. اینبار دیگر نمی شد عساکر را فرمان داد که از کشته پشته بسازند. نه کسی شکاری میداد و نه صفی تشکیل شده بود. جانا در شهرهای میهن من، مردان سربلند، زنان آزاده، و کودکان پاک و معصوم، لباس تازه به تن داشتند و در روزی که بدستور "سید" در تقویمها سیاه شده بود و باید با اشک و نوحه توام باشد، لبخند میزدند. اینجا دیگر نمی شد مردم را به اتهام خندیدن بازداشت کرد. اینجا دیگر نمیشد گلوله بر مردم، ریخت که چرا لباس تازه به تن دارند.

## پست ایران

POST IRAN ۶۲/۶/۱۲

شماره ۱۶۲ - ۶۲/۶/۱۲

همان ملتی که در چهاردهم مرداد و در سالروز اعلام مشروطیت در داخل ایران و در زیر استبداد حاکم، اسطوره ای دلنشین از شهامت و آزادی را به ما رساند گذاشتند، همان مردمی که چه تسمدی و چه در حصار روز ۱۴ مرداد بیرون آمدند، اگر در حارم بودند در برابر لانه های جاسوسی رژیم، و با در اجتماعات پرشور، بار دیگر با ستارخان و عمواغلی و اسیر محاصره ها میعاد نهادند و اگر در وطن، حاصه سوسر سر کردند به خیابان آمدند و به خمینی و نظامش بفرمودند از استبداد سیاه و ایمان خود را به حاکمیت ملی ابلاغ نمودند.



شماره ۹۴  
شنبه بیست و دوم مرداد ماه ۱۳۶۲  
سزدهم اوت ۱۹۸۳

گزارشی از تهران

### راه پیمایی آرام مردم: توده های به خمینی بود

مردم راه بندان های مصنوعی بجا دکردند و بر دیوارها نوشتند: بیگانه گمشو

مقاومت ملی، باخ مشیت داد و هما نظور که خواسته شده بود متین، آرام و کم صدا، به حیا با آنها آمد، و راه پیمایی های فامیلی را، در پارکها و خیابانها، برگزار کرد. بسیاری با اتومبیل در حیا با آنها برآه افتادند. بقیه در صفحه ۱۲

ندانست چه باید کند؟ و آنقدر مات شده بود که فقط جریانات را نظاره میکرد. روز ۱۴ مرداد، احساسات اکثریت خاموش، غلبان آمد. روز ۱۴ مرداد، ملت گشته تا کنون ساکت بود، و در پی فرصت، به تظاهرات دگتر شاپور بختیار، رهبر نهضت

روز ۱۴ مرداد خمینی و عوامل حکومت اسلام، از مردم به چشم آمده، ایران، توده های خوردند، پوزه، آخوندهای رمال، بخاک مالیده شد. پشت امامت، خمیده نشدند. هیش دولت اسلام، از وحشت جلسه فوری و اضطراری تشکیل داد. رژیم سرکجه گرفت.

## ایران آزاد

شنبه ۲ مهرماه ۲۵۲۲ شاهنشاهی  
(۱۳۴۲ شمسی)

تا پیش از تظاهرات آرام مردم تهران در روز ۱۴ مرداد، رژیم خمینی می دانست که میزان نفرت ملت از جمهوری اسلامی هر روز بیشتر از روز پیش می شود. مردم نسبت دانستند که رژیم مطلقا "مشروعیت و محبوبیت خود را از دست داده است. اما آنچه پنهان بود میزان آمادگی ایرانیان برای مبارزه هب جان به بار رژیم بود. از آن روز بعد دیگر نه رژیم قادر است تظاهرات قدرت ملت را نادیده بگیرد و نه مردم از میزان توانایی خود در مبارزه بی اطلاعند. به همین جهت، رژیم بی آبرو و زخم عمیق شده

## ایران و جهان

شهریور - مهر ۱۳۶۲  
ازدوشنبه ۲۸ تا دوشنبه ۴

### بعد از ۱۴ مرداد...

فرشاد بهرامی

چهاردهم مرداد نقطه اوج ضعف رژیم تهران تا آن زمان بود. به نوشته لوس آنجلس تا بهر و بسیاری مطبوعات دیگر تعداد گسانی که به دعوت سازمانهای ضد رژیم در روز مزبور بیرون آمدند تنها در تهران دو میلیون نفر بوده است.

## فراخوانی رادیویی جهت نجات و رادیو ایران برای راه پیمایی با سکوت

فراخوانی ملت

آزمایش موفق بود

۲۹ مرداد ۱۳۶۲

فرخوانی مردم ایران در برپایی تظاهرات سالروز مشروطیت ایران بوسیله رادیو جنبه نجات ایران و رادیو ایران از پاریس و قاهره و بخش پیامها و اعلامیه های دکتر امینی و شاپور بختیار خطاب به مردم ایران یک آزمایش بزرگ بود. گزارش خبرنگار ما از تهران حاکی است که اخبار و وقایع بیرون مرزی بوسیله این دو فرستنده که بالغ بر ۲۵ میلیون شنونده دارد هر روز در سه نوبت ۶، صبح، ۳ بعد از ظهر و ۸ شب به اطلاع مردم ایران میرسد و بخصوص نجات ایران "مرکز پاریس"

خطاب به مردم ایران گفته شد: ایرانی غیرتمند. حال که حکومت زن کش، آدم کش و بجه کش جمهوری اسلامی مشروعیتی ندارد، به خیابانها بروید و بی آنکه دست به تظاهرات خصمانه ای زده شود، پایه گذار یک جشن ملی و مردمی بشوید. در دومین اعلامیه دو فرستنده قوی حبه نجات ایران (پاریس) رادیوی تهران (قاهره) از مردم با ستایش یاد شد و به آنها اطلاع داده شد که برای یک حرکت جمعی تازه که برنامه آن تا یکماه دیگر اعلام میشود، آماده باشند. خبرنگار ما در تهران گزارش داد مردم برای برپا کردن تظاهرات وسیعی بمناسبت سالروز تولد پادشاه فقید و روز نهم آبان که شاه جوان سوگند وفاداری خود را به سلطنت یاد نمود، آماده شده اند.



# چشم بندی...!

نهضت  
NEHZAT

۱۷ شهریور تا ۳۱ شهریور ۱۳۶۲

صفحه ۱۴  
شماره ۴۸

## نمونه‌هایی از بازتاب نمایش عظیم ملی چهاردهم مرداد ۱۳۶۲ در شهرهای ایران

دستال دعوت‌های نهضت مقاومت ملی ایران از مردم ایران برای شرکت در تظاهرات آرام ۲۲ مرداد ۶۲ و سرگزاری هر چه باشکوه‌تر مراسم در مراکز شهری ایران با همه‌جانبه‌ای از ایران بدستمان رسیده است که گویای بازتاب امیدبخش این دعوت و پاسخ منتهی است که ملت ایران بدین دعوت داد.

مغرب منق از رژیم جمهوری نکست نارحمسی و پذیرش قاطع یک نظام ملی بعنوان تنها آلترنا تیفون مسئول ملت ایران و آمادگی بی شکست مردمان برای ایستادگی در برابر رژیم ستمگرانه و سراننداری ملامت مارتوروا علی اس نامه‌ها را در مجموع، تشکیل شده است تا آنکه محلات نهضت برای بیان همه‌ی مطالب رسیده و امی به منظور است، بطوریه اهمیت موضوع و به خاطر ۱۵۲۲ هی هر چه بیشتر ایرانیان اقدام خارج، نمونه‌های ارسا به‌های رسیده را در این شماره به چاپ می‌رسانیم.

## ایران و جهان

مهر ۱۳۶۲  
از دوشنبه ۱۱ تا دوشنبه ۱۸

یکی از دیدارکنندگان کاخ سعدآباد میگوید ما یک گروه دوازده نفری بودیم و با سدا ری بعنوان را هما برای بیان توضیح میداد و دیدنیهای کاخ را میدیدیم بجای رسیدیم که گوشه‌ای از گنج بریهای دیوار ریخته بود، به‌با سدا ری گفتیم اینجا را تعمیر کنید که بیش از این خراب نشود، حیف است.

با سدا رو وقتی مرا تنها کنار خود دید از فرصت استفاده کرد و به اطراف، نگاه‌ها انداخت و گفت، همین روزها خودش می‌آید درست میکند، همه‌جا را درست میکند، نگران نباش.

در روز چهاردهم مرداد، شاه‌دان عینی می‌گوند از جنوب شهر بزرگوار مردم با ناکی و اوست با ره‌شمال می‌آید و در تظاهرات آرام همگامی شرکت کند و این درست نیست که چهاردهم مرداد را روز آزادی و خودتای غوثیهای شمال شهر میدانند... مسافران و است‌با رها که نمیتوانند سدا غوثی باشند.

## مردم تهران، مشهد، بروجن و شیراز

### به مناسبت جشن مشروطیت در خیابانها تظاهرات کردند

ایران نیوز  
شماره ۲۱۴  
تیرماه ۱۳۶۲

رژیم تهران برای منحرف کردن اذهان به عملیات تهاجمی جدیدی در عراق دست زد

### اختصاصی ایران نیوز

در خیابانها اجتماع کرده بدون دادن شعاری تنها به صورت راهپیمایی آرام مراسم بزرگداشت روز مشروطیت را برگزار کردند.

در تهران، مشهد، تبریز و چندی شهر دیگران این مراسم به‌آرامی برگزار شد. رژیم نمیتوانست بهانه‌ای از مردم بگیرد چرا که در روز تعطیل جمعه مردم بصورت خانوادگی در خیابانها اجتماع کرده بودند و در واقع به دعوت ابوزیسون ملی لبیک گفته بودند. ولی در شیراز از این تظاهرات خونین شویسپاه در مطمح ۶

تهران - هفته‌گذشته در روز چهاردهم مرداد که معادف با سالگرد جشن مشروطیت بود و روز سدا آر آن سعی روزنشده ۱۵ مرداد، رژیم که تظاهرات مردم در این روز و جشن داشت اعلام تعطیل عمومی کرده بود بهانه‌ها و اوقات امام جعفر صادق بود که همه‌گاه در تقویم ایرانی یک روز است آن احتیاط داده مشروطیسی این با رژیم سه روز تعطیل کرده بود. یک روز جمعه و دو

روزی که جنبه و شنه که بتواند بطور کلی مردم را کنترل کرده و بوجه عمومی را بسوی دیگری سوق دهد.

در این زمینه با بدگفت‌که رعاشا دوم و دکتر ریختن راه و روز قبل از آن طی بیماهایی از مردم خواسته بودند در این روز به صورت آرام تظاهراتی برپا کنند. ما بر رهبران ابوزیسون نیز چنین مسئله‌ای را تا نشد کرده بودند و ترا ریود که مردم ایران در این روز بصورت خانوادگی

شماره مخصوص با کد اعلان مشروطیت

QYAM IRAN  
#63  
روزپروپی بوسنگان

روزنامه قیام ایران  
شماره ۶۹  
قیمت ۳ فرانک

آدرس  
QYAM IRAN  
۱۳۶۲

## قیام ایران

### روزی که ایران، بی صدا خروشید

روز جمعه چهاردهم مرداد، سالروز جنبش مشروطیت، ایران، چه‌سره دیگری به خود گرفت: مردم، به دعوت "رادبوا ایران"، به قصد برگزاری تظاهراتی خاموش و بدون شعار، در شهرها و شهرک‌های سراسر ایران، ساعت ده با سداد از خانه‌ها خارج شدند و بنا بر گزارش‌هایی که رسانه‌های بین‌المللی و از جمله خبرگزاری هانیز منتشر ساختند، طی گردش سیاسی آرام خود، و با نمایش همستگی و یگانگی شان، به رژیم جمهوری اسلامی "نه" گفتند.

تظاهرات گسترده ۱۴ مرداد در ایران، جلوه بلوغ سیاسی بود

## مردم مشخص تاریخی

تظاهرات گسترده‌ی روز چهاردهم مرداد در سراسر ایران، ازدوسو، یکی در راستای شکل‌گیری مبارزه مردم با فاشیسم مذهبی حاکم و دیگر در زمینه‌های اعتماد محدودی که آن‌ها به "نظام مشروطیت" پایمال شده خود دادند مفاهیم، و در عین حال، "مسائل تازه‌ای" را مطرح کرده است.

## نهضت

پنجشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۶۲ شماره ۴۷

از تظاهرات شکوهمند مردم ایران چه می‌آموزیم؟

تظاهرات آرام و شکوهمند چهاردهم مرداد ما، مردم تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران، سرفصل تازه‌ای را در مبارزات ملی میهن‌ما می‌گشاید.

## ایران نیوز

شماره ۲۱۵  
تیرماه ۱۳۶۲

استقرار مجدد سلطنت در ایران امکان پذیر است  
۲ میلیون نفر در تهران بطرفداری از سلطنت تظاهر کردند

## سال چهارم: حرف اول

شاین‌ناهی

اولین بار در ایران نخست‌فعالیت‌های پراکنده از نسوع بخش عکس‌ها و علامه و شاعر نویسی و سپس تظاهرات موضعی و سرانجام واقعه تاریخی تظاهرات ۱۴ مرداد ۱۳۶۲ به وقوع پیوست.

اکنون ما واردان مرحله‌ی امیدبخش مبارزه که همگان سالهاست در انتظارش روزنشاری می‌کنیم شده‌ایم - مرحله‌ای که مبارزات درون و بیرون مرزی با یکدیگر ارتباط ارگانیک برقرار می‌کنند. یکی بسر روی دیگری تاثیر مستقیم و تشدید کننده می‌گذارد و آنقدر این داد و ستد عاطفی همانند موج صوتی موسیقی در هم می‌آمیزد و آواج می‌گیرد که سرانجام دیوارهای سیاه اموات ناهنجار رژیم آدم‌خوار را نخست تحت شعاع قرار داده و آنگاه خواهد شکست و ملت ایران را آزاد خواهد ساخت.

ایران و جهان  
شهریور ۱۳۶۲  
از دوشنبه ۱۱ تا دوشنبه ۲۱

ولیا م بومن  
شاه جوان  
برای ایران؟

موفقیت پادشاهی مشروطه، محتمل است.

مقاله ربر که مظلوم بروفور و لیام بومن، استاد مردم‌شناسی دانشگاه براون آمریکا و آرا ایران نشان می‌دهد، گنایته شده، در تاریخ ۱۶ ماه اوت در جندیس روزنامه معاصر از قسبل - لوس آنجلس تا سمر، سوسون کلوب، میلاد لکسا



# چشم بندی...!

برای اینکه "چشم بندی" ۱۴ مرداد، حسن ختامی! هم داشته باشد و در ضمن حضرات نشان بدهند که در کار خود کاملا جدی هستند و به اربابان هم نشان بدهند که به این سادگی ها حاضر نیستند دست از سر ملت "شاه و شهنشاه" زده بردارند، پیام هائی نیز در پایان ماجرای "۱۴ مرداد"، خطاب "بر دل های گرم و قدم های استوار" فرستادند و به آنها اطمینان دادند که چشم و گوش جهان متوجه ایران است و بالاخره "محافل آزادیخواه دنیا" "منوجه حرکتی شدند".

"امینی هموطنان عزیز" را "از درگیری های بی ثمر به اعمال وحشی حکومت" برحذر دانست، پهلوی نیز به "هم میهنان" گفت که "از تلف کردن نیرو و جان های خود در درگیری های بی نتیجه بپرهیزند" و بختیار هم مطابق معمول سنگ تمام را گذاشت که: "ما نباید شما را همانند گروهی تروریست و خودخواه به دیار نیستی بفرستیم و این عمل را پشتوانه شهرت سیاسی خود در خارج از مرزهای کشور بسازیم!"

ملاحظه می شود که همه چیز خوب پیش رفته است یعنی "بیان نامه" صادر، پیام ها رد و بدل و "تمام مراکز خبری دنیا" وارد معرکه شدند تا بالاخره ماجرای "۱۴ مرداد" بوجود آمد و بدنیال این ماجرا نیز نشریه "ایران آزاد" "یک خبر بسیار موق" را نقل می کند که عینا ملاحظه می کنید:

از آنجائی که جماعت (شاه و خمینی) یعنی ضدانقلاب غالب و مغلوب در طعمکاری و انحصارطلبی هیچ حد و مرزی نمی شناسند و بسادگی سر همگانه های خود نیز کلاه می گذارند و مطابق سنت ماضیهی خود در این ماجرا کار را به آنجا

رسانده اند که حتی در تقسیم گوشت شکار ناشده نیز رعایت حق! و حقوق! همدیگر را نکردند و در حالیکه هیچ اتفاق غیرعادی و غیر معمول در تهران نیافتاده بود و تنها براساس یک ترفند مضحک که به موجب آن

شنبه ۱۹ شهریور ماه ۱۳۶۲  
شماره ۱۶۱  
۲۵۴۲ شاهنشاهی  
(۱۳۶۲ شمسی)

## ایران آزاد

یک خبر بسیار موق از واشنگتن  
گویای آنست که چند روز پیش اعضاء بخش مربوط به "ایران" در وزارت امور خارجه ایالات متحده، به طور ناگهانی "پاک سازی" شده و با کادر تازه ای جانشین شده اند.  
یک خانم دیپلمات امریکائی نیز به ریاست این بخش محسوب شده است. گرچه هنوز علت این امر و پیامدهای آن آشکار نیست، گفته می شود هدف از این تغییر و تبدیل، کوتاه کردن عمال حزب دمکرات و پس مانده های حکومت کارتر بوده است که هنوز در این بخش به کار (یا بهتر بگوئیم به کار رکنی) مشغول بوده اند. میز "ایران" در وزارت امور خارجه ایالات متحده امریکائی یکی از کانونهای اصلی طرح ریزی و اجرای توطئه بر ضد شاهنشاهی ایران و نظام شاهنشاهی، یکی از مهمترین حامیان خمینی و انقلاب اسلامی بود. رئیس این بخش "هنری برشت" از دشمنان شناخته شده ایران و ایرانی به حساب می آمد. برکناری و تعویض بقایای عمال حزب دمکرات را از بخش ایران "استیبت دیبا رتمنت" به "بعضی ها" تسلیم می گوئیم!

گویا "۲ میلیون نفر"!! در تهران به خیابانها ریخته بودند، هرکسی سعی کرد که "تظاهرات آرام" را بنام خود ثبت برساند. البته در این میان آقای بختیار اشتباهی بیشتری نسبت به دیگران نشان داد، ملاحظه کنید:

شماره ۹۴  
شنبه بیست و دوم مرداد ماه ۱۳۶۲  
سیزدهم اوت ۱۹۸۳

## پاسخ

گزارشی از تهران

روز ۱۴ مرداد خمینی و عوامل حکومت اسلام، از مردم به چشم آمده ایران، تودهنسی خوردند، بوزه آخوندهای رمال، بخاک مالیده شد، پست امامت، خمیده تر شدند، هیئت دولت اسلام، از وحشت جلسه قوری و اضطراری تشکیل داد. رژیم سرگیجه گرفت.

روزها و قاحت. اینها منافق نیستند، اکثریت! خاموش هستند که دیگر خاموش نخواهند بود. مردمی هستند که اندیشه هایشان، با اندیشه های ملی گرایانه، ناپسور بختیار، پیوند دارد امروز به تقاضای او از خانه خارج

گفتم: راست که میگویند بختیار از مردم خواسته به خیابانها بیاید. گفتم: نمیدانم، مثل این که گفتم: مثل اینکه مردم دعوت را لبیک گفته اند؟

در اصفهان نیز وضعیت مشابه بود. مردم با حرکت شجاعانه شان، نشان دادند که ایران، هرگز نخواهد مرد...

نشریه "اصغرآقا" در شماره ۱۷۳ خود مقاله ای تحت عنوان "ناگهان تابستان گذشته!" منتشر کرده است از آنجائی که این مقاله حاوی آمار و اطلاعات جدیدی در مورد بعضی روابط "مطبوعاتی" و ایضا روابط دیگری می باشد که دانستن آنها برای خوانندگان "مجاهد" خالی از فایده نیست عینا در همین جا نقل می شود:

هفته نامه

## اصغرآقا

شنبه ۹ مهر ماه ۱۳۶۲  
سال پنجم - شماره ۱۷۳  
صفحه ۷

### ناگهان تابستان گذشته!

#### بخش خصوصی

نمایندگان توزیع و فروش اصغرآقا در کشورهای مختلف، بابت محبت ها و همکاری هایشان، گذشته از حساب و کتاب های مالی، در اصغرآقا، حق آب و گل دارند. ما در این چهار پنج ساله، از همکاری های صمیمانه خانم پری سکندری (پاریس) و آقایان منصور سپهری (کالیفرنیا) شیراز (نیویورک) دکتر بهنام (المان) و فریدون اعظم زنگنه (سوئیس) به استمرار یا ثواب، برخوردار بودیم و از محبت هایشان بسیار بهره مند. در سایر شهرها و کشورها نیز، همکاران و نمایندگان داریم که به ملاحظاتی، اکنون از ذکر نام آنان می گذریم. (یکی از ملاحظات اینست، بعضی از مطبوعات دیگر، مزاحم کارشان میشوند که «بیا مال ما را هم توزیع کن»، در حالیکه این نمایندگان اگر علاقمند باشند، خودشان با آن مطبوعات تماس می گیرند، چنانکه در مورد اصغرآقا، داوطلب شده اند)

این دوستان نماینده، که بیشتر به لحاظ علاقه و کمتر به خاطر صنایع، بابت توزیع و فروش هفتگی اصغرآقا را تقبل کرده اند، امروز از بد حادثه در دیار غربت به «کار بگل» مشغولند و الا هر کدامشان در وطن اشتغال شده، از موقعیت های خوبی برخوردار بوده اند. مثلا "ابن خانم سکندری از روزنامه نویسان و قلمزنان فعال و موفق کشورمان بوده است و این روزها هم، از طریق همین فعالیت های مطبوعاتی، از قلمزنی گرفته تا انتشار نشریه تبلیغاتی و توزیع مطبوعات و ترجمه کتاب، زندگی خود و احتمالا "فرزندانش" را در پاریس اداره میکند و حال هفته نامه "جبهه" ارگان میلیون ایران!! چاپ لندن، رسا" از خانم سکندری، به عنوان یک نماینده بد حساب، نام می برد، وظیفه خود می دانیم که از این همکارانه چندان بی دفاع خود، مختصر دفاعی کرده باشیم، تا اینان که با داشتن یک دستگاه ماشین تحریر فارسی، روزنامه نویسی شده اند، به این راحتی نتوانند با آبرو و حیثیت افراد، بازی کنند.

هفته نامه جبهه، نوشته است که خانم سکندری، بابت یکسال فروش جبهه در پاریس، فقط ۴۷ پوند برای ما فرستاده! خانم سکندری برای اصغرآقا توضیح دادند که آقا! چند بار به این آقای انوری گفتیم نفرستید، کسی نمیخورد، باز هم فرستاد. گفتم اقلا هفته ای ۳۰ نسخه را نصف کنید، پانزده نسخه بفرستید، خانه من که انبار روزنامه های شما نیست، باز هم زیر بار نرفت، در حالیکه مجموعا "در پاریس ۵ نسخه هم فروش نمی رفت!

حالا ببینیم خانم سکندری راست میگوید یا دروغ! قدر مسلم روزنامه ای که قسمت اعظم تیراژش را مجانی پست میکند، طبیعتا "دیگر کسی رغبت نمیکند پول بدهد و آنرا بخرد. تازه در آن صورت هم، نشریه ای که بکروز می نویسد (ملت ایران، منتظر شاهزادامایست که سوار بر اسب بیاید و نجاتش بدهد) و روز دیگر به

رضا پهلوی فحش میدهد، نمی تواند خریدار داشته باشد. روزگار این دو دوره بازی کردن ها، برای مردم ایران، سر آمده است. بکروز مجبیر صدام حسین را گفتن و روز دیگر به او فحش دادن و هنوز هم چشم به کسیه فتوت آخوندهای اصفهانی دوختن و برایشان مطلب نوشتن، خواننده های برای یک نشریه باقی نمی گذارد، حتی اگر مجانی بفرستند.

جالب است بدانید که این «جبهه» بعد از قریب به دو سال انتشار، تازه در شماره ۲۰ اوت خود با تیر درشت در صفحه اول اعلام کرده است که (با اپوزیسیون خارج از کشور، هیچگونه ارتباطی نداریم!) واقعا "ببینید توی این دو سال، چقدر اینها مرارت کشیده اند تا به این نتیجه رسیده اند! یعنی بعد از اینکه موفق شدند شاهزاده رضا را با اسب برای نجات ایران بیاورند (ظاهرا) رضا پهلوی حاضر نشد پول خرید اسب را بدهد!) و بعد از اینکه از قول آقای حسن نریز نامه جعل کردند و برای این و آن فرستادند که اخاذی کنند (و آقای نریز بلافاصله توسط اصغرآقا، این عمل را تقبیح کرد) و بعد از یک سلسله بازی های دیگر (ناگهان تابستان گذشته) در ۲۰ اوت ۸۳، بعد از دو سال، کاشف بعمل آمد و مشخص شد که روزنامه جبهه با اپوزیسیون خارج از کشور هیچگونه ارتباطی ندارد! (لایه روی لایه و لجن بازی با آنهاست که حاضر نشدند مثل دو سال گذشته، باج به شمال بدهند)

حالا، انصافا، خانم پری سکندری، همکار عزیز ما، با چه تمهیدی باید هفته ای ۳۰ نسخه از چنین نشریه ای در پاریس، (به ایرانیانی که از نزدیک شاهد خیلی چیزها بودند) بفرستد و چند ماه و چند سال باید بفرستد تا بتواند معادل پول یک لول تریاک را به لندن حواله کند که روزنامه جبهه با حیثیت او بازی نکند؟ ظاهرا، مشکل خانم سکندری که امروز مرد و مردانه با مشکلات زندگی در غربت می جنگد، اینست که مثل بعضی از آقایان، در کار مطبوعاتی، راه دلالتی و اخاذی و دو دوره بازی و کلاشی را نپایمخته است و به جعل امضای نریز و مونتاز عکس مصدق و نقل کردن اسب رضا پهلوی، وارد نیست.

در پایان مطلب "چشم بندی"، بسیار بجا دیدیم "آهنگر" کلیشه ناثیم. که نمایشنامه ای "بازگشت" (در صفحه مقابل)



چاپ لندن

U.K. 50p. USA \$1.50 FRANCE 84 CANADA \$1.25 AUSTRIA 20 Sch Germany 2.50 DM

۱۶ صفحه

۵۰ پنیس

# آهنگر

## در تبعید

# AHANGAR

No. 33(49), September 9, 1983

دوره دوم - سال سوم - شماره ۳۳ (۴۹)  
جمعه ۱۸ شهریورماه ۱۳۶۲

### پرده اول

صحنه: حرمسرای مظفردین شاه قاجار. مظفردین شاه بر تختی دراز کشیده و گاه نگاه ناله‌های ملوگانه می‌فرماید. زنان حرم در اطراف او هستند. بعضی لوند و می‌کنند و برخی برعکس، غشوه می‌فرشند اما همگی چاق و چله و برخلاف آنچه که در بیرون و در میان مردم شهرت دارد که تن‌پروند و بیگانه... با جدیت تمام مشغول انجام وظایف خطیر تاریخی خود هستند. یکی پای شاه را می‌مالد، یکی شاه را باد می‌زند، یکی سرهای پونی را می‌جوید و یکی وافور مطلق را به دهان ظل‌اللهی گرفته است. در پای تخت، سردار اسعد بختیاری، چمباتمه زده است و با سعی فراوانی که فقط شاه متوجه آن نمی‌شود، می‌خواهد آغوره بگیرد.



## بازگشت مشروطیت

نمایشنامه در دو پرده نوشته برتوله برشته

سردار اسعد - (به خاک می‌افتد) فریاد صراخ کربخه است اما خاروکن سر را معای مشروطه را می‌داند. مظفردین شاه - جان یکی، رودر. سردار اسعد - مشروطه آن چیزی است که در اول پادشاهی در آن مملکت از مردم غصب شده و شاهان همه آن را در دربار خود پنهان کرده اند تا از دسرس مردم دور بمانند. مظفردین شاه - (چیزی را زیر تشکش لمس میکند) غلط کرده‌اند. دودیمه ای را که شاهان ایران بدر به سر و سلسله به سلسله حفظ و اصفه کرده‌اند. سرم را هم دهم تحویل این مردم بی‌سرویا بخواهم داد. (صدای مردم شدت یافته و صدای تشکستن در و پنجره می‌آید.) مظفردین شاه - بدروخته‌ها دارند می‌آیند.

با خوشحالی به طرف پنجره می‌رود) مظفردین شاه - (رو به زنان حرم) شما شاهد اسعد که ما مظفردین شاه قاجار، مشروطه را دادیم و این بدروخته سردار اسعد بختیاری مشروطه را گرفت تا تحویل تخم و برکه ما بدهد. (سردار اسعد از پنجره فرار میکند. صدای مردم دیگر به پشت در حرم سرا رسیده است.) برده بسته می‌نود

### پرده دوم

صحنه: سالن سخنرانی در پارلیمن. علی‌اچیتی و شاپور بختیار، بر صحنه نشسته‌اند. ایرج بزنگراد، محرر دربار بختیار و مهتید امیرشاهی، سوگلی حرم شاه‌های بختیار را می‌مالند و یادش می‌زنند. اسلام کاظمی و بری سکندری نقشیهای مشابه را در رابطه با علی‌امینی بازی می‌کنند. آن دونفر روی سینه و پشت لباسشان نوشته شده "بختیار" و این دونفر "امینی". صحنه بی‌شاهت به صحنه: یک دقیقه استراحت دو بکسور که گچ‌ها شاه‌های بکسورها را می‌مالند و آب در دهانشان می‌کنند نیست. میر فندرسکی سوت می‌زند و بازی شروع می‌شود. امینی - جناب حصار، آیا شما معرفی هستید که تخم و برکه، سردار اسعد بختیاری هستید؟ بختیار - اعراف می‌کنم. دسته‌کچ‌امینی - بختیار، بختیار، سوگری اختیار. دسته‌کچ‌بختیار - امینی، امینی، سوگری

جو سبازمینی. (میرفندرسکی سوت می‌زند و آنها را دعوت به سکوت می‌کند.) امینی - معترف هستید که منم تخم و برکه، مظفردین شاه هستم؟ بختیار - اعتراف می‌کنم. دسته‌کچ‌امینی - بختیار! بختیار! سوگری بگه‌دار! دسته‌کچ‌بختیار - امینی! امینی! الهی خیر ببینی! (سوت میرفندرسکی. سکوت ادامه گفتگو.) امینی - من در اینجا افتخار می‌کنم به شما که حد شما مشروطه را گرفت. بختیار - و من افتخار می‌کنم به شما که حد شما مشروطه را داد. امینی - و نگذاشت به دست یک عده مردم بی‌سرویا بفتند. و حد شما مسئولیت تحویل آنرا به تخم و برکه، مظفردین شاه به عهده گرفت. بختیار - متشکرم. مشروطه هرگز نخواهد مرد. امینی - ولی بفرمائید کجاست؟ بختیار - جی کجاست؟ امینی - مشروطه. بختیار - کدام مشروطه؟ امینی - همان که پدر بزرگ من داد. بختیار - و پدر بزرگ من گرفت؟ امینی - بله. بختیار - ارسال شده بود خدمت خودتان. امینی - دروغ است. بختیار - تو همین؟ دسته‌کچ‌بختیار - امینی، امینی، سوگری جو سبازمینی. دسته‌کچ‌امینی - بختیار، بختیار، سوگری اختیار. (سوت میرفندرسکی. سکوت ادامه مشاجره.) بختیار - مشروطه، جناب‌عالی بوسله، کسرسیم خدمتتان ارسال شد. امینی - آن مشروطه، خود بسته بود و ربطی به مشروطه، حد بررگوار هم‌اوست نداشت. بختیار - این مشروطه‌ای هم که من فعلا دارم، تا که من و عرق حسین از صدام حسین گرفته‌ام و ربطی به مشروطه‌ای که حد بررگوار تحویل گرفت ندارد. امینی - بی‌سعی بفرمائید مشروطه، همان بزرگی، این وسط، بین حد شما و حد بسته‌آب بسته و رفته به رستم، مگر با چه طرفید؟ (ناگهان نیم پهلوی با یک کیف ماسونایت وارد میشود. همه، چشمها بد طرف او برمیگردد و برق نادان از آنها تنق می‌زند.) امینی - سیم بچه‌جون، اور کیف‌جبهه سبازمینی؟ نیم پهلوی - (خودش را لوس می‌کند) تو سیم، معدم. سو با ما جون آریا سیم نیم داده. بختیار - بازگاله سر خوب، به عمو بده سیم توش جبهه. نیم پهلوی - سو که عمو من نیستی. خودم سهارتا عمو دارم که تازه به او باهم معدم. هر دو دسته‌امینی و بختیار - نیم پهلوی حسرتیه - دچار بی ملتیه. نیم پهلوی - (می‌زند زیر گریه) ما مان، ما مان، من ما مانو می‌خواوم. (میرفندرسکی سوت می‌زند. سکوت.)

اصمی و بختیار از سر جاهیشان بلند می‌شوند و می‌روند سراج نیم پهلوی. انگشایش را با بونشان پاک می‌کنند و دستی به سر و رویشان می‌کشند. اصمی - (با راحت سو خه جون اصمی بی‌خسند با سیم خودم بخسار - (از حیثیت یک آن سات در می‌آورد و می‌دهد دست سیم پهلوی) بازگاله سر خوب من خودم سبازمینی (کیف ماسونایت را از دست نیم پهلوی می‌گیرد و می‌رود سراج اولش. نیم پهلوی مسئول لیسیدن آن سات می‌شود) اصمی - اگر با دستان ما دستا جمن دو نیمه سیم اعتراف کردید که بسته خود به برکه، عدل مظفر هم بخسار - ولی اگر اصراف داده‌اسند فرار بد آن سیم مشروطه (چشمک می‌زند) دست بدست به سلاله شاهان تحویل داده بود. سیم پهلوی - به من... به من... اصمی - سو حرف برن جی ترجمه سیم پهلوی - جسم بخسار - من به شاه سبازمینی سیم پهلوی - به من... به من... بختیار - سو حرف برن جبه سیم پهلوی - جسم گروه اصمی - احاد... احاد... محدس رنده باد. گروه بختیار - احاد... احاد... محدس رنده باد. سیم پهلوی - آسان... آسان... بزنگراد - سبهاد... سبهاد... امیرشاهی - رنده باد، رنده باد. اسلام کاظمی - مشروطه رو سب کس، کار همه رو راحت کس. سکندری - سب کس، راحت کس. بزنگراد - سب کس، یک سب کس. اسلام کاظمی - سلام رانم به سان... ترانسکو صادر کنید. امینی - به ارواح پدر بزرگ شاه تاهاهم به همه مرسد. مشروطه به اداره همه باید در آن حقه ناند. بختیار - جناب امینی، بسته عس مشروطه را مدهم خدمتان که با دست مارک خودتان بار بفرمائید و این امانت تاریخی را هم تحویل گرفته باشد که باز سر فردا از من مطالبه بفرمائید. (کیف ماسونایت را به امینی می‌دهد و او با مراسم خاصی آنرا باز می‌کند. در این هنگام از مخلوطی از سرود ملی آمریکا و انگلیس برای مهیج کردن صحنه استفاده میشود. مقدار زیادی دلار و پوند از کیف خارج میشود و بین حضار پخش می‌کنند.) سیم پهلوی - به من... به من... امینی - با ما یک چیزی بدهید دست آن بچه و خفته‌اش کنید. (مهتید امیرشاهی می‌آید و یک تاج کاغذی رنگ و وارنگ می‌گذارد سر نیم‌پهلوی و صدایش را قطع می‌کند.) گروه امینی و بختیار - دودیم و دودیم به مشروطه رسیدیم - عقب میریم، جلو میریم - بهمان فرانسسکو میریم. امینی و بختیار - خدا را شکر که مشروطه به دست مستحقین رسید. برده بسته میشود



## پاسخ به نامه‌های رسیده

بقیه از صفحه‌ی آخر

ندارکات مورد نیاز، زمان و مکان مناسب، پیش‌بینی‌های لازم از قبیل طرح عقب‌نشینی و دیگر آمادگی‌های مورد نیاز را باید در نظر گرفت و فراهم کرد و برای هر یک از این قسمت‌ها برنامه‌ریزی ریزتری نمود.

در این زمینه، به چند شیوه مختصراً اشاره می‌کنیم و از هسته‌های مقاومت سراسری می‌خواهیم که علاوه بر بکار گرفتن این شیوه‌ها، تجربیات جدید خود را برای ما نوشته و ارسال دارند. طبیعی است که همانطور که بارها اشاره کرده‌ایم، هیچیک از خواهران و برادران مبارز ما نباید از کشف و بکار گرفتن تاکتیک‌های جدید غفلت ورزند. به عبارت دیگر نباید دست خود را در چارچوب محدودی که می‌شناسند ببندند. خواهران و برادران مبارز بخوبی آگاه هستند که امکانات وسیع و بالقوه‌ای که در بین توده‌ها وجود دارد می‌تواند بنحو بسیار موثری، بسیاری از مشکلات و پیچیدگی‌های مربوطه را حل نماید. بنابراین در این مسئله نیز همانند بسیاری از کارهای دیگر مبارزاتی باید توجه اساسی خود را به مردم معطوف نمود و با کمک و الهام گرفتن از آنها وظایف انقلابی خویش را انجام داد.

ساده‌ترین نوع پخش، "پخش فردی" است. به این صورت که اعلامیه یا هرگونه تراکتی را که خودمان تکثیر کرده‌ایم، شخصاً و مستقیماً به افراد مبارزی که می‌شناسیم می‌دهیم و از آنها نیز می‌خواهیم که پس از استفاده، همین کار را انجام دهند. این شیوه هر چند می‌تواند تا حدودی موثر بوده و قسمتی از کار پخش را انجام دهد، اما به دلیل اینکه هر فرد جبراً با تعداد معین و محدودی از افراد دیگر ارتباط دارد و گذشته از آن ارتباطات فردی گسترده، مسائل و مشکلات امنیتی ویژه‌ی خود را دارد، لذا این شیوه، اگر چه اساساً منتفی نیست، اما چندان هم کارآئی ندارد.

شیوه‌ی دیگر پخش، "پخش اجتماعی" است. در این شیوه اولاً اعلامیه و ... به تعداد زیادتری پخش می‌گردد و ثانیاً فرد عمل‌کننده شناخته نمی‌شود. هسته‌های مقاومت باید در عین

اینکه از شیوه‌ی "پخش فردی" استفاده می‌کنند، توجه خود را بیشتر معطوف به شیوه‌هایی کنند که بارآوری اجتماعی بیشتری دارد. مثلاً پخش یک اعلامیه در ساعتی که کلیه‌ی دانش‌آموزان یک مدرسه یا کارگران یک کارخانه در مدرسه و کارخانه‌ی مزبور حضور دارند، به میزان کیفی متفاوتی راندمان پخش را بالا می‌برد.

یکی دیگر از شیوه‌های پخش، چسباندن اعلامیه یا تراکت یا عکس در مجامع و معابر عمومی است. در این شیوه، کلیه‌ی افرادی که از آن محل عبور می‌کنند، در جریان عمل تبلیغی ما قرار می‌گیرند. بنابراین می‌توانیم با شناسائی چنین مکان‌هایی، در زمان مناسب، یک یا چند عدد اعلامیه و یا تراکت خود را در محل مناسبی بچسبانیم، بدون آنکه شناخته شویم. اتوبوس‌های مسافری، مدارس، دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها، محل‌هایی که صف‌های طویل ارزاق تشکیل می‌شود، تلفن‌های همگانی، ادارات و شرکت‌های عمومی، سینماها و ... از این قبیل مکان‌ها هستند که هر یک به فراخور کار تبلیغی خاص ما می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. خواهران و برادرانی که دارای تجربه و امکانات بیشتری هستند، می‌توانند پلاکاردهای بزرگ‌تری درست کرده و در معابر عمومی نصب کنند (مثلاً آویزان کردن از پل‌ها در سطح شهر). می‌توان در مراسم و اجتماعات ویژه‌ای که توده‌های مردم جمع هستند (نظیر مسابقات ورزشی) از شیوه‌های دیگری استفاده کرد. در اینجا باز هم تأکید می‌کنیم که هسته‌های مقاومت سراسری باید بیشتر به ابتکار و نوآوری انقلابی خویش تکیه کنند و سعی نمایند با کشف راهها و شیوه‌های جدید، در مسیر ارتقاء کیفیت فعالیت‌های تبلیغی خویش گام‌های موثرتری بردارند. در اینجا بد نیست به ذکر دو نمونه از پخش اعلامیه که به ابتکار خواهران و برادرانمان عملی شده است اشاره کنیم:

نمونه‌ی اول: گذاشتن اعلامیه در روی سقف کامیون‌های شهرداری و اتوبوس‌ها، برای جلوگیری از پراکندگی زودرس اعلامیه‌ها می‌توان

سنگ کوچکی روی آنها گذاشت. همراه با حرکت کامیون یا اتوبوس، سنگ به کناری می‌رود و اعلامیه‌ها به تدریج در هوا پخش می‌گردد.

نمونه‌ی دوم: استفاده از تله‌موش. بادستکاری مختصری در فنر تله‌موش - که نیرو و کشش فنر را بیشتر کند - فنر را بوسیله‌ی نخ بسته و اعلامیه‌ها را روی آن قرار می‌دهیم و بعد سیگاری روشن کرده و به نخ می‌بندیم و سپس تله‌موش را همراه با اعلامیه‌ها در یک بلندی قرار می‌دهیم. وقتی سیگار به نخ برسد موجب پاره شدن آن و رها شدن فنر و سرانجام پرتاب اعلامیه‌ها می‌گردد.

در این دو نمونه مشاهده می‌شود که با امکاناتی بسیار ساده، کار پخش انجام شده است. بنابراین با دقت و توجه به محیط اطرافمان و امکاناتی که در اختیار داریم، می‌توانیم از وسائل دیگری نیز استفاده کنیم که تاکنون به نظرمان نرسیده است.

شیوه‌ی رایج و عملی دیگر، ارسال اعلامیه‌ها و ... توسط پست است. توجه داشته باشید که در این شیوه اعلامیه‌ها لزوماً نباید برای افرادی که می‌شناسید، پست شوند. بلکه با شناسائی یک کوچه یا منطقه یا محله می‌توانید برای افراد آنجا اعلامیه‌های خود را پست کنید. البته باید توجه داشته باشید که چنانچه یکباره بار پستی یک منطقه بالا برود، احتمال حساس شدن مزدوران رژیم و لو رفتن مسئله بیشتر می‌گردد. بنابراین سعی کنید با حساب‌شده‌ی بیشتری این کار را انجام دهید.

\* \* \*  
\* پیام زیر را برادران مرتضی که مدتی قبل به کردستان آمده، برای سایر هم‌زمانش ارسال داشته است: "برادران مجاهد علی‌حیدری، کاظمی و سعید - الف!"  
با درودهای توحیدی و انقلابی شهادت برادر مجاهدان مجید فرزانه‌سا (اکبر) را تبریک و تسلیت می‌گویم. از طریق شماره تلفن (۰۵۴۴۱-۲۰۳۱۰۸۸) اقدام به برقراری ارتباط مجدد نموده و سعی کنید به هر طریقی که صلاح می‌دانید آدرس یا شماره تلفن خود را برای ما ارسال نمایید.

\* تهران - خواهر نادره‌ی عظیمی، تا بحال ۲ نامه از شما بدست ما رسیده است. جهت برطرف شدن ابهاماتی که در دوران قطع با آن مواجه شده‌اید، از این پس مستمراً به رادیو مجاهد گوش کنید.

مطالعه‌ی جزوه‌ی "جمع‌بندی" یکساله‌ی مقاومت مسلحانه" نیز در این زمینه بسیار مفید است. سندی را که ضمیمه‌ی نامه‌تان فرستاده بودید رسید. منتها از آنجا که تاریخ سند متعلق به سال‌های قبل است، استفاده از آن را باید در موقع مناسب انجام داد. سعی کنید با توجه به امکاناتی که در اختیار دارید اسناد بیشتری، خصوصاً از نوع سند فوق‌الذکر برایمان بفرستید.

\* خواهر فاطمه (C.H.M)، نامه‌ی مورخ ۶۲/۶/۱۷ دریافت شد. با همان شیوه‌ای که نامه را نوشته و برای ما فرستاده بودید، گزارشی از وضعیت خودتان برایمان بنویسید. سعی کنید که در نامه‌های جداگانه آدرستان را نیز برای ما بفرستید. از طریق یکی از شماره تلفن‌های نشریه‌ی مجاهد با ما تماس بگیرید. منتظر تلفن شما هستیم.

\* هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "امیر جوان"، گزارش شماره‌ی ۴ شما رسید. گزارش کار هسته و پیشنهاداتتان در زمینه‌ی برنامه‌های رادیو مجاهد خوب بود. بهتر است که در نوشتن گزارش فعالیت‌تان بطور ریزتر و دقیق‌تر و بصورت آماری بنویسید. در نامه‌ی آینده‌ی خود ضمن شرح فعالیت‌هایتان در زمینه‌های مختلف نظامی، تبلیغاتی و ... به جنس کاغذی که گزارش را در آن می‌نویسید نیز توجه کنید. چنانچه با افزایش حجم پاکت نامه مواجه شدید، گزارش کارتان را در دو نامه‌ی جداگانه بنویسید.

\* برادر "محمد" یا "تقی"، گزارشات شما که حاوی اخباری در مورد مقاومت‌های مردمی بود رسید. همچنین گزارشی را که درباره‌ی شهادت حماسه‌ای مجاهد شهید علی‌گرمه‌ای نوشته بودید، خوب بود. سعی کنید ضمن رابطه‌ی فعال‌تری که با ما برقرار می‌کنید، ما را هر چه بیشتر در جریان وضعیت فعالیت‌های خود و دوستانتان قرار دهید. منتظر اخبار و گزارشات بعدی شما هستیم.

\* هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "جعفر حیدری" در نامه‌ی مورخ ۶۲/۷/۹ گزارش فعالیت هسته‌ی خود را نوشته‌اند. در این گزارش به چگونگی تشکیل هسته‌ی مقاومت و تهیه‌ی یک خبرنگار هفتگی، ضبط و پیاده نمودن برخی از سرمقالات و پیام‌ها و اطلاعیه‌ها، ضبط و پخش پیام‌های برادر مجاهد مسعود رجوی، تهیه‌ی یک

دستگاه تکثیر دستی اشاره شده است. از خواهران و برادران عضو این هسته‌ی مقاومت می‌خواهیم که هر چه سریعتر رد خود را از طریق نامه به ما برسانند. برای سهولت کار و گرفتن رهنمودهای لازم با شماره تلفن‌های اعلام شده در نشریه تماس بگیرید.

\* برادر "سروش زنده‌دل" دو نامه‌ی شما که ضمن آنها سابقه‌ی آشنائی و فعالیت‌های خود را نوشته بودید، رسید. برادر عزیز توصیه می‌کنیم ضمن رعایت مسائل امنیتی به فعالیت‌های خود در جهت شناسائی و افشای مزدوران و جاسوسان رژیم خمینی ادامه داده و سعی کنید با ما از طرق اعلام شده، ارتباط فعال‌تری برقرار نمایید.

\* خواهر "طلیعه - ه" گزارش مورخ ۶۲/۶/۳۱ شما راجع به رفتار مزدوران خمینی با دوستان رسید. اخبار و گزارشات بعدی خود را در کلیه‌ی زمینه‌ها برایمان ارسال دارید. در صورت امکان از طریق تلفن‌های اعلام شده با ما تماس بگیرید.

\* برادران "حسن بوش از سراغه و حسین شماره‌ی ۰/۱۵۹۰۲" نامه‌های شما رسید. اخباری را که بدست می‌آورید سریعاً برای ما ارسال داشته، رابطه‌ی فعال‌تری با ما داشته باشید. \* خواهر "سهیلا ۱-۶-۸"، گزارش شما درباره‌ی وضعیت هسته‌تان و همچنین گزارشی که از وضع زندان دیزل‌آباد کرمانشاه نوشته بودید دریافت شد. سعی کنید رابطه‌ی مستقیم خودتان را با ما برقرار کنید.

\* خواهر پوینده و خواهر اشرف، نامه‌ی مورخ ۶۲/۶/۱۶ شما که در آن گوشه‌هایی از مقاومت مردم علیه پاسداران مزدور خمینی را شرح داده بودید، رسید. ضمن رعایت مسائل امنیتی رابطه‌ی خود را با دیگر خواهران و برادران فعال نموده و با ما نیز تماس بگیرید. منتظر اخبار و گزارشات دیگر شما هستیم.

\* خواهر آزاده از رشت، نامه‌ی شما به همراه شعر و گزارشی از زندگی مجاهد شهید "فرهاد کمائی" رسید. از هر طریقی که می‌توانید رابطه‌ی خود را با ما فعال‌تر نمایید. \* برادر "ح.م"، دو نامه‌ی ارسالی شما که حاوی اخبار و وضعیت خودتان و نیز پیشنهادات شما بود رسید. منتظر نامه‌ها و گزارشات دیگر



نگاهی به نوشته‌ها و گفته‌ها

توطئه چینی خائنه خمینی بر علیه انقلاب فلسطین

بقیه از صفحه‌ی آخر

تلویحا گفت که مردم فلسطین اسلام و ایمان‌شان خوب است ولی کسانی که بنام آنها سخن می‌گویند انحراف دارند! البته از خمینی که با دستاویز قرار دادن نام "اسلام" رویای احیای یک امپراطوری نظیر خلافت عثمانی را در سر می‌پروراند، و بر آنست تا تمام مسلمانان جهان از اندونزی تا بحرین و از عراق تا افغانستان را بر زیر فرمان خود درآورد، هیچ تعجبی ندارد که برای تحت قیمومیت درآوردن مردم آواره و بی‌پناه فلسطین نیز چنین خواب‌هایی را ببیند. به همین دلیل او از آنجائی که بزرگترین مانع سر راه عملی ساختن این آرزو را وجود سازمان آزادیبخش فلسطین می‌بیند، توطئه‌چینی مستمر علیه آن را در دستور قرار داده و در مسیر پیشبرد این سیاست خائنه و ضدانقلابی هر روز برچسب و اتهام بیشترانه‌ی جدیدی را بر رهبری سازمان‌های مترقی و مردمی فلسطین نثار می‌کند.

اینها همه در حالی است که بهای ماجراجویی‌ها و سیاست‌های جنگ‌افروزان‌ی خمینی را در سطح منطقه نیز، قبل از هر گس مردم فلسطین پرداخته‌اند و هنوز هم دارند می‌پردازند. در رابطه با اهمیت این موضوع گافیت خاطر نشان نمائیم که خمینی با سیاست‌های منطقه‌ای ارتجاعی خود تا آنجا زمینه را برای بروز و رشد سیاست‌های ضد فلسطینی فراهم ساخته است که امروز دولت سوریه امکان می‌یابد رسماً شرط تغییر موضع خود را در قبال جنگ ایران و عراق، "موافقت کشورهای عربی با تغییر رهبری سازمان الفتح و تعطیلی دفاتر آن در این کشورها" اعلام نماید!

ذیلاً گوشه‌ای از فاکت‌ها و نمونه‌هایی که توطئه‌چینی خائنه‌ی رژیم خمینی را بر علیه انقلاب فلسطین و سازمان رهبری‌کننده‌ی آن برملا می‌سازد، ملاحظه می‌کنید:

- \* رفسنجانی (کیهان - ۵ شهریور/۶۲): "اخیراً یک گزارش خواندم یکی دو روز پیش که رجوی یک نامه‌ی نوشته از طریق هانی‌الحسن به یاسر عرفات و به او پیشنهاد کرده که ما حاضریم که نیروهای مسلح خودمان را در اختیار شما قرار بدهیم... خوب حالا می‌گوئید در ایران شما مخالفید با روحانیت، ما را مرتجع می‌دانید... چطور شما نیروهایتان را در اختیار یک جریان دیگری می‌گذارید؟"
- \* خبرگزاری فرانسه (۲۶/اوت/۸۳-۴/شهریور/۶۲): "وزیر خارجه‌ی ایران طی دیدار دو روزه‌ی اخیر خود از سوریه با دو تن از شورشیان علیه یاسر عرفات در سازمان الفتح دیدار و گفتگو کرد، در این دیدار اوضاع در صفوف الفتح و رویدادهای لبنان و خاورمیانه
- \* مورد بررسی قرار گرفت.
- \* تیتیر درشت روزنامه‌ی جمهوری - ۱۴/مهر/۶۲: "شش خلبان فلسطینی مخالفت خود را با مواضع عرفات اعلام کردند."
- \* تیتیر درشت روزنامه‌ی جمهوری - ۱۷/مهر/۶۲: "نیروهای مخالف عرفات در الفتح اکثریت را دارند."
- \* اطلاعات - ۱۸/تیر/۶۲: "امروز آمریکا و اسرائیل با همکاری ارتجاع منطقه مقامات فلسطینی را بدام "مذاکرات فرمایشی" انداخته‌اند تا بدین وسیله مبارزان فلسطینی را بجان هم انداخته و انقلاب فلسطین را پوک و بی‌خاصیت کنند و چنین نیز شده است."
- \* اطلاعات - ۱۶/بهمن/۶۱: "بوصالح (از مخالفین الفتح) در دیدار با وزیر امور خارجه‌ی کشورمان ضمن تشریح اوضاع گنونی منطقه و تحولات جاری

پیرامون مسأله‌ی فلسطین گفت: "ما همواره در موضع برحق خود باقی می‌مانیم و علیرغم تمام فشارها مبارزه می‌کنیم و در این مبارزه نیز به شما تکیه خواهیم کرد."

\* شریعتی نماینده‌ی مجلس خمینی (جمهوری - ۱۵/تیر/۶۲): "رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین بخاطر وابستگی‌هایی که پیدا کرده بود در برابر نقشه‌ی آمریکا تسلیم شده... ولی نیروهای از همین جنبش در برابر این فشار مقاومت کرده و خواستار برکناری رهبری سازمان شدند و به موفقیت‌هایی دست یافتند."

\* جمهوری - ۲۶/مهر/۶۲: آقای خامنه‌ای خطاب به مردم فلسطین و رهبران آنها گفتند: "در میان مردم فلسطین مسلمان و مومن فراوان است... اما کسانی که مردم فلسطین را هدایت می‌کردند و بنام آنها حرف می‌زدند هرگز بنام اسلام حرف نمی‌زدند."

\* نیویورک تایمز (اکتبر/۸۳ - مهر/۶۲): "سخنگوی شورشیان مخالف در سازمان آزادیبخش فلسطین اظهار داشت که آنها در صدد بیرون آوردن امور از دست عرفات و ایجاد سازمانی مبارز، بی‌آلایش و کارآ "هستند."

\* تیتیر درشت روزنامه‌ی جمهوری - ۱۴/شهریور/۶۲: "مخالفین عرفات دیدار وی را با یک هیئت صهیونیستی در ژنو محکوم کردند"

\* خبرگزاری فرانسه (اطلاعات ۲۲/تیر/۶۲): "عرفات اظهار عقیده کرد که بحران سازمان آزادیبخش فلسطین ناشی از توطئه‌ایست که هدفش مسخ سیما‌ی انقلاب فلسطین است."

\* کوتیدین دویباری (۱۳/اکتبر/۸۳ - ۲۱/مهر/۶۲): "روزنامه‌ی السیاسه دیروز اشاره کرد که سوریه مایل است تصمیم خود را مبنی بر بستن لوله‌های نفتی عراق مورد تجدیدنظر قرار دهد. سوریه برای بهبود بخشیدن روابطش با بغداد و تلاش برای فشار بر ایران برای خاتمه‌ی جنگ، خواسته است که شرایطش مبنی بر تغییر رهبریت الفتح بوسیله‌ی تمام کشورهای عربی مورد تأیید قرار گیرد و دفاتر الفتح در این کشورها بسته شود."

\* ابوجهاد (کیهان ۱۴/مهر/۶۲): "سوریه به

پاسخ به نامه‌های رسیده

بقیه از صفحه‌ی قبل

شما هستیم. \* برادر "ه.م" از اصفهان، پیام شما را دریافت کردیم. برادران به همان شیوه‌ای که نوشته بودید می‌تواند جهت وصل ارتباط خود اقدام کند. ولی در نظر داشته باشید که شیوه‌های دیگری نیز وجود دارد که بسته به امکانات شما می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. در نامه‌های بعدی خود تاریخ نگارش نامه را فراموش نکنید.

\* دویی، برادر "پرویز"، نامه و اخباری که فرستاده بودید رسید. اطلاعات خودتان را در باره‌ی ضربهای که نوشته بودید مشروحا بنویسید. سعی کنید ضمن فعالیت کردن رابطه‌ی خودتان با ما، با هواداران سازمان در دویی نیز تماس بگیرید.

\* دویی برادر "حسن - س" نامه‌ی شما رسید. در موردی که نوشته بودید مسئله کوچکتر از آنست که نیازی به موضعگیری داشته باشد. معذرت در فرصت مناسب شاید به آن مسئله هم بپردازیم.

\* کویت برادر "کمال - د" گزارشی که از فعالیت هسته‌تان نوشته بودید رسید. رابطه‌ی خودتان را با ما فعالیت کنید.

\* دویی برادر "ه.ن" دو نامه‌ی اخیر شما رسید. اخباری را که نوشته بودید بسیار خوب بود. سعی کنید رابطه‌ی فعالیت را با ما داشته و اخبار بیشتری بر ایمان بفرستید. نامه‌های خود را شماره گذاری کنید.

\* دویی، برادر "ب.ی. (کاوه)" مبارزان الفتح در دمشق هشدار داده که یا به مخالفان عرفات بپیوندند و یا به زندان بروند

\* رفسنجانی (اطلاعات ۱۸/تیر/۶۲): "فقط این سوریه است که دارد مقاومت می‌کند"

\* سرمقاله‌ی جمهوری ۱۹/تیر/۶۲: "در شرایطی که سران سیاسی سازمان‌های فلسطینی بسوی سازش با اشغالگران روی آور می‌شوند... این رهبر انقلاب اسلامی است که از ایران فریاد می‌آورد که "اسرائیل باید از صحنه‌ی روزگار محو شود."

\* واشنگتن پست (۲۷/۵/۸۲):

\* شارون (در برنامه‌ی شبکی تلویزیونی N.B.C): اسلحه‌های (اسرائیلی) فروخته شده به ایران، توسط یک کشور سوم مبادله شد که آمریکا از آن اطلاع دارد... لوازم ارسالی شامل لاستیک و لوازم یدکی جت‌های فانتوم F-14 ساخت آمریکا و شاید (۱) مقداری سلاح باشد."

\* جمهوری - ۱۳/بهمن/۶۱: "بوصالح هنگام ورود به تهران گفت: مردم فلسطین منتظر آن هستند که تحت رهبری امام خمینی قدس عزیز و سرزمین فلسطین آزاد شود" (!!!)

افشاء بسیج ضد خلقی و درهم شکستن سیاست جنگ طلبانه و ضد میهنی با بکار گرفتن همه اشکال

مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه مبرم انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی است.



## سروده‌های مقاومت

سروده‌ی یک‌میلیشیای دانش‌آموز  
مجاهد خلق

### درگاهواره کپکشان

زمزمه‌های پرواز در گوش‌های زندگان  
فریاد بر لب‌های بسته  
و دیدگان فرو پوشیده‌ی مردگان  
این ندای سکوت  
صبر سال چهارصدها و هزار  
در گوش‌های ناشنوائی سر در گریبان سیاهی سرودی نخواند  
و گر خواند  
... صدائی نماند!

\* \* \*

این ندای راهبانه‌ی معشوقه‌ی کدام عشق است  
که اشتران را به صعود!  
و بنفشه را به شکستن زمستان فرا می‌خواند،  
این فروغ جاودانه‌ی کدام نور است  
که هیئت "مصباح" را  
در گاهواره‌ی کپکشان  
به پیشتازی بلوغ "چهاردهمین" حلقه‌ی ستاره‌اش  
تولدی دوباره می‌بخشد

\* \* \*

— "اشرف"  
سخن بگو  
— "آذر" سخن بگو  
از زن،  
سخن بگو.

از آفتاب و طلوعش  
از باد  
و سرودش  
از دریا و خروشش  
— راهبران  
خودیا فتگان پیکره‌ی تکیده‌ی زن  
"زینب" گونه‌گان همیای "علی"!  
ژاندارک‌های خروشیده بر جالیز روحانیت انحصار  
انگشتان گره شده  
از یک دست  
از یک بازو  
وز دو بازوی انسانیت  
همراهان مرد در راهبای مرگ  
مادران آتش‌کارزار  
همسران شکوه انتظار  
پر و بال نهمان گشاده  
بر شمیم فرشتگان  
"اشرف" سخن بگو  
"آذر" سخن بگو  
از زن،  
سخن بگو.

(م - بارون)  
ره جوی آشنا  
تقدیم به مجاهد شهید  
بابک نوریان \*

بر سفره‌ی دستان تو  
خورشید گاشته‌ایم و سلاح  
ره جوی آشنا  
تا از یال نگاه رزم خویش  
شعله‌زن  
شب را بسوزانی  
و خورشید را بر ساحت سینه‌ی تبار خلق  
ارمغان سازی

\* \* \*

بر سفره‌ی دستان تو  
خورشید گاشته‌ایم و سلاح  
تا در بازگشت فاتحانه‌ات  
آفتاب از پنجره‌ی چشمانت روئیده باشد  
و خنده‌ات  
که نیش جانگاہیست بر پیکر تکیده‌ی ارتجاع  
گل چهره‌ات باشد

\* \* \*

بر سفره‌ی دستان تو  
خورشید گاشته‌ایم و سلاح  
تا ابرهای تیره را  
با رعد خشم خویش بدرانی  
و آذر خشم سلاح  
گران تا گران  
طومار تیرگی را در خون بیچید

\* \* \*

بر سفره‌ی دستان تو  
خورشید گاشته‌ایم و سلاح  
تا در طلوع صبح صادق خلق  
و در فصل فتح  
خورشید از پنجره‌ی چشمانت روئیده باشد

\* \* \*

بر سفره‌ی دستان تو  
خورشید گاشته‌ایم و سلاح!  
ره جوی آشنا

### تا مقصد رهائی

پرواز بهر ما  
تا مقصد رهائی، تا نور  
هرگز سراب نیست!  
پرواز خواب نیست!  
بنگر ... که هر رمان  
یخ‌ها به زیر پای شب و شب پرست پیر  
گاند دل شب سیاه و منجمد قطبی  
نور و طلوع را به خلائق  
مژده داده بود  
(تا در زمانه بپاید)  
با شعله‌های گرم نفس‌های بامداد  
آب می‌شود

لرزان‌تر از همیشه هیولای انجماد  
در کوره‌های شعله‌ور انتقام خلق  
پر تاب می‌شود

\* \* \*

— بیچاره شب پرست،  
نمی‌دانی  
خورشید دیرگاهیست  
کز چارسوی خطه‌ی ایران برآمده‌ست  
با خون شعله‌ناک دلیران  
در بیشه‌زار خیزش و ایمان  
ایران!

۶۲/۴/۲۰ (ر-د - مهاجر)

### جاودانگی

با تو بدرود نگویم هرگز  
که تو جاودانی  
و تو آن بانگ رهائی‌بخشی  
که ز رگبار مسلسل‌ها مان در همه جا  
از گلوگاه سحر  
تا دل تیره‌ی شب  
در ترنم هستی.

\* \* \*

من ترا در هر شام  
من ترا در همه ایام  
از این عصر شکوفائی خلق  
جاودان می‌بینم  
تو و مردن  
— هرگز  
تو سراپا نوری  
نور، گی می‌میرد؟  
من به فردای رهائی،

آنگاه  
که زمین سرشار از  
عطر جان‌پرور آزادی‌هاست  
دست در دست همه کارگران  
پا به پای همه دهقانان  
دوش بر دوش همه هم‌زمان  
زندگی را از نو  
با تو آغاز کنم ...  
(حسین - پ - ن)

پاورقی:  
\* مجاهد شهید بابا علی نوریان (بابک) فرزند  
قهرمان زحمتکشان قادیکلای مازندران و از محبوبترین  
و شناخته‌شده‌ترین چهره‌های سیاسی آن منطقه بود.  
وی که در فاز سیاسی به مبارزه‌ای بی‌امان با مرتجعین  
حاکم پرداخته بود، با شروع مرحله‌ی نبرد مسلحانه  
به مجاهدین مستقر در جنگل پیوست و در عملیات  
متعددی از جمله در هم کوبیدن مقر بسیج قادیکلا،  
اعدام انقلابی چند تن از مزدوران رژیم و ... شرکت  
داشت. وی در خرداد ۶۱ طی یک ماموریت سازمانی با  
تعداد کثیری از مزدوران رژیم درگیر شد و پس از  
نبردی دلیرانه با مزدوران خمینی با پیکری خون‌نشان  
و تیرخورده، خود را به اعماق جنگل رسانید و در  
آنجا به شهادت رسید و مزدوران رژیم توانستند تنها  
به پیکر بی‌جان او دست یابند. داستان دلآوری‌های  
بابک و نحوه‌ی شهادت او و همچنین دلآوری‌های  
برادر مجاهد شهیدش عباس نوریان، همواره بر  
زبان جنگل‌نشینان و روستائیان جاری است.







## هفت شبانه روز مقاومت، هفت شب و روز حماسه

سازماندهی در اشل‌های خیلی بالاتر هم امید داشت. سیستم "صامت"، دفاع به صورت کمین، تهاجم به نقاط ضعف دشمن (که اکنون با پراکنده شدن آنان اهداف بیشتری را نیز ارائه می‌کند) و همینطور همکاری با دیگران بسیار کارآئی داشت. بچه‌ها براساس خط تعیین شده تا مقاومت جانانه نکرده و دشمن را به خاک و خون نمی‌کشیدند، جز با دستور فرماندهی عقب‌نشینی نمی‌کردند. مقاومت تمام عیار و قهرمانانه‌ی پیشمرگه‌های مجاهد خلق برگ نوبنی در دفتر مبارزات مردم قهرمان کردستان بود. وضع ارتباطات، بخصوص ارتباطات بی‌سیم در جبهه‌ها خیلی خیلی خوب بود. دست بچه‌های انجمن دانشجویان مسلمان خارج کشور با این تجهیزات که برای ما فرستاده‌اند، درد نکند. خیلی بدرد بخور بود. به خواهان و برادران انجمن بگو باز هم هر چه بیشتر به فکر داخله و جبهه‌های مقاومت باشند. ابتکارات مجاهدین در بکارگیری عنصر الکترونیک در روستاهای عقب‌نگه‌داشته‌ای مثل روستاهای کردستان که مینیمم کالاهای دست‌آورد‌های صنعتی نیز از آنها دریغ شده و فاقد ابتدائی‌ترین الزامات جوامع مدنی می‌باشند، ارتباطات نظامی منطقه را ارتقاء خاصی بخشید. بی‌سیم دستی‌هایی که اخیراً ارسال شده بود با بهم بستن باتری‌های ۴/۵ ولت کتابی به صورت سری و موازی دارای باتری‌هایی شده است که بیش از ۱۵ روز گشش دارند. من بابی سیم خودم در تمامی ساعات درگیری و در تمامی جبهه‌ها با تک‌تک فرماندهان رابطه داشته‌ام و آن‌ها نیز به همین منوال بر اوضاع و احوال مسلط بودند. در مجموع می‌توانم بگویم که ما تقریباً در گذر موجود تا آخرین قطرات توانمندی‌های خودمان استفاده کرده‌ایم، از این مرحله به بعد با یستی گادروا اشل‌های جدیدی پیدا کرد. فی‌المثل دیگر یا یستی به آتش سنگین و یا حداقل نیمه‌سنگین مجهز بودو یا اگر به آتش سنگین و حداقل

نیمه‌سنگین دسترسی نداریم با یستی بیش از گذشته در سطح تمامی منطقه پراکنده شده و با عملیات پارتیزانی عرصه را بر ترکان‌های رژیم تنگ نماییم. البته برای ما که از ابتدا "منطقه" را به عنوان مکمل خط عملیات سراسری\* مورد استفاده قرار می‌دادیم، رسیدن به نقطه‌ی کنونی غیرقابل انتظار نبوده و به همین جهت قادر خواهیم بود در گذر استراتژی مجاهدین برای سرنگونی خمینی، استراتژی و "دستور روز" منطقه‌ای خود را نیز به پیش ببریم، ولی بهر حال معادله‌ی قوای منطقه تغییراتی کرده است که بررسی و ارزیابی و تعیین وظایف جدید را طلب می‌کند. ما اکنون در این منطقه در موقعیتی قرار گرفته‌ایم که با توانمندی‌های نظامی سابق رژیم در کردستان متفاوت است. از آنجا که رژیم خمینی در جبهه‌های جنوبی جنگ با عراق به بن‌بست رسیده است، تهمه‌ی توانمندی نظامی خود را در رابطه با جنگ با عراق با توانمندی‌های نظامی ویژه‌اش در کردستان، یک‌گانه کرده است تا بدینوسیله بتواند تعادل قوای جبهه‌ی شمالی خود را با عراق به نفع خودش تغییر دهد. لذا ما در تهاجم کنونی رژیم با عناصر نظامی مشکله‌ی جنگ با عراق (از قبیل سلاح و مهمات و تجهیزات نظامی، سازماندهی کمیت نفرات و...) مواجهیم. به همین دلیل است که ما علیرغم هفت شبانه‌روز مقاومت و تلاش و گوش و علیرغم بکارگیری تمامی توان نظامیمان در مقابل یورش مزدوران خمینی امکان پیش‌گیری نیافتیم. دیگر مجبورم گزارش خودم را به پایان برسانم، چون کارهای زیادی در پیش دارم و وقت کم است. با یستی به فکر جابجائی واحدها و آرایش جدید قوایم باشم. و اما مهم‌ترین مطلبم در رابطه با رادیوست. از آنجا که قرار است دستگاه فرستنده قوی‌تر را به نقطه‌ی جدیدی انتقال بدهند باید کار آن‌ها را پی‌گیری کنم.

اما مطمئن باش که همانطور که قول داده بودیم "صدای مجاهد" حتی برای یک روز هم قطع نخواهد شد. هنوز صدای برادر مجاهدان عباس داوری را که سال گذشته تقریباً در همین ایام حین عبور از این منطقه و در حین جابجائی دستگاه فرستنده‌ی قوی، خطاب به تمامی مسئولین و کادرهای رادیو وهم چنین تمامی کسانی که به نحوی از انحاء در نقل و انتقال شگفت‌انگیز فرستنده‌ی قوی با همکاری تقریباً ۲۰۰ تن از افراد شریف محلی شرکت داشتند می‌گفت در گوشم زنگ می‌زند. او می‌گفت که: "شما فقط آهن پاره‌ها و نوار و دستگاه را حمل نمی‌کنید، بلکه یک تاریخ را بر روی دوش‌های خود حمل می‌نمایید." در این قولی که می‌دهم بویژه بر احساس مسئولیت مسئولینی همچون محمود و هاشم (۱) متکی هستم. مطمئنم که کادرهای "صدای مجاهد" نیز همچون بچه‌های شاخه‌ی نظامی پس از هفت شبانه‌روز خستگی و کم‌خوابی مفرط تا تضمین و تأمین مستمر صدای حقانیت و مظلومیت و مقاومت خلق قهرمان ایران هرگز آرام نخواهند گرفت. از فرصت استفاده کرده و از تو می‌خواهم تا سلام من و تک‌تک بچه‌ها را که در این شرایط سرشار از روحیه و طراوت انقلابی ویژه‌ی مجاهد خلق می‌باشند، به فرمانده‌ی عالی‌مان مسعود برسانی. به او بگو: آری ما با بالاترین بهای ممکن، میهنمان را آزاد خواهیم کرد!

از دور رویت را می‌بوسم و دستت را می‌فشارم، به محکم‌ی فشردن قبضه‌ی سلاحم.

— رونوشت را بطور جداگانه برای فرمانده‌ی سیاسی—  
نظامی (برادر مجاهد علی زرکش) می‌فرستم. تا وقتی تو برگردی دستورات عملیاتی جدید از طریق فرمانده‌ی ستاد عملیاتی (برادر مجاهد محمود عطائی) به ما خواهد رسید. مسعود عدل

پاورقی:

\* برای روشن‌تر شدن مطلب فوق‌الذکر قسمت‌هایی از جمع‌بندی مقاومت مسلحانه در مورد "منطقه" را در همین شماره ملاحظه خواهید نمود.

۱- محمود و هاشم نام‌های مستعار برادران مجاهد مسعود کلانی و مهرا ن صادق، مسئولین صدا و صوت در سازمان کار "صدای مجاهد".

### عملیات مین‌گذاری پیشمرگه‌های مجاهد خلق

#### در جاده "مهاباد - سردشت"

و به هلاکت رسیدن بیش از ۲۵ پاسدار و مزدور ضد خلقی

#### و انهدام ۲ خودروی دشمن

کردستان ایران از نیروی شهید "مین‌شم" در ارتفاعات "زمیران" اقدام به مین‌گذاری می‌نمایند. روز شنبه ۳۰ مهرماه یک "زبل" پر از مزدور که از پایگاه "گل‌آسم" عازم ماموریت بودند. با یکی از مین‌ها برخورد می‌نماید که در اثر انفجار مین ضد خودرو به دره سقوط کرده و منهدم می‌شود که بلافاصله یک "تویوتا"ی حامل نفرات پایگاه. جهت کمک رساندن به مزدوران از پایگاه خارج می‌شوند. "تویوتا"ی حامل مزدوران نیز در اثر برخورد با مین‌های ضد خودرو منهدم شده و کلیه سرنشینان آن به هلاکت می‌رسند. در مجموع علاوه بر منهدم شدن هر دو خودرو کلیه نفرات آن‌ها که بیش از ۲۵ نفر بودند به هلاکت می‌رسند. مجاهدین خلق ایران

پیشمرگه‌های مجاهد خلق با همکاری پیشمرگان قهرمان حزب دمکرات کردستان در روزهای آخر مهرماه جاری طی یک رشته عملیات مین‌گذاری در محور "مهاباد - سردشت" موفق می‌شوند که بیش از ۲۵ پاسدار و مزدور ضد خلقی را به هلاکت برسانند. مشروح این عملیات به شرح زیر می‌باشد.

روز ۲۸ مهرماه یک واحد از پیشمرگه‌های مجاهد با همکاری پیشمرگان حزب دمکرات

هستند. شدت درگیری چنان است که تلفات دشمن به بیش از ۵۰۰ کشته تخمین زده می‌شود. مطابق اخبار واصله دشمن امکان حمل اجساد را از صحنه‌ی درگیری پیدا نکرده است. جنگ در دیگر جبهه‌ها به شدت تمام همچنان ادامه دارد. \* \* \*

### اخباری از بولتن شماره ۴۳ حزب دمکرات کردستان ایران - تشکیلات اروپا در رابطه با

#### تهاجمات اخیر رژیم و مقاومت پیشمرگان و نیروهای مقاومت مردمی

آلان (سردشت)	جبهه‌ی بازار (از توابع آلان)	۷- فشنگ ژ-۳	۳۰۰ تیر
شب ۶۲/۷/۲۵ (۱۷ اکتبر ۸۳) - نیروهای دشمن به "شیخ‌سور" و "گروس" حمله آوردند. پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران و مجاهدین خلق و نیروی دفاع ملی با آنان به مقابله پرداختند. در این درگیری بیش از صد نفر از افراد دشمن کشته و زخمی شدند. تا لحظه‌ی مخابره‌ی این خبر ۱۳ جسد در دست پیشمرگان بوده است، بعلاوه از نیروهای دشمن ۱۱ کلاشینکوف مژلی به دست نیروهای دفاع ملی افتاده است.	روز ۶۲/۷/۲۷ (۱۹ اکتبر ۸۳) - دشمن در این جبهه‌مورد حمله‌ی پیشمرگان قرار گرفت، که بر اثر آن ۲۰ نفر از افراد دشمن کشته شدند. جسد ۸ تن از کشته‌شدگان به شرح زیر شناسائی شده است:	۸- کیسه‌خواب	۸ عدد
ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه‌ی شب ۶۲/۷/۲۶ (۱۸ اکتبر) دشمن در روستای "قله‌سرو" به کمین پیشمرگان حزب دمکرات و مجاهدین افتاد. بدنبال آن جنگ شدیدی صورت گرفت که در نتیجه‌ی آن بیش از ۳۰۰ نفر از افراد دشمن کشته و ۱۰ خودروی آنان نیز طعمه‌ی حریق گردید.	۱- عباس تیرداد ۲- ابراهیم مازوجی ۳- رضا اسکندری ۴- حمید یعقوبی ۵- عباس دوائی ۶- محمود علی‌خانی ۷- آزاد علی‌سعادتخواه	در این درگیری متأسفانه یک پیشمرگ به نام محمد احمدزاده با راکت هلی‌کوپتر شهید گردید. جبهه‌ی آسب‌مژه (از توابع آلان)	روز ۶۲/۷/۲۷ (۱۹ اکتبر) دشمن به کمین پیشمرگان و نیروی دفاع ملی افتاد. با وجود تحمل تلفات فراوان و ضربات شدید پیشمرگان نیروهای دشمن موفق گردیدند "درمان‌آباد" را اشغال نمایند. هم‌اکنون در این منطقه جنگ با شدت هر چه تمام‌تر ادامه دارد. متأسفانه در این نبرد یکی از افراد نیروی دفاع ملی به نام کاک‌عزیز شریف‌پناه شهید گردید.
	آلان		
	پیشمرگان حزب و نیروی دفاع ملی هم‌اکنون ۶۲/۸/۱ (۲۳ اکتبر) در "دولکان" و "دیناران" سرگرم جنگ بسیار شدیدی با نیروهای دشمن		
	۱- آر. پی. جی. ۷ قبضه ۲- ژ-۳ مژلی ۳- تیربار ژ-۳ ۴- خمپاره ۶۰ میلی‌متری یک قبضه ۵- تیربار قناسه ۲ قبضه با ۱۰۰۰ فشنگ ۶- گلوله‌ی آر. پی. جی. ۷ عدد		



## در حاشیه سرمقاله

در گزارش برادر مجاهد مسعود عدل، فرماندهی عملیات مجاهدین در کردستان به موقعیت و شرایط جدیدی که در رابطه با تهاجم اخیر رژیم به کردستان در پیش روی مجموعه نیروهای مقاومت کردستان، قرار گرفته بود، اشاره شده و گفته شده که این موقعیت تازه در واقع ناشی از تاکتیکی است که رژیم خمینی در پی به بن بست رسیدن در جبهه‌های جنوبی و مرکزی جنگ با عراق، به اجرا درآورده است. بدین صورت که با یک گامه کردن تنه‌ی نیروها و امکانات خود در رابطه با جنگ با عراق و نیروهای ویژه‌اش در رابطه با سرکوب کردستان (بمنظور تغییر تعادل قوا بنفع خود در جبهه‌ی شمالی جنگ) توانست با توانمندی نظامی جدیدی (که گما و کیفاً با توانمندی‌های نظامی سابق متفاوت بود) وارد صحنه‌ی تهاجم علیه مقاومت کردستان گردد. از آنجایی که این مطلب به دلیل اهمیت آن در خور تشریح و بحث جداگانه‌ای بود، لذا ما در اینجا سعی می‌کنیم در حاشیه‌ی گزارش فرماندهی عملیات مجاهدین در کردستان به آن بپردازیم:

در گزارش فرماندهی عملیات مجاهدین در کردستان یک تصویر واقعی از کم و کیف توان وسیع و تهاجم دشمن در موقعیت حاضر و همچنین توان مجموعه مقاومت نظامی طی جنگ اخیر در منطقه‌ی "آلان" ارائه شد. اما برای یک ارزیابی جامع نظامی و سیاسی در این رابطه، بایستی علاوه بر بررسی بیلان عملیاتی مقاومت اخیر کردستان در برابر نیروهای سرکوبگر خمینی، اهداف نظامی و سیاسی این جنگ و مجموعه‌ی پارامترها و عواملی را نیز که موجب شد رژیم در این موقعیت زمانی و مکانی مشخص، دست به چنین تهاجمی بزند به دقت ارزیابی نمود. تنها در این صورت است که تحلیل و ارزیابی ما از جنگ اخیر کردستان و مقاومت پیشمرگان دلیر آن رنگ واقع-بینانه به خود گرفته و از ارزیابی‌های سطحی و صوری از آن نوع که انسان با یک مویز گرمی و با یک غوره سردی‌اش می‌کند، اجتناب می‌شود. تنها در این صورت است که قادر خواهیم بود با اتکاء به نقاط قوت تردید ناپذیر استراتژیک و بالنتیجه ثابت و قابل محاسبه‌ی مقاومت کردستان، به برنامه ریزی مبارزاتی بر روی نقاط ضعف استراتژیک و ماهوی دشمن در منطقه پرداخته و با اراده‌ی محکم و استوار بر پایه‌های حاکمیت لرزان و درهم کوبیده شده‌ی او ضربه وارد سازیم.

اینک ببینیم دلایل و پارامترهایی که سرکوب مقاومت کردستان را از دیدگاه رژیم ضد خلقی در شرایط و اوضاع و احوال

در گزارش فرماندهی عملیات مجاهدین در کردستان به موقعیت و شرایط جدیدی که در رابطه با تهاجم اخیر رژیم به کردستان در پیش روی مجموعه نیروهای مقاومت کردستان، قرار گرفته بود، اشاره شده و گفته شده که این موقعیت تازه در واقع ناشی از تاکتیکی است که رژیم خمینی در پی به بن بست رسیدن در جبهه‌های جنوبی و مرکزی جنگ با عراق، به اجرا درآورده است. بدین صورت که با یک گامه کردن تنه‌ی نیروها و امکانات خود در رابطه با جنگ با عراق و نیروهای ویژه‌اش در رابطه با سرکوب کردستان (بمنظور تغییر تعادل قوا بنفع خود در جبهه‌ی شمالی جنگ) توانست با توانمندی نظامی جدیدی (که گما و کیفاً با توانمندی‌های نظامی سابق متفاوت بود) وارد صحنه‌ی تهاجم علیه مقاومت کردستان گردد. از آنجایی که این مطلب به دلیل اهمیت آن در خور تشریح و بحث جداگانه‌ای بود، لذا ما در اینجا سعی می‌کنیم در حاشیه‌ی گزارش فرماندهی عملیات مجاهدین در کردستان به آن بپردازیم:

در گزارش فرماندهی عملیات مجاهدین در کردستان به موقعیت و شرایط جدیدی که در رابطه با تهاجم اخیر رژیم به کردستان در پیش روی مجموعه نیروهای مقاومت کردستان، قرار گرفته بود، اشاره شده و گفته شده که این موقعیت تازه در واقع ناشی از تاکتیکی است که رژیم خمینی در پی به بن بست رسیدن در جبهه‌های جنوبی و مرکزی جنگ با عراق، به اجرا درآورده است. بدین صورت که با یک گامه کردن تنه‌ی نیروها و امکانات خود در رابطه با جنگ با عراق و نیروهای ویژه‌اش در رابطه با سرکوب کردستان (بمنظور تغییر تعادل قوا بنفع خود در جبهه‌ی شمالی جنگ) توانست با توانمندی نظامی جدیدی (که گما و کیفاً با توانمندی‌های نظامی سابق متفاوت بود) وارد صحنه‌ی تهاجم علیه مقاومت کردستان گردد. از آنجایی که این مطلب به دلیل اهمیت آن در خور تشریح و بحث جداگانه‌ای بود، لذا ما در اینجا سعی می‌کنیم در حاشیه‌ی گزارش فرماندهی عملیات مجاهدین در کردستان به آن بپردازیم:

## قسمتی از جمع بندی یکساله مقاومت مسلحانه درباره "منطقه"

می‌گردد. بهتر است اینطور بگویم: نه اینکه بتواند همه را از بین ببرد. نه، روابطمان را می‌گسست. چون برای از بین بردن یک جنبش یا یک انقلاب یا یک سازمان، لازم نیست همه‌ی افرادش را سر ببرند. وقتی گمرشکنش بکنند، فلجش بکنند، کافی است.

بنابراین نه شمال و نه هیچ منطقه‌ی دیگری در ایران (منجمله کردستان) در شرایط کنونی، گنجایش آلترناتیو رژیم را به ترتیبی که بخواهد بیاید آنجا (منطقه) را آزاد بکند و از آنجا رژیم را در تهران سرنگون بکند، ندارد.

پس بگذارید رژیم خمینی هم بداند که تا آنجا که به ما مربوط می‌شود، ما او را قدم به قدم در گلوگاههایش نابود خواهیم کرد و علیهذا بهتر است از ترس تبدیل مناطق رزمنده‌ای همچون کردستان به "سگوی پرش" آلترناتیو، بی‌جهت فشارها و زحمت مردم در حتمیت و قطعیت این فرمول (منظور فرمول جواب نداشتن خط منطقه برای ما) در شرایط و اوضاع و احوال کنونی، می‌توان اضافه نمود که روزی که ما به جایی برسیم و از امکاناتی برخوردار شویم که فی‌المثل بتوانیم منطقه‌ای مثل شمال را آزاد نموده و بطور پایدار و تثبیت شده در آن مستقر شده و کلیه‌ی مسائل داخلی و بین‌المللی مربوطه را نیز حل کنیم، یک روز قبل از آن قطعاً توانسته‌ایم قیام عمومی را در تهران سازمان بدهیم...\*

در مجموع در دست اوست البته ما هم ضرباتمان را به او می‌زنیم. ولی زمین آزاد شده‌ای که در آن اعمال حاکمیت بکنیم نداریم. دفتر و ستاد و قرارگاهها و مراکز تجمع علنی نداریم. زمینی که خودمان در آن اعمال حاکمیت بکنیم و در آن آزادانه با مردمان، "ارتباط" داشته باشیم نداریم به همین نحو اگر رژیم امکان می‌یافت که با تمام قوا به کردستان بتازد، حاکمیت لرزان و ضربه‌پذیر خود را در آنجا نیز مستقر می‌کرد و منطقه‌ی آزادشده‌ی وسیعی که بطور تمام‌عیار زیر حاکمیت نیروهای مقاومت باشد، باقی نمی‌گذاشت. اگر چه مقاومت در هر حال (حتی در ابعاد محدودتر) ادامه می‌یافت مخصوصاً که "دررو" خارجی و مجاورت با کردستان عراق نیز عامل فوق‌العاده مهمی است.

حالا بعد از تمام آنچه فوقاً گفته شد باز هم اجازه بدهید آرزو کنم: ای گاش معادله‌ی "خط" (سرنگونی خمینی) برای ما (مجاهدین) در "منطقه"، جواب می‌داشت. ای گاش می‌توانستیم نیروهایمان را (مثلاً نیروی مسلح‌مان را) از هر گجا جمع کرده و مثلاً می‌بردیم به شمال و از آنجا می‌آمدیم و تهران را آزاد می‌کردیم. اما (وقتی که امتیازات کردستان هم در شمال نیست و کردستان هم خودش شهرهایش را در دست ندارد) آنوقت دشمن، تمام بار نظامی‌اش را می‌گذاشت روی ما. محاصره‌مان می‌کرد و سرکوبمان می‌کرد. یعنی گمرشکن‌مان

"خامسا - نباید فراموش کرد که رژیم خمینی، مخصوصاً پس از یکدست شدن و گرویدنش به دیکتاتوری مطلق، به دلایل متعدد، هیچگاه تمامی بار نظامی‌اش را روی کردستان متمرکز و تخلیه نکرده است. زیرا از یک طرف، درگیر جنگ با عراق و از طرف دیگر بطور سراسری با مجاهدین درگیر بوده و از جانب کردستان به تنهایی، تهدید آلترناتیو (یعنی امکان سرنگون شدن خودش و ایجاد یک حکومت جانشین) احساس نمی‌کرده است.

پس در یک کلام اگر جنگ با عراق و جنگ داخلی سراسری نبود (یا اینها به مسائل درجه‌ی دوم او تبدیل می‌شد) طبعاً همه‌ی زورش را روی کردستان خالی می‌کرد. با تمام قوا. کما اینکه اگر مقاومت کردستان نیز نمی‌بود، همان نیروهای سرکوبگری را که در کردستان مشغولند، به سایر نقاط می‌فرستاد و پاسداران مربوطه را علیه ما بکار می‌گرفت. اما آیا منظور از این حرفها این است که ولو با تمام قوا هم به کردستان می‌تازید می‌توانست مردم و پیشمرگان دلاور و حزب دمکرات را تماماً از بین ببرد؟ نه، هرگز! بحث ما نیز این نیست. فقط می‌خواهیم بگوئیم که در چنین صورتی حاکمیت خودش را حتی به صورت ضربه‌پذیر در منطقه یا بخش اعظم منطقه، مستقر می‌کرد. نظیر امتیازی که هم‌اکنون نیز در شهرها در قبال خود ما (مجاهدین) دارد. یعنی حاکمیت-ولو لرزان و ضربه‌پذیر-

## تنها ۴۰ کشته از یزد!

کردستان بطور دستجمعی به هلاکت رسیده‌اند، به شهر یزد منتقل گردیده است. ابعاد تلفات رژیم در کردستان - که تنها طی هفته‌ی گذشته در منطقه‌ی بانه و سردشت بالغ بر هزار نفر می‌گردید - باعث گردیده، تعدادی از مزدوران زبون خمینی که از تهاجمات هفته‌ی گذشته جان سالم بدر برداند، خود را به قسمت دیگری منتقل نمایند تا از رو در روئی با پیشمرگان قهرمان مصون بمانند. \*

شده‌های رژیم در جبهه‌های کردستان بحدی است که کارگزاران و ائمه‌ی جمعی جنایتکار خمینی دچار هراس و وحشت شده و بویژه برخی از "ائمه‌ی جمعه" در تماس‌هایی با سردمداران رژیم از انعکاس مسئله در میان وابستگان رژیم و تاثیر آن در بسیج نیرو، شدیداً اظهار نگرانی کرده‌اند. طبق گزارشاتی که از یزد رسیده در روزهای ۲۹ و ۳۰ مهرماه جسد ۴۰ تن از مزدوران رژیم از یزد که تنها در یک درگیری با نیروهای مقاومت

تهاجم گلهوار مزدوران خمینی به روستاها و مردم بی‌پناه و پایگاههای مقاومت در کردستان همچنان ادامه دارد. مزدوران خمینی بویژه بدلیل عدم آشنائی به منطقه، دسته‌دسته در کمین پیشمرگان قهرمان افتاده و به هلاکت می‌رسند. از همین رو دشمن ضدبشری تنها چاره را در گلوله باران سنگین و بدون وقفه روستاها و مردم منطقه یافته و به بزرگ و کوچک آنها رحم نمی‌کند. به‌قرار اطلاع، انبوه کشته



## در حاشیه سرمقاله

بقیه از صفحه قبل

رفسنجانی نیز طی نطقی که در مجلس صد خلقی به فاصله چند روز بعد از عملیات والفجر ۲ (عملیات حاج عمران) ایراد کرد، ضمن تشریح مختصات مکانی این عملیات، مطلب فوق و بطور کلی هدف‌های رژیم را از این عملیات بطور روشن‌تر و صریح‌تری بیان نمود و منجمله چنین گفت:

"تلیغات همراه کننده‌ی بوق‌های تبلیغاتی دشمنان اسلام وضع را چنان جلوه داده بود که گردستان در اختیار ما نیست و برای تشویق نیروهای ضدانقلاب و فرار جوان‌های گول خورده‌ی ما از داخل کشور

یا عراق در جبهه‌های جنوبی پیش‌بینی کرده و آنرا انتظار می‌کشیدیم. در همین رابطه "مجاهد" در شماره‌ی مورخ ۲/دی‌ماه/۶۱ طی مقاله‌ای درباره‌ی مقاومت گردستان چنین نوشت:

"در این بین چه بسا بتوان به‌عنوان یک دلیل ضمنی دیگر، به شکست‌های رژیم در پیشروی و اشغال خاک عراق اشاره نمود که بالنتیجه رژیم را بفکر گشودن زمینه سازی جبهه‌ی دیگری برای حمله به عراق (از طریق تسلط به جاده‌ی استراتژیک "پیرانشهر-سردشت") و تدارک تهاجمات اخیر به گردستان می‌اندازد."

درست در چنین موقعیتی بود که همزمان با شروع عملیات حاج عمران (موسوم به والفجر ۲) در ۲۹/تیرماه/۶۲ رژیم خمینی قرارگاه حمزه را که در مرداد ۶۱ به منظور بسیج و تمرکز نیروی بیشتر و ایجاد هماهنگی بین سپاه ارتش برای در هم شکستن مقاومت عادلانه‌ی گردستان تحت نظر و فرماندهی مشترک محسن رضایی و صیاد شیرازی تشکیل داده بود و تا این زمان نیز در رابطه با جنگ با عراق اساسا نقشی نداشت، بنحو کاملاً بارزی به جانب شرکت هرچه فعالتر در جنگ با عراق، جهت و سازمان داده و به اصطلاح کوک نموده و آگاهانه سعی می‌کند که برنامه‌ریزی برای سرکوب مقاومت گردستان و جنگ با عراق را در تمام زمینه‌ها حتی در زمینه‌ی تبلیغاتی، با هم تلفیق و یک کاسه نماید. بندریچ‌نیز "بار" شرکت قرارگاه موسوم به حمزه در عملیات و تهاجمات علیه عراق افزایش می‌یابد، تا اینکه در ۲۹/تیرماه رسماً قرارگاه مذکور طی اطلاعیه‌های مکرر به تشریح عملیات موسوم به والفجر ۲ می‌پردازد. قسمت‌های زیر از اظهارات فرماندهی مزدور قرارگاه حمزه در مصاحبه‌ی اختصاصی با روزنامه‌ی جمهوری مورخ ۱۹/مرداد در این مورد کاملاً گویاست:

"قرارگاه حمزه سیدالشهدا به خاطر مقابله با ضد انقلاب داخلی تشکیل شد و پس از رسیدن به مرزها از چنان قدرتی برخوردار گشت که تصمیم گرفته شد برخورد قاطعی با ارباب ضد انقلاب یعنی صدام داشته باشیم. در نتیجه طرح‌ریزی عملیات والفجر ۲ انجام شد"

زمینه‌ی بسیج ضد مردمی علیه کردستان، با آن مواجه بود هموار کند. فی‌المثل در جریان تهاجم اخیر امکان یافت در یکی از جبهه‌ها در حوالی ارتفاعات سوق‌الحیثی "هول" تنها ۴۰۰۰ نفر را اختصاص به تهاجم دهد و کلاً از یک نیروی انسانی گسترده و همچنین امکانات و تجهیزات نظامی سنگین برای پیشروی برخوردار گردد. در حالیکه تا قبل از این حمله، رژیم طی دو رشته عملیات، یکی در تاریخ ۲۷/اردیبهشت به قصد تصرف ارتفاعات "گاگر" و دیگری در ۲۷/خرداد در "بیوران" در حوالی سردشت، تهاجمات نسبتاً گسترده‌ای را به منظور تصرف منطقه‌ی "الان" سازمان داده بود. لیکن در هر دو رشته عملیات مذکور با بجای گذاشتن تلفات و لطمات بسیار سنگین (حمله‌ی اول

قرارگاه حمزه در رابطه با عملیات والفجر ۴ (که عملیات منطقه‌ی "الان" در کردستان را نیز شامل می‌شود)، توجه کنید:

"فرزندان غیور و جان برکف سرزمین انقلاب اسلامی به منظور پایان بخشیدن به آتش‌افروزی‌های ایادی داخلی کفر جهانی و سرکوب اشترار مسلح وابسته به استکبار جهانی در پی عملیات پیروزمندانه‌ی سردشت، شب گذشته طی یک عملیات هماهنگ و موفقیت‌آمیز، تحت فرماندهی قرارگاه حمزه... در منطقه‌ی مرزی بانه و مریوان به ضدانقلابیون یورش بردند و به اشترار مسلح و قوای رژیم بعثی - صهیونیستی عراق که به حمایت از ضدانقلابیون با نیروهای اسلام درگیر شده بودند، ضایعات و تلفات سنگینی وارد آوردند. رزمندگان اسلام... موفق شدند با کشتن

**رژیم در تهاجم اخیر با درپیش گرفتن یک تاکتیک جدید، یعنی انتقال مرکز ثقل عملیات جنگی خود (با عراق) از جبهه‌ی جنوبی به جبهه‌ی شمالی، عملیاتی از دو مانع اساسی موجود بر سر راه بسیج نیرو برای سرکوب مقاومت گردستان را حذف نموده و به اصطلاح سعی کرد که با یک تیر ۲ نشان بزند. به این ترتیب رژیم توانست ضمن تغییر تعادل قوای جبهه‌ی شمالی جنگ با عراق، آن بخش از نیروهای راهم که تنها در رابطه با جنگ توان بسیج آنها را داشت، در خدمت تهاجم به گردستان قرار دهد و تسنوا سرکوب ضد خلقی خود را به چندین برابر افزایش دهد.**

بیش از ۲۰۰ کشته و حمله‌ی دوم حدود ۵۰۰ کشته)، در برابر مقاومت پیشمرگان قهرمان تقریباً ناکام ماند.

در جمع‌بندی یکساله‌ی مقاومت مسلحانه آمده است که: "اگر جنگ با عراق و جنگ داخلی سراسری نبود (یا اینها به مسائل درجه‌ی دوم رژیم تبدیل می‌شد) طبعاً رژیم همه‌ی زورش را روی گردستان خالی می‌کرد."

اما رژیم در مقطع حاضر با درپیش گرفتن یک تاکتیک جدید، یعنی انتقال مرکز ثقل عملیات جنگی خود از جبهه‌ی جنوبی به جبهه‌ی شمالی و بقول رفسنجانی با باز کردن جبهه‌ی جدیدی بطول ۱۶۰ کیلومتر از مریوان تا سردشت یکی از دو مانع اساسی موجود بر سر راه بسیج نیرو برای سرکوب مقاومت گردستان را عملاً حذف نموده و با اصطلاح سعی می‌کند که با یک تیر دو نشان بزند. یعنی هم جبهه‌ی جنگ با عراق را از رکود چند ماهه خارج سازد و تعادل قوای جبهه‌ی شمالی آنرا به نفع خود تغییر دهد و هم در رابطه با خروج از تنگنای سرکوب مقاومت گردستان، از امکانات و نیروی بسیج شده‌ی

و زخمی کردن بیش از ۴۰۰ تن از اشترار مسلح و قوای رژیم بعثی - صهیونیستی عراق چندین دستگاه نفربر آنان را به آتش کشیده و مقادیر زیادی از تجهیزات و ادوات دشمن را نابود کنند. در این عملیات که به تلاشی شدن بخش وسیعی از سازمان اشترار مسلح در این منطقه انجامید، همچنین یک فروند هلی‌کوپتر عراقی که به حمایت از اشترار مسلح وارد منطقه عملیاتی شده بود، هدف آتش نیروهای اسلام قرار گرفت. رزمندگان اسلام با اتکال به نیروی لایزال الهی به نبرد با ایادی کفر جهانی و خودفروختگان گروهک‌های پلید همچنان ادامه می‌دهند و با خشکاندن ریشه‌های فساد در منطقه‌ی گردستان و حامیان صهیونیستی آنان ضربات سهمگین خود را بر پیگر فرتوت و رو به نابودی دشمن وارد می‌آورند."

باین ترتیب بود که رژیم با یک کاسه کردن تنه‌ی توانمندی نظامی خود در رابطه با جنگ با عراق و توانمندی‌های نظامی ویژه‌اش در زمینه‌ی سرکوب مقاومت گردستان، توانست راه خروج مقطعی خود را از تنگنای که تاکنون در

به گردستان و ایجاد مزاحمت مسئله‌ی گردستان را مهم جلوه داده بودند و ما مخصوصاً آن نقطه را انتخاب کردیم که نشان بدهیم وضع گردستان آنقدر مطمئن است که امکان لشکرکشی به این منطقه و در این نقطه‌ی صعب‌العبور و تامین تدارکات برای جمهوری اسلامی آسان است که دنیای استکباری به این مسئله توجه کند."

رفسنجانی سپس در ادامه‌ی همین سخنرانی خط و برنامه‌ی آینده‌ی رژیم را ادامه‌ی عملیاتی از همین قبیل توصیف می‌کند و ضمن اخطار به "دولت عراق" اظهار امیدواری می‌کند که "مشکل منطقه" نیز در همین مسیر حل شود.

باین ترتیب از عملیات "حاج عمران" به این طرف، قرارگاه موسوم به حمزه رسماً میدان‌دار جبهه‌های شمالی جنگ با عراق - که ضمناً تنها جبهه‌ی فعال جنگ نیز هست - می‌شود. چنانکه در طول عملیات اخیر موسوم به والفجر ۴ بر علیه عراق، اساساً اطلاعیه‌های قرارگاه حمزه است که سریع و پی در پی منتشر می‌شود و اطلاعیه‌های ستاد مشترک ارتش نقش حاشیه‌ای پیدا می‌کند. به قسمت زیر از اطلاعیه‌ی شماره‌ی ۲

بر مراتب وسیع‌تری برای تغییر معادلات نظامی منطقه برخورداری شود. به این ترتیب رژیم امکان یافت که فاصله‌ی دو شکافی را که تاکنون بین این دو جبهه (جبهه‌ی جنگ با عراق و جبهه‌ی سرکوب مقاومت گردستان) وجود داشت، پر نماید. در واقع رژیم با این تاکتیک توانست آن بخش از نیروهای راهم که تنها در رابطه‌ی با جنگ توان بسیج آنها را داشت، عملاً در خدمت تهاجم به گردستان قرار دهد و به این ترتیب خود را علیه مقاومت گردستان به چندین برابر افزایش دهد. در غیر این صورت، یعنی منتهای یک چنین کمیت نفقات و بسیج گسترده‌ای که رژیم بوسیله‌ی آن بتواند تاکتیک ضد خلقی امواج انسانی را (که تا بحال عمدتاً در جنگ با عراق بکار گرفته می‌شد) بکار بندازد، منتهای آتش سلاح‌های سنگین و تجهیزات مانند هلی‌کوپتر و کاتیوشا و حمپاره که همچون یک جنگ جبهه‌ای کلاسیک وارد میدان کرده بود، امکان نداشت لااقل ظرف این فاصله‌ی زمانی بتواند در برابر دفاع نظامی سرسخانه‌ی پیشمرگان و نیروهای مقاومت مردمی، پیشروی کند. همین‌جا بایستی تاکید کنیم که در یک ارزیابی نظامی، حمله‌ی اخیر رژیم به گردستان با توجه به ابعاد وسیع تلفاتی که نیروهایش متحمل شدند، به هیچ وجه نشانه‌ی "قدرت" دشمن نیست. زیرا در یک ارزیابی نظامی، ارزش هر "تهاجمی" بر علیه طرف مقابل در ارتباط دیالکتیکی آن با توان "تدافع" و حفظ قوای خودی سنجیده می‌شود و اینطور نیست که هر حمله‌ای با هر بهای گزافی ولو اینکه به پیشروی منتهی شود، "پیروزی" محسوب گردد. اضافه بر همه‌ی مطالب فوق بایستی به یک نکته‌ی مهم دیگر نیز در رابطه با فعال کردن جبهه‌ی شمالی جنگ با عراق توجه داشت که نقطه‌ضعف نظامی رژیم را علیرغم قدرت‌نمایی‌های کاذب او بروشنی برملا می‌سازد. و آن اینست که تهاجمات جدید رژیم به داخل خاک عراق از عملیات "حاج عمران" باینطرف، در نقاطی از مرز ایران و عراق صورت می‌گیرد که بدلیل خصوصیات کوهستانی آن عمدتاً از نظر نظامی و استراتژیک قابلیت و ارزش نگهداری ندارد و مسلماً نمی‌تواند برای ادامه‌ی تعرض نیز، بلحاظ نظامی قابل اتکا باشد. بخصوص که امکان بقیه‌ی در صفحه بعد



## در حاشیه سرمقاله

بقیه/صفحه قبل

پشتیبانی لجستیکی و تامین تدارکاتی آن نیز برای رژیم خمینی بسیار دشوار است. گشودن چنین جبهه‌های بیهوده‌ای که البته به بهای سنگین به کشتن دادن جوانان میهنمان صورت می‌گیرد، اساساً برای رژیم یک "مصرف تبلیغاتی" جهت قدرت‌نمایی کاذب در سطح داخلی و بین‌المللی دارد. به بیان دیگر گشودن جبهه‌ی جدید برای ورود به خاک عراق از طریق کردستان، دقیقاً از موضع ضعف نظامی بوده و همانطور که گفتیم قبل از هر چیز برای جبران و پرده‌پوشی شکست و ناامیدی رژیم خمینی برای تدارک حمله‌ی گسترده در جبهه‌های جنوبی است.

در این مورد رفسنجانی خائن قبلاً یکبار در مصاحبه‌ای که از رادیوی رژیم خمینی در

تاریخ ۹ شهریور پخش گردید تلویحاً به این واقعیت اعتراف کرده و ضمن صحبت از اهمیت "محاسبات سیاسی" گفته بود که "این جنگ را ما از جنبه‌های نظامی تنها اداره نمی‌کنیم" اکنون برای آنکه ببینیم محاسبات و هدف‌های سیاسی مورد اشاره‌ی رفسنجانی خائن چه می‌باشد، قسمتی از سخنان او را در مراسم نمایش جمعی ۲۹/مهر که در رابطه با اهداف عملیات والفجر ۴ ایراد کرده نقل می‌کنیم. وی در مورد انگیزه‌ی شروع جنگ جدید (والفجر ۴) به ایزولاسیون و بی‌اعتباری بین‌المللی خود اشاره کرده و صریحاً اقدام به این حمله را به خاطر یک قدرت‌نمایی برای سربوش گذاشتن بر این بحران‌ها، ضروری دانسته و چنین می‌گوید: "هایهوی تبلیغاتی راه‌نماختند

بصورتی که یک مدت گفتند ایران دیگر پیروزی نظامی ندارد و پیروزی نظامی در این جنگ نیست. مساله‌ی حقوق بشر را مطرح کردند، مساله‌ی محیط زیست را مطرح کردند... برای ما که طرف هجوم همه‌ی این تبلیغات بودیم بایستی اقدامی می‌گردیم".

اطلاعه‌های اخیر قرارگاه حمزه و همچنین اظهارات سردمداران رژیم خمینی که تماماً بر یکسری جنبه‌های سمبلیک نظیر "وسعت عملیات" و "طول جبهه‌ی جنگ" و "تصرف مقرهای مرکزیت گروهک‌ها"!! و... انگشت گذاشته‌اند، بخوبی انگیزه‌ها و اهداف تبلیغاتی رژیم را برملا می‌سازد. در این مورد باز هم رفسنجانی صریحتر از بقیه به تهدید اصلی خود اشاره کرده و ضمن آشکار کردن ترس و وحشت شدید خود از سازمان یکی از عوامل تعیین کننده‌ی تهاجم اخیر به منطقه‌ی "آلان" را حضور مجاهدین در این منطقه می‌شمارد و چنین می‌گوید:

"جنبه‌ی دیگر قضیه که مهم است، اینجا مساله‌ی ضدانقلاب هم هست. یعنی اینجا فقط برایمان عراق تنها مطرح نبود... ما لازم بود الان یک ضربه‌ی انقلاب که غرب کردستان بود بزنیم. در سردشت مرکزی به نام "آلان"... تز هم اینست یک عده را بفرستند در داخل کشور بیایند و ناراضی‌های مردم را دامن بزنند"

انگیزه‌های تبلیغاتی رژیم بر علیه مقاومت انقلابی سراسری در رابطه با یک چنین قدرت - نمائی‌های کاذبی وقتی بهتر درک می‌شود که توجه کنیم دشمن درنده‌خو و ضدبشری علیرغم یاوه‌سرائی‌های قبلی خود مبنی بر تمام کردن کار مجاهدین، اکنون قریب به ۱/۵ سال است که به رغم صرف انرژی بسیار و سرمایه‌گذاری‌های کلان از وارد کردن هرگونه ضربه‌ی استراتژیک به مجاهدین عاجز مانده و در این رابطه نیز دقیقاً با بن‌بست مواجه شده است. اکنون پس از ارزیابی علل

تهاجم اخیر رژیم در کردستان و با در نظر گرفتن آرایش کنونی قوای دشمن در منطقه از یکسو و اوضاع و احوال جامعه در ارتباط با مبارزه‌ی انقلابی سراسری از سوی دیگر، بایستی بر ضرورت تشدید مقاومت مسلحانه و گسترش تهاجمات جسورانه‌ی انقلابی به نغرات و پایگاه‌های دشمن، تاکید نمود. زیرا اگرچه اکنون رژیم با نفوذ در یکی دیگر از مناطقی که تحت کنترل نیروهای مقاومت بوده، دایره‌ی حاکمیت لرزان خود را گسترده‌تر کرده و به عبارتی تمامیت عنوان "منطقه آزادشده" را به زیر علامت سوال برده، لیکن خود نیز به دلیل گسترش و پراکندگی نیروهایش در سطح منطقه آسیب‌پذیرتر و بیش‌از پیش در معرض تهاجم پیشمرگان قرار گرفته است. بنابراین قدر مسلم اینست که مقاومت خونین کردستان در شرایط حاضر با شیوه‌های متناسب با وضعیت کنونی منطقه با گام - هائی استوارتر از پیش استمرار خواهد یافت.

\*

## عملیات کمین پیشمرگه‌های مجاهد خلق و پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران

### در محور "بوکان - مهاباد"

### و به هلاکت رسیدن بیش از ۶ پاسدار

### و مزدور ضد خلقی

مجاهد خلق در جاده‌ی "مهاباد - بوکان" در نزدیکی روستای "شیخبر" اقدام به کمین در مسیر تردد مزدوران می‌نمایند که یک جیب فرماندهی دشمن به کمین پیشمرگان افتاده و در نتیجه ۶ نفر از مزدوران از جمله فرماندهی پایگاه "قره‌کند" به هلاکت رسیده و ۲ نفر دیگر زخمی می‌شوند. در پایان این عملیات کلیه‌ی رزمندگان سالم به پایگاه‌های خود باز می‌گردند

مجاهدین خلق ایران  
مرکز کردستان ۶۲/۸/۵

طی هفته‌ی گذشته پیشمرگه‌های مجاهد خلق با همکاری پیشمرگان دلیر حزب دمکرات کردستان طی یک رشته عملیات کمین در محور "بوکان - مهاباد" موفق می‌شوند ۶ مزدور ضد خلقی و منجمله فرماندهی پایگاه "قره‌کند" را به هلاکت برسانند. مشروح این عملیات از این قرار است:

در تاریخ ۳/آبانماه جاری در ساعت ۳ بعد از ظهر، عده‌ای از پیشمرگان قهرمان نیروی بیان حزب دمکرات با همکاری پیشمرگه‌های

و با خود فکر می‌کردند: "ما که گاربدی نکرده‌ایم" سرانجام ساعت ۴ بعد از ظهر وقتی گودال به اندازه‌ی کافی گود شد، مادر و عصمت به طرف جسد احمد رفتند و پس از آنکه چادر نمازی را روی زمین گسترده‌اند. پیکر بی‌جان او را در آن پیچیدند و به کنار گودال آوردند. عصمت می‌خواست جسد را داخل گودال بگذارد که مادر گفت:

"صبر کن!"

و سپس انگشتری‌اش را از دست بیرون آورد و تگین عقیق آنرا با نوک کارد خارج کرد و آنرا زیر زبان "احمد" قرار داد و سپس چهره‌ی روشن و آرام او را بوسید و سپس دست‌هایش را بلند کرد و گفت:

"خدایا این فدیة را نیز از مجاهدین بپذیر. آنان را که گمنام می‌چنگند... گمنام گشته می‌شوند... و گمنام بخاک سپرده می‌شوند تا یک‌خلق در زنجیر را از چنگال خمینی پلید نجات بخشند"

و آنگاه جسد را با کمک "عصمت" در گور نهاد و آنرا با خاک پوشانید.

\* \* \*

روز بعد یک تیم از رزمندگان مجاهد به پایگاه آمدند و پس از آنکه سلاح و نارنجک احمد را تحویل گرفتند، رفتند. چندی بعد پایگاه تخلیه شد و پیکر احمد در گوشه‌ی

## حماسه‌های مجاهد خلق، لحظه‌های انقلاب

### در مزار گمنام

بقیه/صفحه ۹

گرفته بود. با صدائی پر درد گفت:

"نگاه کن مادر... جلوی چشمان دارد از دست می‌رود و هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم. حتی اسمش را هم نمی‌دانیم نه او و نه دو برادر دیگری که شهید شدند. فقط نام مستعارش را به ما گفته بود..."

و بعد تلخ گریست، شب سپری شد و صبح رسید و ساعت یازده صبح "احمد" شهید شد.

\* \* \*

"عصمت" سطل، سطل آب می‌آورد و مادر با صورتی خیس از اشک، زمین خیس از آب اتاقک انتهای زیرزمین را با قندشکن و چکش می‌کند. لحظاتی بعد "عصمت" نیز با بیلی که در باغچه بود به کمک او آمد. در گوشه‌ی زیرزمین پیکر بی‌جان "احمد" روی پلاستیکی قرار داده شده بود.

بچه‌ها در اتاق بالا، سرگرم بازی بودند و نمی‌دانستند که چرا در را به رویشان بسته‌اند

که در خانه می‌گذشت، در طبقه‌ی بالا خوابیده بودند. پدران و مادران آنها نیز با دور از آنها در مأموریت بودند و یا در نبرد با دژخیمان به شهادت رسیده بودند و مدتها بود که بدینگونه زندگی کردن خو گرفته بودند.

ساعت یک بعد از نیمه‌شب، "احمد" اندکی هوش و حواس خود را بازیافت و سرش را که روی زانوان "مادر" قرار داشت چرخانید و با نگاهی غبارآلود به او نگریست و چیزی زیر لب گفت. مادر سرش را نزدیک دهان "احمد" برد و گوش کرد. احمد آهسته می‌نالد:

"مادر... مادر... اگر تو بالای سر فرزندت نیستی مادری از مادران خلق بالای سر اوست... ناراحت نباش... فرزندت... تنها نیست... مادر" و مرتب این جمله را تکرار می‌کرد.

بغض گلوی "عصمت" را

## اعدام یکی از روستائیان

### "بیژوه"

### توسط مزدوران خمینی

طبق اخبار واصله از روستای "بیژوه"، بعد از آنکه رژیم روستا را تصرف کرد، یکی از روستائیان را که برای مجاهدین خلق مستقر در بیژوه نان می‌پخت اعدام کرده‌است.

\*



نگاهی به نوشته‌ها و گفته‌ها

توطئه چینی خائنانه خمینی بر علیه انقلاب فلسطین

اخیرا مطبوعات و رسانه‌های خبری رژیم خمینی موج حملات تازه‌ای را بر علیه انقلاب فلسطین و بزرگ‌ترین سازمان رهبری‌کننده‌ی آن بر اه انداخته‌اند. سیاست ارتجاع در این رابطه اینست که حتی الامکان حملات و تبلیغات خود را بطور غیرمستقیم و بنحو رذیلانه‌ای از زبان "دیگران" پخش نماید. بدین منظور رژیم علاوه بر تقویت همه جانبه‌ی مواضع دولت‌هایی نظیر سوریه بر علیه سازمان آزادیبخش فلسطین، قویا تلاش می‌نماید تا بخصوص از انشعاب درونی "فتح" در جهت ضربه‌زدن به تمامیت این سازمان گمال سوءاستفاده رابه عمل آورد. لذا در هر فرصت سعی می‌کند تا اولاً: با بزرگ جلوه دادن این مساله از طریق شمارش کردن پی‌درپی "مخالفتان عرفات"، چنین وانمود سازد که جریانی که از آن در تبلیغات خود به عنوان "موج مخالفت با سازشکاری" نام می‌برد، هرروز درحال گسترش بوده و حتی اکثریت را در داخل سازمان فتح حائز گردیده است! ثانیاً: با طرح مسائلی از قبیل آنکه "مخالفتین" خواستار تشکیل اجلاس فوق‌العاده‌ی شورای ملی فلسطین برای تعیین "رهبری جدید" شده‌اند و امثال آن، مذبوحانه می‌گویند تا اعتبار و مشروعیت رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین رابه زیر علامت سوال برده و راه را برای دست‌اندازی‌های بعدی خود علیه خلق و انقلاب فلسطین هموار سازد. در همین رابطه است که سردمداران رژیم خمینی در اظهارات رسمی خود از ضرورت "اسلامی کردن" جنبش فلسطین سخن به میان می‌آورند. گماینکه اخیرا خامنه‌ای در سخنرانی خود به مناسبت تاسوعا

بقیه در صفحه ۱۷

قسمتهائی از اطلاعاتی نظامی مجاهدین خلق ایران

مرکز کردستان

در صفحات ۲۰ و ۲۳

\*\*\*

اخباری از بولتن

حزب دمکرات

کردستان ایران

تشکیلات اروپا

در رابطه با تهاجمات

اخیر رژیم

در صفحه ۲۰

به یاد

دانش آموزان

شهید در

۱۳ آبان ۵۷

در صفحه ۷

پاسخ به نامه‌های رسیده

انجام آن نمود.

اما تذکر نکته‌ی فوق به این معنا نیست که شرایط نظامی - پلیسی و فشار و اختناق را مطلق کرده و تصور کنیم که در چنین شرایطی امکان "پخش" وجود ندارد. مطمئنا بکار گرفتن قدرت ابتکار و خلاقیت خواهان و برادران در کشف شیوه‌های جدید و متناسب با شرایط، که همراه با جسارت انقلابی می‌باشد، این کار را کاملا میسر می‌نماید. همانطور که عملا، هم‌اکنون نیز شاهد پخش تعداد زیادی اعلامیه، نشریه، تراکت و... در سطح کشور می‌باشیم. این کار عمدتا توسط کسانی انجام می‌گیرد که ضمن توجه به پیچیدگی‌های این کار، مسائل امنیتی مربوطه را نیز به بهترین وجه رعایت می‌نمایند. به‌رحال مسئله‌ی مهمی که باید در رابطه با آن دقت لازم را بنمائیم، اینست که عمل "پخش" را همواره با حساب‌شده‌گی و طرح و برنامه‌ی مشخص انجام دهیم. منظور از داشتن طرح و برنامه‌ی مشخص این است که بقیه در صفحه ۱۶

خواهران و برادران عزیز!

هفته‌ی گذشته توضیحات مختصری درباره‌ی شیوه‌های مختلف "تکثیر" دادیم. این هفته می‌خواهیم اندکی درباره‌ی شیوه‌های مختلف "پخش" صحبت کنیم. بی‌شک مرحله‌ی "پخش"، حساس‌ترین مرحله‌ی یک کار تبلیغی است.

در مراحل قبل از "پخش" ما با مسائل و مشکلاتی روبرو هستیم که اخلال در آنها عمدتاً روندکار را به عقب می‌اندازد، در حالیکه در مرحله‌ی پخش علاوه بر مسئله‌ی فوق، با خطر دستگیری و ضربه خوردن به میزان بسیار بیشتری روبرو هستیم. بنابراین همراه با کوچک‌ترین بی‌توجهی به هر یک از پارامترهای موثر در امر "پخش" علاوه بر هرز دادن کلیه‌ی زحمات و امکاناتی که در گذشته به کار گرفته شده‌اند، با خطر از دست دادن برادران و خواهان مبارز خود نیز روبرو هستیم. بنابراین به این مرحله‌ی کار باید بهای کافی داد و به مثابه‌ی یک عمل مشخص، با طرح و برنامه‌ریزی کاملا حساب‌شده‌ی اقدام به

برای ارتباط مستقیم با دفتر برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران با آدرس زیر مکتب کنید:

B.P.18 95430  
AUVERS-SUR-OISE  
FRANCE

فرانسه

کمک‌های مالی خود را به یکی از حساب‌های زیر واریز نموده و حواله‌ی آنرا به یکی از آدرس‌های مقابل ارسال دارید:

انگلستان  
Midland Bank plc  
281 Chiswick High Road  
London W4 4HJ  
England  
A-Khodabandeh  
N. 91082078

از خارج فرانسه  
BANK SOCIETE GENERAL  
N°: 58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA  
(PARIS FRANCE) code guichet 03002  
در داخل فرانسه  
B.N.P. PONTOISE 1269652

هم میهنان!  
در مبارزه برای سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی، استمرار و گسترش مقاومت خونین خواهان، برادران و فرزندان مجاهد شما نیازمند حمایت‌های مالی است. حتی از کمک‌های اندک در مسیر تقویت مقاومت فروگذار نکنید و به تاثیرات آن کم بها ندهید. کمک‌های مالی خود را به هر میزان و از هر طریقی که می‌توانید به سازمان مجاهدین خلق ایران، هسته‌های مقاومت و میلیشیای مجاهد خلق برسانید.

برای آیه‌نشدن "مجاهد" در خارج کشور فرم زیر را در کاغذ جداگانه‌ی پر کرده و به همراه بهای اشتراک به آدرس پستی زیر ارسال نمایید:

فرانسه  
A.E.M B.P49  
75462 Paris CEDEX 10 FRANCE

Nom: \_\_\_\_\_  
Prénom: \_\_\_\_\_  
Adresse: \_\_\_\_\_

بهای اشتراک:

- سه ماهه معادل ۱۶۰ فرانک
- شش ماهه ۳۱۰ فرانک
- یکساله ۶۰۰ فرانک

نامه‌های خود را برای "مجاهد" و هم‌چنین رادیو "صدای مجاهد" به آدرس‌های زیر ارسال دارید:

انگلستان  
BM BOX 9090  
LONDON  
WCIN 3XX  
ENGLAND

اتریش  
Pf:6  
1110 WIEN  
AUSTRIA

آلمان  
Pf.: 800552  
5\_Köln 80  
W\_Germany

فرانسه  
B.P 214  
92108 BOULOGNE  
BILLANCOURT  
CEDEX  
PARIS FRANCE

دستور محوری روز: گسترش هسته‌های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع، شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام‌رهائی بخش عمومی